

ویرانگران انسانیت

بازداشت‌های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان ۹۸ در ایران

AMNESTY
INTERNATIONAL



عفو بین الملل یک جنبش جهانی با عضویت بیش از هفت میلیون نفر است و اعضای آن برای تحقق جهانی مبارزه می کنند که همگان در آن از حقوق بشر برخوردار باشند.

دیدگاه ما این است که همگان باید از تمام حقوق

تصریح شده در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»

و سایر موازین بین المللی حقوق بشر برخوردار باشند.

ما بدون وابستگی به هر دولت یا هر گونه ایدئولوژی سیاسی

و فارغ از هر گونه منافع اقتصادی یا گرایش های مذهبی

عمل می کنیم و هزینه های ما عمدتاً از طریق کمک های مالی

اعضا و سایر اشخاص و نهادها تأمین می شود.

عکس روی جلد: بازسازی تصویری از چندین شیوهی مختلف شکنجه در بازداشت گاه های تحت نظر وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، چنان که قربانیان برای عفو بین الملل توصیف کرده اند. طراحی از عفو بین الملل

به استثنای مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین «Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیر تجاری، بدون اشتقاق، بین المللی، نسخه ۴.۰) قرار دارد.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید:

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/legalcode>

اگر بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی گیرد.

این گزارش در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) توسط عفو بین الملل منتشر شده است.

**AMNESTY
INTERNATIONAL**



شماره ایندکس: MDE 13/2891/2020

زبان متن اصلی: انگلیسی

فهرست

۱. چکیده گزارش	۶
۲. روش تحقیق و پیش‌زمینه	۱۶
۲.۱ روش تحقیق	۱۶
۲.۲ پیش‌زمینه	۱۹
۳. دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه	۲۱
۳.۱ دستگیری‌های گسترده	۲۲
۳.۲ بازداشت کودکان	۳۰
۳.۳ وضعیت بازداشت‌شدگان	۳۳
۳.۴ اتهامات واهی، مبهم یا بی‌اساس	۳۵
۴. ناپدیدسازی‌های قهری	۴۲
۴.۱ بازداشتگاه‌های مخفی و «امنیتی»	۴۳
۴.۲ بی‌خبر نگه داشتن خانواده‌ها	۴۵
۴.۳ موارد ادامه‌دار ناپدیدسازی قهری	۴۷
۵. شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی	۵۰
۵.۱ حبس انفرادی طولانی‌مدت	۵۳
۵.۲ ضرب و جرح	۵۳
۵.۳ آویزان کردن و نگه داشتن در وضعیت‌های دردناک	۵۵

۵۹	۵.۴ شوک الکتریکی
۶۰	۵.۵ تحقیر و خشونت جنسی
۶۲	۵.۶ القای حس خفگی با آب
۶۳	۵.۷ تهدید به مرگ و اعدام نمایشی
۶۵	۵.۸ تزریق یا خوردن اجباری مواد شیمیایی
۶۶	۵.۹ سلب دسترسی به خدمات درمانی
۶۷	۵.۱۰ شرایط غیرانسانی بازداشت‌گاه‌ها
۷۱	۵.۱۱ شکنجه‌های روانی
۷۲	۶. محاکمه‌های ناعادلانه
۷۴	۶.۱ محروم شدن از دسترسی به وکیل و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه
۷۸	۶.۲ «اعترافات» اجباری
۸۴	۶.۳ دادرسی‌های غیابی یا غیرعلنی در مقابل دادگاه‌های غیرمستقل
۸۸	۶.۴ احکام غیرعلنی
۸۹	۶.۵ عدم رسیدگی مؤثر به تجدیدنظرخواهی
۹۱	۷. بحران مصونیت از مجازات
۹۱	۷.۱ عدم تحقیق و پاسخگویی
۹۲	۷.۲ تخریب چهره‌ی معترضان
۹۵	۷.۳ تجلیل از آمران و عاملان جرایم
۹۷	۸. قوانین و موازین بین‌المللی
۹۷	۸.۱ آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز
۹۹	۸.۲ بازداشت خودسرانه

۱۰۰	۸.۳ ناپدیدسازی قهری
۱۰۲	۸.۴ شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی
۱۰۴	۸.۵ محاکمه‌های ناعادلانه
۱۰۶	۸.۶ حق حقیقت‌یابی
۱۰۷	۸.۷ حق عدالت‌خواهی
۱۰۹	۸.۸ حق دریافت غرامت
۱۱۱	۹. نتیجه‌گیری و توصیه‌ها
۱۱۱	۹.۱ نتیجه‌گیری
۱۱۲	۹.۲ توصیه‌ها

۱. چکیده گزارش

«هر طور می‌توانستند ما را عذاب دادند. حتی تهدید می‌کردند که بسرت را هم به خاطر کارهای شما از دانشگاه اخراج می‌کنیم. می‌گفتم من برای احقاق حق و وضعیت معیشتی مردم به خیابان آمدم. من می‌بینم که خانواده خودم و دوستانم در فقر داریم دست و پا می‌زنیم. ما برای این به خیابان آمدیم. اما آن‌ها می‌گفتند نه شما باید بگویی با چه کسی در ارتباط هستی و از چه گروه‌هایی دستور می‌گیری. می‌گفتم این یک اعتراض مدنی بوده ... اما می‌گفتند که نه، شما به رهبری توهین کرده‌اید. شما علیه نظام هستید.»

نقل قول از یک معترض از اهالی مشهد، استان خراسان رضوی، که به عفو بین‌الملل گفته است در جریان شرکت در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ به طور خودسرانه بازداشت شده و مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته است.

در واکنش به اعتراضات سراسری در آبان ماه ۱۳۹۸ که در جریان آن ده‌ها هزار نفر در نقاط مختلف کشور دست به اعتراض زدند، اعتراضاتی که به دلیل اقدام ناگهانی دولت برای افزایش چشمگیر و یک‌شبه قیمت بنزین به راه افتاده بود، مقام‌ها و مسئولان ایرانی کارزاری برای سرکوب گسترده به راه انداختند که به جان باختن صدها نفر بر اثر استفاده‌ی عامدانه از سلاح‌های مرگبار و دستگیری بیش از هفت هزار مرد، زن و کودک بین ۱۰ تا ۱۸ سال در ظرف چند روز منجر شد.

عفو بین‌الملل برخوردهای مقام‌ها و مسئولان ایرانی با دستگیرشدگان در رابطه با اعتراضات را مورد تحقیق قرار داده و به این نتیجه رسیده است که این مقام‌ها و مسئولان به طور گسترده و سازمان‌یافته به نقض شدید حقوق بشر، از جمله از طریق بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و نقض آشکار حق برخورداری از محاکمه عادلانه، اقدام کرده‌اند. عفو بین‌الملل بیشتر در خرداد ۱۳۹۹ مستندات خود در مورد روال‌های غیرقانونی کشتار در نقاط مختلف کشور و مشخصات ۳۰۴ مرد، زن و کودکی را منتشر کرده است که در جریان اعتراضات به دست نیروهای امنیتی ایران کشته شدند.

روش تحقیق

عفو بین‌الملل، در فاصله‌ی ۵ آذر ۱۳۹۸ تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، مصاحبه‌های مشروحی با ۶۶ نفر در داخل ایران و ۱۰ نفر در خارج کشور انجام داده است. ۶۰ نفر از این افراد کسانی بودند که خودشان یا بستگان یا آشنایان نزدیک‌شان با دستگیری خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها مواجه شده بودند؛ دو نفر از آن‌ها معترضانی بودند که در خفا به سر می‌بردند؛ و ۱۴ نفر دیگر افراد مطلعی بودند که یا شاهد تخلفات مورد نظر بوده و یا به شکل قابل اتکایی این تخلفات را مورد تحقیق قرار داده بودند

و شامل معترضان و عابرائی که دستگیر نشده بودند، وکلا، کارکنان مراکز درمانی، فعالان و روزنامه‌نگاران محلی و معلمان دانش‌آموزانی که دستگیر شده بودند، می‌شدند.

علاوه بر این، عفو بین‌الملل در ۴ آذر ۱۳۹۸ دو شماره تلفن برای تماس با این سازمان و ارائه اطلاعات مربوط به بازداشت‌ها در اختیار عموم قرار داد، و از آن تاریخ تا کنون پیام‌های نوشتاری یا شنیداری و همچنین ویدئوهای متعددی از جانب صدها نفر از شهروندان داخل کشور، شامل معترضان و شاهدان اعتراضات، اعضای خانواده‌ها، دوستان یا آشنایان بازداشت‌شدگان، وکلا، کارکنان مراکز درمانی، روزنامه‌نگاران یا فعالان محلی و منابع مطلع در داخل زندان‌ها دریافت کرده است.

عفو بین‌الملل، به علاوه، تعداد زیادی از ویدئوهای ضبط‌شده از اعتراضات را، که سندیت‌شان در «واحد تأیید محتوای دیجیتالی» این سازمان به تأیید رسیده، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، تعدادی از احکام دادگاه‌ها و سایر اسناد حقوقی را بررسی کرده و اظهارات مسئولان و همچنین گزارش‌ها و روایت‌های منتشرشده از سوی سایر سازمان‌های مستقل حقوق بشری را مد نظر قرار داده است.

سازمان عفو بین‌الملل در نامه‌هایی خطاب به حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور، و ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، با تشریح نگرانی‌های خود در این زمینه، خواهان اظهار نظر و شفاف‌سازی از جانب این مقام‌ها شده، اما تا زمان انتشار این گزارش پاسخی از جانب آنان دریافت نکرده است.

دستگیری و بازداشت خودسرانه

یافته‌های عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که بسیاری از دستگیری‌ها در طول پنج روزی انجام گرفته که اعتراضات در جریان بوده، اما روال دستگیری‌های گسترده در روزها و هفته‌های متعاقب آن ادامه پیدا کرده است. افرادی که، در بسیاری از موارد به صورت مسالمت‌آمیز، در تجمعات اعتراضی شرکت کرده بودند از طریق تصاویری که مأموران امنیتی یا دوربین‌های نظارتی ثبت کرده بودند شناسایی شده و در خانه یا محل کار و در مورد برخی از کودکان، در محل تحصیل‌شان دستگیر شدند. تعداد زیادی از معترضان و شاهدان اعتراضات نیز در مراکز درمانی دستگیر شده‌اند، در حالی که برای مداوای جراحات بالقوه مهلک‌شان، از جمله زخم‌های گلوله یا سایر لطماتی که در جریان اعتراضات متحمل شده بودند، به بیمارستان‌ها رفته بودند.

فعالان دانشجویی، فعالان رسانه‌ای، از جمله روزنامه‌نگارانی که حوادث مربوط به اعتراضات را پوشش می‌دادند، و مدافعان حقوق بشر هم از آسیب‌دیدگان این دستگیری‌های خودسرانه بودند. در همین حال، برخی از شرکت‌کنندگان در مراسم یادبود جان‌باختگان اعتراضات نیز ناعادلانه به زندان افتادند.

مقام‌ها و مسئولان، در ادامه روالی که از دیرباز برقرار بوده، با بهره‌برداری از جو به شدت امنیتی و به بهانه مقابله با اعتراضات به دستگیری و بازداشت خودسرانه‌ی فعالان اقلیت‌های قومی نیز اقدام کردند، اقلیت‌هایی که با تبعیض سازمان‌یافته مواجه بوده‌اند؛ به این ترتیب، فعالان عرب اهوازی، فعالان ترک آذربایجانی، و فعالان کردی بازداشت شدند که در مواردی حتی در تجمعات اعتراضی

شرکت نکرده بودند. همچنین، در روزهای اعتراضات، مأموران اطلاعاتی و امنیتی با چندین نفر از فعالان ترک آذربایجانی تماس گرفته و تهدیدشان کردند که اگر در اعتراضات شرکت کنند، بازداشت خواهند شد.

در بسیاری از موارد، دستگیری‌ها به شیوه خشونت‌آمیز انجام شده و نیروهای انتظامی و مأموران اطلاعاتی و امنیتی افراد را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و آن‌ها را به زور داخل ماشین‌های ون انداختند. در برخی موارد، نیروهای امنیتی سلاح‌های تهاجمی و تفنگ‌هایشان را در جریان دستگیری‌ها به شکل تهدیدآمیز به نمایش گذاشتند. از ۳۱ استان ایران، دستگیری‌ها در ۲۸ استان انجام شده است.

همچنین، مقام‌های مسئول خانواده‌های معترضان تحت تعقیب را که در خفا به سر می‌بردند، هدف آزار و ارباب و دستگیری و بازداشت خودسرانه قرار دادند تا افراد تحت تعقیب را زیر فشار بگذارند و آنان را وادار به تسلیم کردن خودشان کنند.

به همین نحو، مقام‌های مسئول خانواده‌های بازداشت‌گان را مورد آزار و زیر فشار قرار دادند تا بستگان بازداشتی آن‌ها را به دادن «اعترافات» اجباری مکتوب یا تلویزیونی وادار کنند.

عفو بین‌الملل، بر اساس اطلاعاتی که از آسیب‌دیدگان و خانواده‌هایشان و همچنین از گروه‌های مستقل حقوق بشری در خارج از ایران کسب کرده، اسامی و مشخصات بیش از ۵۰۰ نفر از معترضان و سایر افراد، از جمله مدافعان حقوق بشر، را ثبت کرده است که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند.

مدت زندان صادره برای محکومین از یک ماه تا ۱۰ سال بوده، که بر اساس اتهامات امنیتی واهی یا مبهم، مانند «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «توهین به مقام رهبری» صادر شده است. تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، دست کم سه نفر از افرادی که مشخصاتشان ثبت شده، به دنبال محاکمه‌ای به شدت ناعادلانه، با اتهام «محاربه» از طریق تحریق و تخریب اموال عمومی به اعدام محکوم شده‌اند. بیش از ۱۵ نفر که مورد شناخت عفو بین‌الملل هستند، علاوه بر مجازات زندان، به مجازات شلاق نیز محکوم شده‌اند. در مورد حداقل دو نفر از این افراد، مجازات شلاق به اجرا گذاشته شده است.

عفو بین‌الملل بر این باور است که با توجه به حجم گسترده دستگیری‌ها و روال‌های تعقیب کیفری و مجازات افراد که در گذشته و به دنبال اعتراضات سراسری در کشور پی گرفته شده، شمار واقعی افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد تعقیب کیفری و مجازات قرار گرفته‌اند بسیار بیشتر از تعدادی است که این سازمان ثبت کرده است. عدم دسترسی به اطلاعات لازم در این زمینه، تا حد زیادی، به دلیل جو شدید اربابی است که مقام‌ها و مسئولان در ایران ایجاد کرده‌اند، و در نتیجه تعداد کمتری از آسیب‌دیدگان، بستگان آنان، و کلا و سایر افراد مطلع به سخن گفتن در این باره تمایل نشان می‌دهند.

بازداشت‌شدگان در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ به طور مرسوم و مکرر به ارتکاب جرایمی متهم می‌شوند که در قانون مجازات اسلامی آمده و شامل «اخلال در نظم عمومی»، «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «عضویت در گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی» می‌شود. تعاریفی که از این جرایم ارائه شده با اصل «شفافیت قانون» مغایرت دارد؛ این تعاریف به شدت پردامنه و

مبهم بوده و به مقام‌ها و مسئولان اجازه می‌دهد تا با بهره‌برداری خودسرانه از آن‌ها به محدود کردن امکان برخورداری مسالمت‌آمیز از حق آزادی بیان و آزادی تشکل و تجمع اقدام کنند.

«تبلیغ علیه نظام»، «توهین به مقام رهبری»، «توهین به مسئولان» و «اشاعه‌ی اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی» از دیگر جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی است که از آن‌ها برای تعقیب کیفری معترضان استفاده شده است. این مقررات عملاً آزادی بیان افکار و عقاید را جرم‌انگاری می‌کنند و چنین اقدامی با تعهدات ایران در چارچوب قوانین بین‌المللی حقوق بشر مغایرت دارد.

تعدادی از احکام دادگاه‌ها و کیفرخواست‌هایی که عفو بین‌الملل مورد ملاحظه قرار داده از فعالیت‌های مسالمت‌آمیز به عنوان «شواهد و مدارک» اقدامات مجرمانه علیه امنیت ملی یاد کرده‌اند، از جمله: شرکت کردن در آنچه مقام‌ها و مسئولان «اعتراضات غیرقانونی» یا «اغتشاش» می‌خوانند؛ خواندن سرودهای سیاسی در جریان اعتراضات؛ فیلم گرفتن و یا به اشتراک گذاشتن ویدئوهای اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی؛ شرکت کردن در مراسم یادبود جان‌باختگان اعتراضات و روشن کردن شمع به یاد این آسیب‌دیدگان؛ ابراز همدلی با جان‌باختگان اعتراضات و «شهید» خواندن آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی؛ به اشتراک گذاشتن مطالبی در شبکه‌های اجتماعی که مردم را به شرکت در مراسم یادبود جان‌باختگان اعتراضات دعوت می‌کردند؛ و انتشار مطالبی در فضای اینترنتی در حمایت از اعتراضات.

بسیاری از کسانی که در رابطه با اعتراضات دستگیر شدند به ارتکاب جرایمی مانند تحریق و تخریب اموال عمومی نیز متهم شده‌اند. با این حال، در بسیاری از مواردی که عفو بین‌الملل از آن‌ها اطلاع دارد، مقام‌های مسئول شواهد معتبری ارائه نکرده‌اند که مشخصاً نشان‌دهنده مشارکت مستقیم متهمان در اقدامات خشونت‌آمیز باشد، اقداماتی که جامعه بین‌المللی آن‌ها را تخلفات مجرمانه قلمداد می‌کند.

عفو بین‌الملل همچنین اطلاع دارد که در مواردی مقام‌ها و مسئولان در صدد متهم کردن معترضان به ارتکاب جرایم مبهمی بوده‌اند که مجازات اعدام در پی دارد و یا این که عملاً این اتهامات را وارد کرده‌اند. این موارد از جمله شامل این افراد می‌شود: دست کم ۵۰ نفر از بهبهان، در استان خوزستان، که پیش‌تر زندانی بوده‌اند و در تحقیقات اولیه‌ی کیفری به «بغی» (قیام مسلحانه) متهم شده بودند؛ جوانی به نام **سیامک مقیمی**، که در ندامتگاه مرکزی تهران (معروف به زندان فشافویه) به اتهام «محاربه» محاکمه شده بود، اما متعاقباً از این اتهام تبرئه شد و با اتهامات «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «اخلال در نظم عمومی» به پنج سال و سه ماه زندان محکوم شد؛ جوان دیگری در ندامتگاه مرکزی تهران به نام **حسین ریحانی** که به «محاربه» متهم شده است و در انتظار تشکیل دادگاه و در معرض خطر حکم اعدام است؛ و سه جوان به نام‌های **امیرحسین مرادی**، **محمد رجبی** و **سعید تمجیدی** که در اسفند ۱۳۹۸ با اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شدند.

ناپدیدسازی قهری و قطع ارتباط بازداشت‌شدگان با دنیای بیرون

بسیاری از بازداشت‌شدگان، از جمله زندانیان عقیدتی، تا روزها، هفته‌ها یا حتی ماه‌ها در مکان‌های نامعلوم، بدون ارتباط با دنیای بیرون حبس شده و قربانی ناپدیدسازی قهری شدند. بعد از انتقال این افراد به زندان‌های عادی، روشن شد که بسیاری از آنان در

بازداشتگاه‌های موسوم به «بازداشتگاه‌های امنیتی» و یا مکان‌های محرمانه غیررسمی حبس شده بودند که زیر نظر تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی، از جمله وزارت اطلاعات یا سپاه پاسداران، قرار دارند. تعداد دیگری از بازداشت‌شدگان در زندان‌هایی بیش از اندازه پرجمعیت و با دسترسی محدود یا بدون امکان تماس با خانواده‌ها یا وکلایشان حبس شدند. در بعضی از شهرها، از پادگان‌های نظامی، اماکن ورزشی و مدارس نیز برای حبس کردن بازداشت‌شدگان استفاده شد.

در روزها و هفته‌های پس از اعتراضات، بستگان آشفته و نگران بازداشت‌شدگان با سازمان عفو بین‌الملل تماس گرفته و می‌گفتند که برای کسب اطلاع در مورد عزیزان‌شان به بیمارستان‌ها، سردخانه‌ها، پاسگاه‌های نیروی انتظامی، دادسراها، دادگاه‌های انقلاب، زندان‌ها و سایر بازداشتگاه‌های شناخته‌شده سر زده‌اند، اما مقام‌های مسئول از ارائه اطلاعات به آنان خودداری کرده‌اند. در بعضی از موارد، مسئولان عمداً اطلاعات خود در مورد سرنوشت و محل نگهداری افراد قهرماً ناپدیدشده را در اختیار بستگان آن‌ها قرار نمی‌دادند. در برخی موارد دیگر، به خانواده‌ها می‌گفتند که بستگان آن‌ها در حبس به سر می‌برند، اما از ارائه اطلاعات مربوط به محل حبس یا اتهامات واردشده به این افراد خودداری می‌کردند.

مقام‌ها و مسئولان، به جای کاستن از نگرانی‌های بستگان بازداشت‌شدگان، اغلب تهدید می‌کردند که در صورت اصرار بر کسب اطلاعات درباره عزیزان‌شان یا اعتراض علنی به این وقایع، خودشان را هم دستگیر می‌کنند. در یکی از مواردی که عفو بین‌الملل مستندات آن را ثبت کرده، مسئولان یکی از بستگان بازداشت‌شدگان را به دلیل اصرار بر دریافت اطلاعات درباره سرنوشت و محل نگهداری دو نفر از اعضای خانواده‌اش که قهرماً ناپدید شده بودند، دستگیر کردند.

استفاده گسترده مسئولان از بازداشت بدون ارتباط با دنیای بیرون و ناپدیدسازی قهری، بسیاری از خانواده‌ها را در وضعیت نگرانی و سردرگمی شدید قرار داد. بسیاری از خانواده‌ها از این بیم داشتند که ممکن است عزیزان‌شان جان باخته باشند، به ویژه با توجه به گزارش‌های فزاینده‌ای که درباره جان باختن افراد بر اثر استفاده‌ی نیروهای امنیتی از سلاح‌های مرگبار برای سرکوب اعتراضات منتشر می‌شد، و امتناع مقام‌ها و مسئولان از تحویل دادن اجساد جان‌باختگان به خانواده‌هایشان و همچنین گزارش‌های منتشرشده در مورد جان باختن افراد در داخل زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها این نگرانی‌ها را تشدید می‌کرد.

تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، عفو بین‌الملل از اسامی سه نفر مطلع شده است که همچنان در وضعیت ناپدیدشدگی قهری به سر می‌برند و مقام‌ها و مسئولان به مخفی نگه داشتن سرنوشت و مکان نگهداری آنها ادامه می‌دهند. این سه قربانی شامل **مهدی رودباریان**، برادر وی، **مصطفی رودباریان** و فرد سومی می‌شوند که عفو بین‌الملل به دلیل نگرانی‌های امنیتی هویتش را محفوظ نگه داشته است.

شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی

اظهارات آسیب‌دیدگان، خانواده‌های آسیب‌دیدگان، شاهدان عینی و وکلا، ویدئوهای تأییدشده در «واحد تأیید محتوای دیجیتال» در سازمان عفو بین‌الملل و گزارش‌های مدافعان حقوق بشر در داخل ایران و رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری خارج کشور آشکارا نشان می‌دهد که نیروهای انتظامی، مأموران اطلاعاتی و امنیتی و شماری از مسئولان زندان‌ها، بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، را هم در جریان دستگیری و هم متعاقباً در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها در نقاط مختلف کشور مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار داده‌اند.

عفو بین‌الملل دریافته است که بازداشت‌شدگان اکثراً در جریان بازجویی‌ها در مرحله‌ی اولیه بازداشت‌شان در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار داشته و در شرایطی نگرانی می‌شدند که از نظر حقوقی «ناپدیدشدگی قهری» محسوب می‌شود.

بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل گردآوری کرده، از شکنجه به منظور مجازات، ارباب و تحقیر بازداشت‌شدگان استفاده شده است. به علاوه، بازجویان از شکنجه به عنوان ابزاری برای واداشتن بازداشت‌شدگان به «اعتراف» و بیان اظهاراتی مبنی بر مجرم شناختن خودشان استفاده کرده‌اند؛ این اظهارات و «اعترافات» نه فقط به موضوع مشارکت در اعتراضات بلکه همچنین به ادعاهای بازجویان مبنی بر ارتباط معترضان با گروه‌های سیاسی مخالف حکومت، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و رسانه‌های خارج کشور و همچنین با دولت‌های بیگانه مربوط می‌شده است.

در اکثر موارد، آسیب‌دیدگان گفته‌اند که در حالی که کیسه‌ای روی سرشان کشیده یا به آن‌ها چشم‌بند زده بودند، با مشت و لگد مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند؛ شلاق خورده‌اند؛ زیر ضربات چماق، شلنگ پلاستیکی، باتوم و کابل قرار گرفته‌اند؛ به مدت طولانی آویزان شده یا مجبور شده‌اند در حالت‌های دردآوری بنشینند یا بایستند؛ از غذا و آب آشامیدنی کافی محروم شده‌اند؛ و گاهی برای هفته‌ها یا حتی ماه‌ها در سلول‌های انفرادی قرار گرفته‌اند.

همچنین، اطلاعاتی از منابع دست‌اول در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته مبنی بر این که بازجویان وابسته به تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی و مأموران زندان‌ها بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، را به این شیوه‌ها مورد شکنجه قرار داده‌اند: برهنه کردن زندانیان و پاشیدن آب سرد بر بدن‌شان؛ نگه داشتن بازداشت‌شدگان به طور مستمر و به مدت طولانی در معرض گرما یا سرمای شدید و / یا بمباران آن‌ها با نور تند و صداهای گوش‌خراش؛ کشیدن ناخن‌های انگشتان دست و پا؛ اسپری فلفل زدن به نقاط مختلف بدن؛ تزریق یا خوردن اجباری مواد شیمیایی؛ شوک الکتریکی؛ القای حس خفگی با آب؛ و اعدام‌های نمایشی – این شیوه‌ها مطابق با روال‌های شکنجه‌ای هستند که به‌کارگیری آن‌ها پیشتر در ایران ثبت شده بود.

اطلاعاتی که از طریق منابع دست‌اول، از جمله آسیب‌دیدگان و بستگان آسیب‌دیدگان و منابعی در داخل زندان‌ها، به دست عفو بین‌الملل رسیده نشان می‌دهد که بازجویان و مسئولان زندان‌ها بازداشت‌شدگان مرد را مورد خشونت جنسی، از جمله برهنه‌سازی اجباری، دشنام‌های جنسی، پاشیدن اسپری فلفل به ناحیه دستگاه تناسلی و وارد آوردن شوک الکتریکی به بیضه‌ها قرار داده‌اند.

به علاوه، تمام آسیب‌دیدگانی که با عفو بین‌الملل صحبت کرده‌اند اشکال مختلف شکنجه روانی را با هدف اخذ «اعترافات» اجباری گزارش کرده‌اند. این شکنجه‌های روانی معمولاً شامل استفاده مستمر از این موارد می‌شود: الفاظ تحقیرآمیز و توهین‌آمیز و حرف‌های رکیک؛ تهدید به مرگ و تهدید به اعمال شکنجه هر چه بیشتر؛ تهدید به دستگیری، شکنجه، قتل، یا اشکال دیگر آسیب رساندن به اعضای خانواده‌ی بازداشت‌شدگان، از جمله همسران و والدین مسن آن‌ها؛ تهدید به تجاوز به بازداشت‌شدگان یا به بستگان زن آن‌ها؛ و ادار شدن به شنیدن ناله‌ها و فریادهای بازداشت‌شدگان تحت شکنجه. در چندین مورد، بازجویان همچنین تهدید کرده بودند که مانع از ادامه تحصیل فرزندان بازداشت‌شدگان می‌شوند، یا به دروغ به بازداشت‌شدگان گفته بودند که عزیزان‌شان را پیشتر دستگیر کرده‌اند و در همان نزدیکی در حال بازجویی از آن‌ها یا شکنجه کردن آن‌ها هستند.

همچنین، مقام‌های مسئول، از جمله بازجویان وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، مسئولان زندان‌ها و مقام‌های دادستانی، به شکل پیوسته بازداشت‌شدگان را با محروم کردن عامدانه آنان از دسترسی به خدمات درمانی و دارو مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار داده‌اند، داروها و خدماتی که بازداشت‌شدگان برای معالجه‌ی جراحتهایی که در جریان اعتراضات متحمل شده بودند، از جمله زخم گلوله و جراحات ناشی از ضرب و جرح، و همچنین برای معالجه صدمات ناشی از شکنجه به آن‌ها نیاز داشتند. همچنین در مواردی، مقام‌های مسئول بازداشت‌شدگان را از دسترسی به داروهایی که از قبل از دستگیری برای بیماری‌های مختلف مصرف می‌کردند، محروم کردند.

تا آن‌جا که عفو بین‌الملل اطلاع دارد، هیچ‌گونه تحقیقی در مورد ادعاهای بازداشت‌شدگان مبنی بر قرار گرفتن در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها انجام نشده است، حتی هنگامی که این ادعاها را در دادگاه‌ها مطرح کرده بودند؛ هیچ مأمور و مسئولی نیز وادار به پاسخگویی در این زمینه نشده است.

در روزهای پس از اعتراضات، صدا و سیما جمهوری اسلامی اقدام به پخش «اعترافات» اجباری نمود که تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اخذ و ضبط شده بودند. این «اعترافات» متعاقباً به طور سازمان‌یافته مورد استناد دادگاه‌ها در جریان محاکمه‌های به شدت ناعادلانه قرار گرفتند، حتی در شرایطی که متهمان اظهارات سابق خود را در دادگاه پس می‌گرفتند و اعلام می‌کردند که «اعترافات» شان زیر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اخذ شده است.

محاکمه‌های ناعادلانه

بازداشت‌شدگانی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد بازجویی و محاکمه قرار گرفته‌اند از حق برخورداری از دادرسی منصفانه محروم شده و قربانی فرایندهای قضایی به شدت ناعادلانه شده‌اند.

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که بازجویان وابسته به تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی و مقام‌های دادستانی به شکل سازمان‌یافته بازداشت‌شدگان را در مرحله تحقیقات از حق دسترسی به وکیل محروم کرده‌اند، حتی در شرایطی که وکلای مورد نظر از جانب قوه قضائیه تأیید شده بودند.

به علاوه، در برخی موارد، همسو با روال در حال گسترش در ایران و در مغایرت با قوانین داخلی این کشور، مقام‌های قضایی و دادستانی بازداشت‌شدگان را از حق برخورداری از وکیل منتخب خود در جریان برگزاری محاکمه محروم کردند. مقام‌ها و مسئولان به متهمان می‌گفتند که باید وکلای خود را از فهرست وکلایی انتخاب کنند که به تأیید ریاست قوه قضائیه رسیده، و متهمانی که از این کار خودداری می‌کردند متعاقباً وادار می‌شدند که شخصاً از خود در جریان محاکمه دفاع کنند.

عفو بین‌الملل مستندات مربوط به پرونده‌های هفت نفر از متهمان را ثبت کرده است که در رابطه با اعتراضات بازداشت شده بودند و در جریان برگزاری محاکمه از دسترسی به وکیل محروم شده‌اند. در برخی موارد، محرومیت از دسترسی به وکیل از این رو بود که مقام‌ها و مسئولان به متهمان می‌گفتند که باید وکلای خود را از فهرست وکلایی انتخاب کنند که به تأیید ریاست قوه قضائیه رسیده

و متهمانی که از این کار خودداری می‌کردند متعاقباً وادار می‌شدند که شخصاً از خود در جریان محاکمه دفاع کنند. در چندین مورد دیگر، متهمان به شکل غیابی محاکمه شدند و مسئولان فرصت دسترسی به وکیل را برای آن‌ها فراهم نیاوردند. این سازمان بر این باور است که تعداد واقعی افرادی که قربانی این رویه شده‌اند احتمالاً بسیار بیشتر است.

حق برخوردار شدن از مهلت و امکانات مکفی برای آماده کردن دفاعیات مناسب نیز پیوسته زیر پا گذاشته شده است؛ وکلای متهمان تا زمان آغاز محاکمه از دسترسی به پرونده‌های موکلان خود محروم بوده‌اند و امکانات مناسب برای مشاوره خصوصی یا تبادل نظر با موکلان خود نداشته‌اند. بازداشت‌شدگان اغلب تا ساعاتی قبل از برگزاری محاکمه و حتی گاهی تا آغاز جلسه محاکمه، اجازه ملاقات با وکلایشان را نداشتند.

جلسات محاکمه در پشت درهای بسته برگزار شده‌اند که نقض حق برخورداری متهمان از دادرسی علنی و عادلانه است. عفو بین‌الملل همچنین اطلاع دارد که دست کم در سه مورد، متهمان شخصاً در محل برگزاری محاکمه حضور نداشته‌اند و به شکل غیابی مجرم شناخته شده و احکام‌شان صادر شده است.

قضاتی که ریاست دادگاه‌های کیفری و دادگاه‌های انقلاب را بر عهده داشتند عموماً برخوردهای خصومت‌آمیز و نامنصفانه‌ای با متهمان داشته‌اند و پایبند نبودن خود به اصل بی‌طرفی را با حمایت آشکار از ادعاهای مسئولان اطلاعاتی و امنیتی به نمایش گذاشته‌اند.

به طور کلی، احکام صادرشده بدون برگزاری جلسات حضوری برای ارائه دفاعیات تکمیلی به تأیید دادگاه‌های تجدیدنظر رسیده و بسیاری از بازداشت‌شدگان و وکلایشان حتی از این امکان محروم شده‌اند که در پی ثبت درخواست تجدید نظر، دفاعیات مکتوب خود را برای دادگاه‌های تجدیدنظر ارسال کنند. در بسیاری از موارد، مقام‌های مسئول نسخه‌ای از دادنامه دادگاه بدوی را در اختیار بازداشت‌شدگان وکلای محکوم‌شدگان قرار نداده و به این ترتیب عملاً بهره‌مندی موثر آنان از امکان تجدید نظرخواهی را محدودتر کرده‌اند.

بحران مصونیت از مجازات

تا به امروز، هیچ مقام یا مسئول رسمی به اتهام آمریت، ارتکاب یا تسهیل جرایمی از قبیل شکنجه و ناپدیدسازی قهری و دیگر موارد نقض شدید حقوق بشر در جریان اعتراضات و متعاقب آن مورد تحقیق و تعقیب قرار نگرفته، چه رسد به این که وادار به پاسخگویی شده باشد. علاوه بر این، مقام‌ها و مسئولان ایرانی از انتشار هرگونه اطلاعات رسمی در خصوص تعداد کل دستگیری‌ها، تعداد افرادی که همچنان در بازداشت نگه داشته شده‌اند و وضعیت پرونده‌های آنان خودداری کرده‌اند.

همانند سایر جنایاتی که در گذشته رخ داده، مصونیت عاملان و آمران نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ بحرانی است که دامنه آن از عدم انجام تحقیق و تضمین پاسخگویی مسئولان فراتر می‌رود. مسئولان ارشد کشور عملاً در اظهارات خود از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به دلیل خاتمه دادن سریع به ناآرامی‌ها تجلیل کرده و سرکوبگری‌های بی‌رحمانه آنان را به عنوان «پیروزی قاطع» علیه «توطئه‌ای عمیق، وسیع و بسیار خطرناک» شایسته تقدیر دانسته‌اند.

مسئولان حکومتی، در واکنشی هماهنگ شده به منظور «توجیه» نقض شدید حقوق بشر در جریان اعتراضات و متعاقب آن، از یک سو پیوسته معترضان دستگیر شده را به عنوان «اغتتاشگران»، «ضدانقلاب» و «اشرار» معرفی کرده‌اند که با حمایت «دولت‌های معاند بیگانه» و گروه‌های اپوزیسیون خارج کشور در صدد ایجاد هرج و مرج بوده‌اند، و از سوی دیگر به برجسته کردن مواردی پرداخته‌اند که برپایی اعتراضات با آسیب زدن به اموال عمومی و خصوصی همراه شده است.

قوانین و موازین بین‌المللی

قوانین بین‌المللی حقوق بشر محروم کردن خودسرانه‌ی افراد از آزادی شخصی‌شان را، از جمله از طریق دستگیری و بازداشت و حبس ممنوع می‌کند. بازداشت‌شدگان حق دارند با دنیای بیرون در ارتباط باشند و با بستگان خود ملاقات کنند. قوانین بین‌المللی شکنجه را جرم به شمار می‌آورد و استفاده از آن را در هر شرایطی ممنوع می‌شمارد. اظهاراتی که بر اثر شکنجه، بدرفتاری، یا سایر شیوه‌های اجبار و اعمال فشار اخذ شده باشد نباید به عنوان شواهد و مدارک در دادرسی‌های کیفری مورد استناد قرار گیرند، مگر در مواردی که به عنوان اسنادی علیه متهمان به ارتکاب شکنجه، بدرفتاری، یا سایر شیوه‌های اجبار و اعمال فشار ارائه می‌شود.

حق برخورداری از محاکمه‌ی عادلانه حقی است که تمام کشورها موظف به رعایت آن به عنوان بخشی از قوانین جاری بین‌المللی هستند. افرادی که در معرض تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند باید از این حقوق برخوردار باشند: از زمان دستگیری و در طول دوره پیش از محاکمه و در جریان محاکمه، به مشاوره‌ی حقوقی دسترسی داشته باشند؛ به زور وادار به شهادت دادن علیه خود یا اعتراف به مجرمیت خود نشوند؛ بنا به اتهامات مبهم بازداشت نشوند؛ جلسات دادرسی علنی و عادلانه‌ای برای آنان برگزار شود و سپس در دادگاه صاحب صلاحیت، مستقل و بی‌طرفی مورد محاکمه قرار گیرند؛ و حکم علنی و مستدلی برای آنان صادر شود.

دولت‌ها موظف اند اتهامات مطرح شده در زمینه نقض حقوق بشر را مورد تحقیق و تفحص سریع، جامع، مؤثر، مستقل و بی‌طرفانه قرار دهند و افراد مسئول را مجازات کنند. نتایج تحقیق و تفحص باید منتشر شود و آسیب‌دیدگان و خانواده‌هایشان و همچنین سایر اعضای جامعه، حق دارند از حقایق مربوط به موارد نقض حقوق بشر مطلع شوند. آسیب‌دیدگان نقض حقوق بشر به علاوه حق دارند، به دلیل صدماتی که دیده‌اند، از تسهیلات جبرانی کامل و مؤثر بهره‌مند شوند.

توصیه‌ها و پیشنهادها

عفو بین‌الملل از مقام‌ها و مسئولان ایران می‌خواهد که تمام افرادی را که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق خود برای برخورداری از آزادی بیان و تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ به زندان افتاده‌اند بی‌درنگ و بدون قید و شرط آزاد کنند. مقام‌ها و مسئولان باید تمام اتهامات وارد شده به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز افراد از این حقوق انسانی‌شان را فسخ کنند و اطمینان دهند که تمام محکومیت‌های ناشی از محاکمه‌های به شدت ناعادلانه ملغا می‌شود. همچنین، باید تمام اتهامات مطرح شده در خصوص اعمال شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و ناپدیدسازی قهری را مورد تحقیق و تفحص سریع، جامع، مؤثر، مستقل و بی‌طرفانه قرار دهند، و افراد مسئول را از طریق محاکمه‌های عادلانه به مجازات برسانند.

با توجه به شدت و وخامت موارد نقض حقوق بشر و مصونیت مستمر مسئولان از مجازات، که روال غالب در ایران بوده، عفو بین‌الملل بار دیگر از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهد که یک ساز و کار تحقیقاتی مستقل ایجاد کنند تا روال‌های فراگیر و سازمان‌یافته نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ (از جمله دستگیری‌های گسترده، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و محاکمه ناعادلانه بازداشت‌شدگان و همچنین کشتار معترضان و عابران) مورد بررسی قرار گیرد و بدین ترتیب زمینه‌های پاسخگو کردن مرتکبان و تضمین عدم تکرار چنین تخلفات و جرایمی فراهم شود.

همچنین، عفو بین‌الملل مصرانه از تمام کشورهای عضو سازمان ملل درخواست می‌کند تا مقام‌ها و مسئولان ایرانی را به انجام این اقدامات ملزم کنند: حقوق انسان‌ها برای برخورداری از آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز را رعایت و حفاظت کنند؛ با فسخ یا اصلاح اساسی مفاد قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، قوانین داخلی کشور را با قوانین بین‌المللی هماهنگ کنند؛ اطلاعات مربوط به سرنوشت و محل نگهداری افرادی را که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ قهرماً ناپدید شده‌اند منتشر کنند؛ به اعمال شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله روال اخذ و پخش تلویزیونی «اعترافات» اجباری، خاتمه دهند؛ و تدابیر مشخص و مؤثری در راستای کسب اطمینان از مطابقت داشتن تمام محاکمه‌ها با موازین بین‌المللی در خصوص محاکمه عادلانه اتخاذ کنند. مقام‌ها و مسئولان ایران به علاوه باید ملزم شوند که با درخواست‌های «گزارشگر ویژه‌ی شورای حقوق بشر سازمان ملل» برای بازدید از این کشور موافقت کنند.

۲. روش تحقیق و پیش زمینه

۲.۱ روش تحقیق

سازمان عفو بین الملل، در ادامه‌ی تحقیقات مستمر خود در مورد سرکوب اعتراضات ضدحکومتی در آبان ماه ۱۳۹۸ در ایران، ادعاهای مطرح در خصوص نقض حقوق انسانی بازداشت‌شدگان از جانب مقام‌ها و مسئولان کشور را مورد تحقیق و تفحص قرار داده است.

عفو بین الملل، در فاصله ۵ آذر ۱۳۹۸ تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، مصاحبه‌های عمیق با ۶۶ نفر در داخل ایران و ۱۰ نفر در خارج کشور انجام داده است که با توجه به تمایل شخصی‌شان برای مصاحبه انتخاب شده بودند. از این افراد ۶۰ نفر کسانی بودند که خودشان یا بستگان یا آشنایان نزدیک‌شان با دستگیری خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها مواجه شده بودند؛ دو نفر از آن‌ها معترضانی بودند که در خفا به سر می‌بردند؛ و ۱۴ نفر دیگر افراد مطلعی بودند که یا شاهد تخلفات مورد نظر بوده و یا به شکل قابل اتکایی این تخلفات را مورد تحقیق قرار داده بودند و شامل معترضان و شاهدانی که دستگیر نشده بودند، وکلا، کارکنان مراکز درمانی، فعالان و روزنامه‌نگاران محلی، و معلمان دانش‌آموزانی که دستگیر شده بودند، می‌شدند.

عفو بین الملل توانسته است، بر اساس این مصاحبه‌های مفصل، پرونده‌های ۷۵ نفر، شامل ۶۸ مرد و هفت زن، را ثبت و مستندسازی کند که در ارتباط با اعتراضات سراسری قربانی دستگیری و بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، و شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها شده‌اند.

موارد ثبت‌شده به ۱۳ استان، شامل استان‌های البرز، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، تهران، خوزستان، خراسان رضوی، فارس، کرمانشاه، کردستان، مرکزی و مازنداران مربوط می‌شوند. عفو بین الملل موفق نشده است در خصوص بازداشت‌شدگان متعلق به اقلیت عرب اهوازی در استان خوزستان و اقلیت بلوچ در استان سیستان و بلوچستان به اطلاعات دقیق و جزیی دست پیدا کند.

عفو بین الملل به علاوه از طریق مصاحبه‌های انجام‌شده در جریان دستگیری و شکنجه‌ی تعداد زیادی کودک در استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان قرار گرفته است. با این حال، این سازمان قادر نبوده است به اسامی این آسیب‌دیدگان نوجوان دست پیدا کند و نتوانسته است برای کسب اطلاعات دقیق‌تر با خانواده‌های آنان ارتباط برقرار نماید.

اکثریت وسیعی از کسانی که عفو بین الملل با آن‌ها مصاحبه کرده تا هفته‌ها و ماه‌ها پس از وقوع اعتراضات در حالت شوک، ترومای روانی، اضطراب به سر می‌بردند و از یک سو مایل به بازگو کردن سرگذشت‌شان بودند و از سوی دیگر از این بیم داشتند که در صورت چنین کاری، خود یا بستگان‌شان با اقدامات تلافی‌جویانه مواجه می‌شوند. عفو بین الملل پیشتر مستنداتی در این باره منتشر کرده

است که در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ و متعاقب آن، تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی ایران کارزار سرکوبی به راه انداخته‌اند تا مانع از آن شوند که خانواده‌های آسیب‌دیدگان و سایر افراد به رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری اطلاع‌رسانی کنند.^۱

تمامی مصاحبه‌ها به زبان فارسی، در ۶۹ مورد به صورت شفاهی و در ۷ مورد به صورت مکتوب، انجام شده است. جز در مواردی که مشخصاً اشاره شده، اسامی مصاحبه‌شدگان به منظور حفظ امنیت‌شان نزد عفو بین‌الملل محفوظ می‌ماند. به همین دلیل، در این گزارش به زمان، مکان و وسیله‌ی ارتباطی که برای انجام مصاحبه استفاده شده مشخصاً اشاره نمی‌شود.

علاوه بر این، با توجه به نگرانی‌های جدی امنیتی، در بسیاری از موارد، این گزارش به مشخصاتی از قبیل نام آسیب‌دیدگانی که روایت‌شان توسط عفو بین‌الملل مستند شده است و همین طوری اسم شهری که شکنجه‌ها و سایر بدرفتاری‌های مستندشده در آن‌جا رخ داده و زمان دقیق وقوع این رخدادها اشاره نمی‌کند، تا اطمینان حاصل شود که منابعی که عفو بین‌الملل به شهادت‌ها و اظهارات‌شان اتکا کرده شناسایی نمی‌شوند.

عفو بین‌الملل در ۴ آذر ۱۳۹۸ با اعلام دو شماره تماس تلفنی و انتشار جزئیات آن در شبکه‌های اجتماعی خود که به مسائل ایران می‌پردازند و همچنین در شبکه‌های خبری خارجی از کشور که بینندگان وسیعی در ایران دارند، از عموم مردم خواست تا اطلاعات خود درباره بازداشت‌ها را در اختیار این سازمان بگذارند. در روزها، هفته‌ها و ماه‌های متعاقب آن، این سازمان پیغام‌های نوشتاری یا شنیداری و همچنین ویدئوهای متعددی از جانب صدها نفر از شهروندان داخل کشور، شامل معترضان و شاهدان اعتراضات، اعضای خانواده‌ها، دوستان یا آشنایان بازداشت‌شدگان، وکلا، کارکنان مراکز درمانی، روزنامه‌نگاران یا فعالان محلی و منابع مطلع در داخل زندان‌ها دریافت کرد.

اکثر این افراد، با توجه به نگرانی‌های امنیتی، مایل به مصاحبه‌ی مفصل با سازمان عفو بین‌الملل نبودند. با این حال، پیغام‌های نوشتاری یا شنیداری‌شان اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار این سازمان گذاشت، از جمله درباره مشخصات افرادی که بازداشت شده بودند و شرایط دستگیری آنان؛ رویه‌های گسترده بدرفتاری با اعضای خانواده‌های بازداشت‌شدگان که به دنبال یافتن اطلاعات در مورد سرنوشت و محل نگهداری عزیزان‌شان بودند؛ حضور مأموران اطلاعاتی و امنیتی در بیمارستان‌هایی که معترضان و شاهدان مجروح در آن‌جا در حال مداوا بودند؛ وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها در نقاط مختلف کشور؛ رویه‌های یورش و دستگیری گسترده در روزها و هفته‌های پس از اعتراضات؛ و تشدید جو امنیتی حاکم بر کشور.

در راستای کسب اطمینان از اعتبار اطلاعات دریافتی، عفو بین‌الملل به افرادی که با این سازمان ارتباط برقرار کرده بودند پاسخ داده و از آنان درخواست کرده بود تا درباره نحوه مطلع شدن یا آسیب دیدن خود از تخلفاتی که گزارش داده‌اند توضیحاتی ارائه کنند.

^۱ عفو بین‌الملل، «ایران: شواهد تازه از کشته شدن دست کم ۲۳ کودک و نوجوان به دست نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات آبان حکایت دارد» (اطلاعیه‌ی مطبوعاتی، ۱۴ اسفند ۱۳۹۸).

این سازمان به صورت مستمر و منظم اطلاعات دریافتی از منابع دست‌اول و دست‌دوم در مورد رویه‌های گسترده و خودسرانه‌ی دستگیری‌ها، ناپدیدسازی‌های قهری و شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را با گزارش‌ها و مستندات سایر سازمان‌ها و فعالان معتبر حقوق بشری و همچنین با رویه‌های پیشین تخلفات مستندشده در گزارش‌های عفو بین‌الملل، مورد مطابقت و ارزیابی قرار داده است.

در سرتاسر روند تحقیقات، عفو بین‌الملل ارتباط نزدیک خود را با شماری از روزنامه‌نگاران و مدافعان معتبر حقوق بشر مستقر در خارج کشور حفظ کرده بود که به تحقیق در مورد وضعیت بازداشت‌شدگان می‌پرداختند و کانال‌های ارتباطی برای تماس با آسیب‌دیدگان و بستگان آسیب‌دیدگان، منابع داخل زندان‌ها و سایر شاهدان عینی داشتند.

عفو بین‌الملل به علاوه با جست‌وجوهای اینترنتی و رجوع به گزارشات رسانه‌های خبری و سازمان‌های حقوق بشری، تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، اسامی و مشخصات بیش از ۵۰۰ نفر را که از آبان ماه ۱۳۹۸ در رابطه با اعتراضات مورد پیگرد کیفری قرار گرفته‌اند، ثبت کرده است (به بخش ۳.۴ نگاه کنید).

عفو بین‌الملل توانسته است به تعدادی مدارک قضایی دست یابد و آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد، از جمله احکام دادگاه‌ها و دستورات مکتوب دادستان‌ها که در اختیار متهمان یا وکلایشان قرار گرفته یا منابع دیگری به آن‌ها دست یافته بودند. در بسیاری از موارد، مسئولان قضایی و مقام‌های دادستانی از تحویل دادن نسخه مکتوبی از احکام صادرشده به محکوم‌شدگان خودداری کرده‌اند. بسیاری از بازداشت‌شدگان از طریق مسئولان زندان‌ها از احکام صادرشده باخبر شده‌اند، به شکل شفاهی یا از طریق نامه‌ای که در زندان به دست آنان رسیده و در آن صرفاً به مجرم شناخته شدن‌شان در مورد اتهامات مندرج و حکم صادرشده علیه آنان اشاره شده بود. در برخی موارد، وکلای بازداشت‌شدگان اجازه پیدا کرده‌اند تا احکام صادرشده را در محل دادگاه ملاحظه کرده و از روی آن یادداشت بردارند در حالی که در موارد دیگر، این وکلا از طریق نامه یا سامانه‌ی الکترونیک قوه قضاییه از محکومیت موکلان‌شان در مورد اتهامات مطرح و احکام صادرشده علیه آنان مطلع شده‌اند (به بخش ۶.۱ نگاه کنید).

عفو بین‌الملل، به علاوه، تعداد زیادی از ویدئوهای ضبط‌شده از اعتراضات را که سندیت‌شان در «واحد تأیید محتوای دیجیتال» این سازمان به تأیید رسیده، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است؛ این ویدئوها نیروهای امنیتی را در حال استفاده از سلاح‌های مرگبار با معترضان و شاهدان اعتراضات و برخورد خشونت‌آمیز با آنان در جریان اعتراضات و همچنین در جریان دستگیری و انتقال به بازداشتگاه‌ها نشان می‌دهد.

عفو بین‌الملل اظهارات مسئولان را که در خبرگزاری‌های دولتی یا وابسته به حکومت ایران منتشر شده مورد ملاحظه و بازبینی قرار داده و همچنین ویدئوهای پخش‌شده از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اعتراضات را یافته و به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته است، ویدئوهایی که روایت مقام‌ها و مسئولان از حوادث را منعکس کرده و اظهارات بازداشت‌شدگان را به عنوان «اعتراف» پخش می‌کنند.

سازمان عفو بین‌الملل در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۹۹، در نامه‌هایی خطاب به حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور، و ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه، با تشریح نگرانی‌های خود در رابطه با نقض حقوق انسانی بازداشت‌شدگان در جریان اعتراضات یا متعاقب آن، خواهان

اظهار نظر و شفاف‌سازی از جانب این مقام‌ها شده، اما تا زمان انتشار این گزارش پاسخی از جانب آنان دریافت نکرده است. این سازمان همچنان به دنبال فرصت‌هایی برای ابراز نگرانی‌ها و اعلام توصیه‌های خود به مقام‌ها و مسئولان ایرانی خواهد بود.

عفو بین‌الملل مراتب قدردانی و تحسین عمیق خود را به تمام افراد با شهامتی ابراز می‌کند که برای در میان گذاشتن روایت‌های دردناک خودشان یا دیگران با این سازمان ارتباط برقرار کردند.

۲.۲ پیش‌زمینه

در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۹۸، به دنبال اعلام ناگهانی تصمیم دولت برای افزایش چشمگیر و یک‌شبه قیمت بنزین، ده‌ها هزار نفر در نقاط مختلف کشور برای اعتراض به خیابان‌ها ریختند. در آغاز، معترضان به راه‌پیمایی، برگزاری تجمع، فراخوان خودداری از خرید و مصرف بنزین، ایجاد راه‌بندان به وسیله خودروهایشان و اهدای شاخه گل به نیروهای انتظامی اقدام کردند. اما دامنه اعتراضات به سرعت گسترش پیدا کرد و از ابراز نگرانی در مورد افزایش قیمت بنزین به اعتراض وسیع‌تر به نظام سیاسی رسید و در ادامه به ابراز خواسته‌های معترضان برای دگرگونی نظام سیاسی کشور، از جمله اصلاحات اساسی و خاتمه دادن به نظام جمهوری اسلامی منجر شد.

نیروهای امنیتی ایران برای سرکوب اعتراضات به سرعت وارد عمل شدند و در جریان این عملیات سرکوب، که تا ۲۸ آبان ادامه داشت، با توسل غیرقانونی به قوه قهریه، و از جمله با استفاده از سلاح‌های مرگبار، گلوله‌های ساچمه‌ای، گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش به مقابله با معترضان و شاهدان اعتراضات پرداختند.^۲

با فاصله کمی پس از آغاز اعتراضات، مسئولان ایرانی دسترسی به اینترنت را تقریباً به طور کامل مسدود کردند و این اقدام مانع از این شد که مردم داخل کشور تصاویر و ویدئوهای سرکوب‌های مرگبار را به صورت هم‌زمان در معرض دید جهانیان قرار دهند. اینترنت تا ۳۰ آبان وصل نشد و بعد از آن هم تا چند روز سرعت بسیار پایینی داشت.^۳

با آن که اکثر تظاهرات‌ها به شکل مسالمت‌آمیز آغاز شد، در برخی موارد، تعدادی از معترضان به پرتاب سنگ به سوی مأموران امنیتی اقدام کرده یا به اقدامات تخریبی دست زدند. وزارت کشور ایران اعلام کرده است که، در جریان این اعتراضات، بیش از ۵۰ پاسگاه نیروی انتظامی، ۷۳۱ بانک، ۷۰ پمپ بنزین و ۹ مرکز مذهبی و همچنین ۱۸۳ خودروی پلیس، ۳۴ آمبولانس، ۳۰۷ خودروی شخصی و ۱۰۷۶ موتورسیکلت شخصی به آتش کشیده شده یا صدمه دیده است.^۴

^۲ عفو بین‌الملل، «ایران: شش ماه پس از کشتار وسیع به دست نیروهای امنیتی، مشخصات ۳۰۴ نفر از جان‌باختگان منتشر شد» (اطلاعیه‌ی مطبوعاتی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹)؛ عفو بین‌الملل، «ایران: شواهد تازه از کشته شدن دست کم ۲۳ کودک و نوجوان به دست نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات آبان حکایت دارد» (اطلاعیه‌ی مطبوعاتی، ۱۴ اسفند ۱۳۹۸)؛ عفو بین‌الملل، «ایران: احتمال جان باختن بیش از صد نفر از معترضان، به دنبال موافقت مسئولان ارشد با سرکوب شدید اعتراضات» (اطلاعیه‌ی مطبوعاتی، ۲۸ آبان ۱۳۹۸).

^۳ جامعه جهانی سنجش سانسور اینترنت، «خاموشی اینترنت در سراسر ایران: اندازه‌گیری داده‌ها و مشاهدات فنی»، ۲ آذر ۱۳۹۸.

^۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی، «وزیر کشور: اقدام اشرار برای انفجار بزرگترین مخزن بنزین یکی از شهرستان‌ها ناکام ماند»، ۶ آذر ۱۳۹۸.

عفو بین‌الملل مشخصات ۳۰۴ مرد، زن و کودکی را ثبت کرده که در جریان اعتراضات به دست نیروهای امنیتی کشته شدند، در عین حال که اذعان می‌کند شمار واقعی کشته‌شدگان احتمالاً بسیار بیشتر از این رقم است.^۵ اکثریت وسیع کشته‌شدگان بر اثر اصابت گلوله به سر، گردن، سینه و قلب‌شان جان باخته‌اند و این نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی به قصد کشتن افراد به سمت آنان شلیک می‌کردند. هزاران نفر دیگر نیز مجروح شده‌اند.

بنا به تحقیقات گسترده‌ای که عفو بین‌الملل به عمل آورده، از جمله تجزیه و تحلیل ویدئوها، تقریباً در هیچ‌یک از اعتراضات شواهدی حاکی از این دیده نمی‌شود که مردم سلاح گرم در اختیار داشته و یا رفتارشان تهدید جانی قریب الوقوعی متوجه نیروهای امنیتی و دیگر افراد کرده بود به نحوی که توجیه‌کننده استفاده نیروهای امنیتی از سلاح‌های مرگبار باشد. تا آن‌جا که عفو بین‌الملل اطلاع دارد، تنها در دو تجمع اعتراضی در ماهشهر، در استان خوزستان، چند معترض مسلح به تبادل آتش با نیروهای امنیتی پرداخته بودند که به جان باختن یک عضو سپاه پاسداران و یک مأمور نیروی انتظامی منجر شد. بنا به اظهارات معترضان و شاهدانی که در محل حضور داشته‌اند و همچنین با توجه به ویدئوهایی که عفو بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، حتی در جریان این دو درگیری نیز نیروهای امنیتی استفاده خود از سلاح‌های مرگبار را به مقابله با کسانی که عامل تهدیدات جانی عاجل بودند محدود نکرده و با شلیک گلوله به سمت معترضان غیرمسلح، تعدادی از آن‌ها را نیز کشتند.^۶

با توجه به گزارش‌های رسانه‌های حکومتی، عفو بین‌الملل برآورد کرده است که جمعاً پنج نفر از اعضای نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات جان باخته‌اند.^۷

^۵ عفو بین‌الملل، «ایران: مشخصات ۳۰۴ نفر از کشانی در جریان سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸ جان باخته‌اند»، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹. (Index: [MDE ۱۳/۲۳۰۸/۲۰۲۰](#)).
^۶ این حوادث در ۲۷ آبان ۱۳۹۸ در محله چمران (معروف به جراحی) و در ۲۷ آبان ۱۳۹۸ تا ساعات اولیه ۲۸ آبان ۱۳۹۸ در محله طالقانی (معروف به کوره) رخ داد.
^۷ خبرگزاری دفاع مقدس، «شهادت اغتشاشات اخیر را بیشتر بشناسیم»، ۶ آذر ۱۳۹۸؛ تابناک، «دیدار سرلشکر سلامی با خانواده‌ی شهید مدافع امنیت»، ۱۱ دی ۱۳۹۸؛
خبرگزاری جمهوری اسلامی، «شهید رضا صیادی نماد ایثار و رشادت در جامعه است»، ۲۹ آبان ۱۳۹۸؛ خبرگزاری میزان، «تجلیل از خانواده‌های شهیدان مرتضی ابراهیمی و مصطفی رضایی»، ۲۶ آذر ۱۳۹۸؛ خبرگزاری تسنیم، «دیدار آیت‌الله جنتی با خانواده‌ی شهید امنیت، مرتضی ابراهیمی»، ۵ آذر ۱۳۹۸؛ مشرق نیوز، «فیلم تشییع پیکر شهید امنیت، مصطفی رضایی»، ۲۹ آبان ۱۳۹۸؛ خبرگزاری مهر، «دیدار با خانواده‌ی شهید امنیت و حضور در دانشگاه رازی کرمانشاه»، ۱۹ آذر ۱۳۹۸.

۳. دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه

«داشتم می‌رفتم سر کارم که تیر به شکم‌ام خورد. رفتم بیمارستان تا گلوله را در بیاورند. وقتی ترخیص شدم، مأموران امنیتی ... داخل بیمارستان منتظر بودند تا دستگیرم کنند. همه را از بعد از ترخیص‌شان دستگیر می‌کردند. در بازداشتگاه‌ها خیلی‌ها زخم گلوله داشتند.»

نقل قول از فردی از اهالی کرج، استان البرز، که در مسیر رفتن به محل کار خود در روز ۲۶ آبان ۱۳۹۸ مورد اصابت گلوله قرار گرفته و چند روز بعد به صورت خودسرانه دستگیر و بازداشت شده است.

بر اساس شواهدی که عفو بین‌الملل گردآوری کرده و مطابق قوانین بین‌المللی، بسیاری از دستگیری‌ها و بازداشت‌هایی که در ارتباط با اعتراضات سراسری در آبان ماه ۱۳۹۸ انجام شده خودسرانه به شمار می‌آیند زیرا افراد صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق‌شان در زمینه آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز دستگیر و بازداشت شده‌اند. به علاوه، عفو بین‌الملل بر این باور است که عملاً در تمام موارد، دستگیری‌ها و بازداشت‌های مرتبط با اعتراضات در مغایرت با موازین دادرسی منصفانه انجام شده و بر این اساس دستگیری‌ها و بازداشت‌ها ماهیت خودسرانه پیدا کرده و به محاکمه‌های ناعادلانه منتهی شده‌اند (برای اطلاعات بیشتر، به فصل ۶ نگاه کنید).

با آن که قانون اساسی ایران و قانون آیین دادرسی کیفری در این کشور حق برخورداری از آزادی شخصی را محترم می‌شمارد، مواد محدودیت‌زا و به شدت مبهم و پر دامنه در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین زمینه را برای دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی مهیا می‌کند. به علاوه، بازداشت‌شدگان در دوره‌ی حبس‌شان از حمایت‌های حقوقی همسو با موازین بین‌المللی حقوق بشر برخوردار نمی‌شوند. برای نمونه، قانون آیین دادرسی کیفری این امکان را فراهم نمی‌کند که متهم، بعد از دستگیری، در اسرع وقت در برابر یک مقام قضایی مستقل و بی‌طرف حاضر شود. در عوض، این قانون ایجاب می‌کند که متهم به بازپرس پرونده سپرده شود، بازپرسی که وابسته به دفتر دادستانی بوده و بنابراین از استقلال رأی و عمل و بی‌طرفی لازم برخوردار نیست. این عملاً به معنی آن است که مقام‌هایی که قرار بازداشت را صادر می‌کنند متعلق به همان مجموعه‌ای هستند که این قرارها را تأیید می‌کنند، درخواست بازداشت‌شدگان برای لغو قرار را بررسی می‌کنند، و ضرورت تمدید یا عدم تمدید قرار را معین می‌کنند؛ این روال عملاً این امکان را از بازداشت‌شدگان سلب می‌کند که بتوانند قانونی بودن بازداشت خود را به لحاظ حقوقی به چالش بکشند.

در مورد بازداشت‌شدگان مرتبط با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، بعضی از آنان حتی تا روزها یا هفته‌ها بعد از دستگیری‌شان به حضور بازپرس برده نشدند، و این اقدام برخلاف ماده‌ی ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری است که می‌گوید مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس نباید بیش از ۲۴ ساعت باشد.^۸

۳.۱ دستگیری‌های گسترده

در جریان اعتراضات و متعاقب آن، نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی ایران هزاران مرد، زن و کودک را دستگیر کردند. دستگیرشدگان شامل معترضان و شاهدانی می‌شدند که به شکل مسالمت‌آمیز در اعتراضات حضور داشتند و در میان‌شان کودکانی بودند که بین ۱۰ تا ۱۸ سال سن داشتند. فعالان دانشجویی، فعالان رسانه‌ای، از جمله روزنامه‌نگارانی که به پوشش اخبار اعتراضات پرداخته بودند، و مدافعان حقوق بشر، از جمله فعالان متعلق به اقلیت‌های قومی، از دیگر افرادی بودند که در جریان اعتراضات یا در هفته‌های متعاقب آن به صورت خودسرانه دستگیر شدند.

مقام‌ها و مسئولان ایران آماری رسمی درباره تعداد افراد دستگیرشده منتشر نکرده‌اند. با این حال، ۴ آذر ۱۳۹۸، حسین نقوی حسینی، نماینده مجلس و سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اعلام کرد که حدود هفت هزار نفر دستگیر شده‌اند.^۹ گزارش‌های رسانه‌های مستقل از این حکایت دارد که شمار دستگیرشدگان بیش از این رقم بوده است.

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که بسیاری از دستگیری‌ها در جریان پنج روز اعتراضات صورت گرفته، اما در روزها و هفته‌های بعد، روال دستگیری‌های گسترده ادامه پیدا کرده، به ویژه در استان‌هایی که تلفات انسانی بیشتری متحمل شده بودند؛ مسئولان در این استان‌ها شمار چشمگیری از خودروها و پرسنل امنیتی را در اماکن عمومی نگه داشته بودند تا به این وسیله از وقوع اعتراضات بیشتر جلوگیری کنند.

نیروهای اطلاعاتی و امنیتی افرادی را که در اعتراضات شرکت کرده بودند از طریق تصاویر ضبط‌شده توسط دوربین‌های نظارتی شناسایی کرده و با حمله به منازل این افراد، از جمله در ساعات شب، به دستگیری آنان اقدام کردند. برخی از افراد نیز در محل کار یا، در مورد کودکان، در مدرسه، دستگیر شدند.

در بسیاری از موارد، دستگیری‌ها به شیوه خشونت‌آمیز انجام شده و مأموران اطلاعاتی و امنیتی افراد را مورد ضرب و جرح قرار داده و آن‌ها را به زور داخل ماشین‌های ون می‌انداختند. در برخی موارد، نیروهای امنیتی سلاح‌های خود را در جریان دستگیری‌ها به شکل تهدیدآمیز به نمایش می‌گذاشتند.

^۸ برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «اصلاحات ناقص: آیین‌نامه‌ی دادرسی کیفری جدید در ایران»، ۲۲ بهمن ۱۳۹۴ (Index: [MDE ۱۳/TV۰۸/۲۰۱۶](#)).

^۹ انتخاب، «نقوی حسینی: بازداشت حدود هفت هزار نفر در ناآرامی‌های ایران»، ۸ آذر ۱۳۹۸.

بنا به مواردی که به اطلاع سازمان عفو بین‌الملل رسیده و اظهارات رسمی و اطلاعات قابل دسترس عموم در وبسایت‌های خبری و حقوق بشری، دستگیری‌ها در ۲۸ استان از ۳۱ استان کشور صورت گرفت از جمله در آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد.

عفو بین‌الملل، از طریق منبعی در داخل کشور، به یک سند رسمی دست پیدا کرده که از ابعاد گسترده دستگیری‌ها حتی در شهرهای کوچک پرده بر می‌دارد. این قرار قضایی که در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۹۸ از طرف یکی از بازپرس‌های شعبه دوم دادسرای بهبهان در استان خوزستان صادر شده، نشان می‌دهد که فقط در همین شهر کوچک^{۱۰} بیش از هزار نفر در رابطه با اعتراضات دستگیر شده‌اند. در این سند، اتهامات وارد شده به ۸۹ فرد با ذکر نام‌شان فهرست می‌شود و قید می‌شود که آن‌ها به دلایل مرتبط با اعتراضات در حبس به سر می‌برند یا با قرار وثیقه آزاد شده بودند؛ و تصریح می‌شود که پرونده‌های ۳۷ نفر از آنان باید به دادگاه فرستاده شود و اتهامات وارد شده به ۵۲ نفر باقی‌مانده فسخ خواهد شد.

به گفته‌ی شاهدان عینی که عفو بین‌الملل با آن‌ها مصاحبه کرده، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، از جمله نیروهای بسیجی، حضور سنگینی در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در نقاط مختلف کشور داشتند؛ گفته می‌شود که در برخی نقاط، این نیروها مدیران بیمارستان‌ها را وادار کرده‌اند که فهرستی از اسامی بیماران بستری شده به دلیل جراحات ناشی از اصابت گلوله یا ضرب‌وشتم را در اختیار آنان بگذارند، و بسیاری از معترضان و شاهدان مجروح را در بیمارستان‌ها و در همان حال که تحت مداوا قرار داشتند یا بلافاصله پس از ترخیص شدن‌شان دستگیر کردند. مردی از اهالی کرج، در استان البرز، که در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۹۸ به هنگام رفتن به سر کارش مورد اصابت گلوله قرار گرفته و متعاقباً دستگیر و حبس شده، به عفو بین‌الملل گفته است:

«داشتم می‌رفتم سر کارم که تیر به شکم‌ام خورد. شوکه شده بودم، اول فکر کردم گلوله بی‌حس‌کننده بوده، اما بعد متوجه شدم که از شکم‌ام دارد خون می‌آید. به اطرافم نگاه کردم و افراد بسیاری را دیدم که از ناحیه سر و گردن به آن‌ها شلیک شده بود. رفتم بیمارستان تا گلوله را در بیاورند. وقتی چند روز بعد ترخیص شدم، مأموران امنیتی با لباس شخصی داخل بیمارستان منتظر بودند تا دستگیرم کنند. چند روز در بازداشت ماندم و بعد به قید وثیقه آزاد شدم. همه را از بعد از ترخیص‌شان از بیمارستان دستگیر می‌کردند. در بازداشتگاه‌ها، خیلی‌ها زخم گلوله و جراحات‌های دیگر داشتند.»

بنا به اطلاعاتی که منابع مطلع در داخل ایران در اختیار عفو بین‌الملل قرار داده‌اند و یا گروه‌های حقوق بشری دیگر جمع‌آوری و ثبت کرده‌اند،^{۱۱} تعدادی از روزنامه‌نگاران و همچنین کاربران شبکه‌های اجتماعی هم، در نقاط مختلف کشور، دستگیر شده یا برای

^{۱۰} بنا به آخرین سرشماری ایران، که در سال ۱۳۹۵ انجام شده، جمعیت بهبهان ۱۲۲۶۰۴ بوده است. برای اطلاعات بیشتر، به وبسایت «مرکز آمار ایران» مراجعه کنید:

<https://www.amar.org.ir/>

^{۱۱} گزارشگران بدون مرز، «جمهوری اسلامی ایران: پس از سرکوب خونین اعتراض‌های مردم، بازداشت و تهدید روزنامه‌نگاران»، ۱۳ آذر ۱۳۹۸.

بازپرسی در خصوص گزارش‌هایشان از اعتراضات یا اظهار نظرات‌شان در شبکه‌های اجتماعی درباره سرکوبگری مقام‌ها و مسئولان احضار شدند.

برای نمونه، محمد مساعد، روزنامه‌نگار، اول آذر ۱۳۹۸ در خانه‌اش دستگیر شد؛ دلیل دستگیری او توهین بود که ۲۷ آبان ۱۳۹۸ درباره اقدام مسئولان به قطع تقریباً کامل شبکه‌ی اینترنت در کشور نوشته بود. این روزنامه‌نگار به زندان اوین تهران منتقل شد و متعاقباً در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۹۸ به قید وثیقه آزاد شد.^{۱۲}

حتی روزنامه‌نگاران ایرانی ساکن خارج کشور، از جمله کارکنان نهادهای خبری فارسی‌زبان مستقر در بریتانیا، به دلیل گزارش‌هایشان از اعتراضات مورد آزار و ارباب قرار گرفتند و به ربه‌ده شدن تهدید شدند. همزمان مقام‌ها و مسئولان بستگان آنان در ایران را برای بازجویی احضار کردند تا به این وسیله آنان را برای متوقف کردن فعالیت‌هایشان زیر فشار بگذارند.

مقام‌ها و مسئولان، در ادامه روالی که از دیرباز برقرار بوده، با بهره‌برداری از جو شدیداً امنیتی و به بهانه مقابله با اعتراضات به دستگیری و بازداشت خودسرانه‌ی فعالان حقوق اقلیت‌ها و سایر افراد متعلق به اقلیت‌های تحت تبعیض از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی و کردها اقدام کردند؛ در مواردی بازداشت‌شدگان حتی در تجمعات اعتراضی شرکت نکرده بودند.

همچنین، بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل فراهم آورده، در روزهای که اعتراضات در جریان بود، مأموران اطلاعاتی و امنیتی در اقدامی هماهنگ شده برای سرکوب فعالان ترک آذربایجانی، با چندین نفر از آنان تماس گرفته و تهدیدشان کردند که اگر در اعتراضات شرکت کنند، بازداشت خواهند شد.

مژگان کاوسی

مژگان کاوسی، نویسنده، پژوهشگر و مستندساز،^{۱۳} از اعضای اقلیت کرد ایران، ۲۷ آبان ۱۳۹۸ در نوشهر، در استان مازندران، توسط مأموران واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شد؛ دستگیری او عمدتاً به دلیل



^{۱۲} رادیو زمانه، «بازداشت محمد مساعد به دلیل توهین‌هایش در روزهای قطعی اینترنت»، ۲ آذر ۱۳۹۸؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی، «پرونده‌ی محمد مساعد در دادسرای جرایم اینترنتی بررسی می‌شود»، ۱۴ آذر ۱۳۹۸؛ رادیو فردا، «محمد مساعد، روزنامه‌نگار، با قید وثیقه از زندان آزاد شد»، ۱۶ آذر ۱۳۹۸.

^{۱۳} برای تماشای تبلیغ فیلم مستند مژگان کاوسی، با عنوان «هیوا»، درباره‌ی زبان کردی که در سال ۱۳۹۶ ساخته شده، این‌جا را نگاه کنید:

<https://www.aparat.com/v/vubfR>

مطالبی صورت گرفت که در شبکه‌های اجتماعی درباره اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ منتشر کرده بود.^{۱۴}

مژگان کاووسی به بازداشتگاهی در ساری، در استان مازندران، منتقل شد که زیر نظر واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران قرار دارد، و در آن‌جا به مدت طولانی در سلول انفرادی حبس شد و بدون حضور وکیل، مورد بازجویی قرار گرفت. او متعاقباً، در ۱۹ آذر ۱۳۹۸ به زندان نوشهر انتقال یافت و در ۲۸ آذر به قید وثیقه آزاد شد.

به دنبال محاکمه‌ی ناعادلانه‌ای که اواخر آذر ۱۳۹۸ در روزهای پایانی حبس مژگان کاووسی برگزار شد، این زندانی عقیدتی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب نوشهر در رابطه با اتهامات «تبلیغ علیه نظام»، «تحریک به اخلال در نظم و امنیت کشور» و «عضویت در گروهی با هدف بر هم زدن امنیت ملی» مقصر شناخته شد. اساس دو اتهام اول دو مطلبی بود که وی در صفحه خود در اینستاگرام درباره اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ منتشر کرده بوده و اتهام سوم در ارتباط با عضویت وی چندین سال قبل به مدت کوتاهی در «حزب دموکرات کردستان ایران»، از احزاب کرد مخالف حکومت بود.

مژگان کاووسی به پنج سال و ۹ ماه حبس محکوم شد. در زمان برگزاری محاکمه، این زندانی از امکان دسترسی به وکیل برخوردار نبود. ۲۱ اسفند ۱۳۹۸، دادگاه تجدید نظر حکم او را به ۶ سال و ۴ ماه و ۱۵ روز حبس افزایش داد، که سه سال آن قابل اجرا است.^{۱۵} مژگان کاووسی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ بار دیگر دستگیر شد و برای تحمل دوران حبس خود به زندان اوین تهران انتقال یافت.

مژگان کاووسی یک زندانی عقیدتی است که صرفاً به دلیل بهره‌گیری از حقوق خود در زمینه آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز حبس شده است.

^{۱۴} شبکه‌ی حقوق بشر کردستان، «مژگان کاووسی، نویسنده‌ی کرد، در شمال ایران بازداشت شد»، ۹ آذر ۱۳۹۸.

^{۱۵} شبکه‌ی حقوق بشر کردستان، «محکومیت مژگان کاووسی در دادگاه تجدید نظر افزایش یافت»، ۲۶ اسفند ۱۳۹۸.

فعالان ترک آذربایجانی



از سمت چپ بالا به سمت راست پایین: اکبر مهاجری، محمد محمودی، شاهین برزگر، داوود شیری، ایوب شیری، ناصر خلوصی، سجاد شهیری، بابک حسینی مقدم.

اکبر مهاجری، بابک حسینی مقدم، ناصر خلوصی، محمد محمودی، سجاد شهیری، شاهین برزگر، دو برادر به نام‌های ایوب شیری و داوود شیری و چندین فعال دیگر از اعضای اقلیت ترک آذربایجانی در فاصله ۲۴ تا ۲۸ آبان یا در هفته‌های پس از اعتراضات طی یورش‌های هماهنگ شده از جانب وزارت اطلاعات، در منزل یا محل کار خود در استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی دستگیر شدند، با این که هیچ‌یک از آنان در اعتراضات شرکت نکرده بودند. برخی از آن‌ها به نحو خشونت‌آمیز و همراه با ضرب و شتم دستگیر شدند.

این افراد همگی به مدت بیش از دو ماه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در تبریز در استان آذربایجان شرقی، به سر بردند و در اواسط بهمن ۱۳۹۸ به زندان تبریز منتقل شدند. بعضی از آنان در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در سلول انفرادی حبس شده و بعضی دیگر مدت کوتاهی در سلول انفرادی به سر برده و سپس به اتفاق سایر بازداشت‌شدگان به سلول‌های جمعی منتقل شدند. هیچ‌یک از بازداشت‌شدگان در طول این مدت امکان دسترسی به وکیل نداشتند.

تا ماه‌ها پس از دستگیری این افراد، خانواده‌هایشان از دریافت اطلاعات مربوط به دلایل دستگیری و محل دقیق نگهداری آنان محروم ماندند. مسئولان دادستانی به خانواده‌ها می‌گفتند که دستگیری‌ها به دلیل مسائل امنیتی بوده و بنابراین از

ارائه‌ی اطلاعات در این باره معذور اند. مسئولان همچنین می‌گفتند که می‌توانند این افراد را تا هر مدتی که صلاح بدانند در حبس نگه دارند و تا اطلاع ثانوی آن‌ها اجازه دسترسی به وکیل ندارند.

بعضی از اعضای این خانواده‌ها، در حالی که برای کسب اطلاعات مراجعه کرده بودند مورد آزار و ارباب قرار گرفته و برای مدت کوتاهی بازداشت شدند؛ به یکی از اعضای این خانواده‌ها گفته شده بود که باید از دنبال کردن سرنوشت عزیزان‌شان دست بردارند چون قرار است همگی اعدام شوند.

دستگیرشدگان درباره فعالیت‌های مسالمت‌آمیز خود و ارتباطات‌شان با سایر فعالان ترک آذربایجانی یا گروه‌های خارج کشور مورد بازجویی قرار گرفتند.

بنا به اطلاعاتی که در دسترس عفو بین‌الملل قرار گرفته، بازجویان سعی داشتند که دستگیرشدگان را وادار به «اعترافاتی» کنند که خودشان به آن‌ها دیکته کرده بودند. بعضی از دستگیرشدگان از موافقت با چنین «اعترافاتی» خودداری کردند در حالی که باقی، در شرایطی که زیر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله حبس انفرادی طولانی‌مدت و سلب عامدانه‌ی دسترسی به خدمات پزشکی، قرار گرفته بودند و همچنین با این وعده که پرونده‌های‌شان بلافاصله بسته می‌شود، وادار به این «اعترافات» شدند. این افراد وادار شده بودند به طور جداگانه اظهاراتی را مبنی بر مجرمیت خود به زبان بیاورند که بازجویان روی تخته‌ای در پشت دوربین نوشته بودند، و در همان حال از آن‌ها فیلم‌برداری می‌شد.

این بازداشت‌شدگان همگی، به طور جداگانه و به قید وثیقه، در فاصله اواسط اسفند ۱۳۹۸ تا اواسط فروردین ۱۳۹۹ آزاد شدند.

هیچ‌یک از این فعالان تا چند روز پیش از محاکمه‌اش اجازه دسترسی به وکیل نداشته است.

محمد محمودی در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ در شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز محاکمه شد و متعاقباً با اتهام «تبلیغ علیه نظام» به چهار ماه حبس محکوم شد. مقامات نسخه‌ای از حکم صادرشده را در اختیار محمد محمودی یا وکیل او قرار نداده‌اند.

پرونده شاهین برزگر به دو قسمت تقسیم شد. ۲۰ خرداد ۱۳۹۹، او در شعبه ۱۱۲ دادگاه کیفری دو تبریز به اتهام «اخلال در نظم عمومی»، و در شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز به اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در گروهی با هدف برهم زدن امنیت ملی» محاکمه شد. ۲۱ خرداد ۱۳۹۹، شعبه ۱۱۲ دادگاه کیفری او را از تبرئه کرد. ۲۱ تیر ۱۳۹۹، دادگاه انقلاب او را از بابت اتهام اول به یک سال حبس محکوم کرده و از بابت اتهام دوم تبرئه کرد. محکومیت وی در این پرونده به دلیل مطالبی است که او در صفحه خود در اینستاگرام در حمایت از آزادی زندانیان سیاسی متعلق به اقلیت آذربایجانی ترک و همدلی با خانواده‌های آنان نوشته بود. این حکم در مرحله تجدیدنظر به مجازات نقدی تبدیل شد.

پرونده بابک حسینی مقدم نیز به دو قسمت تقسیم شده است. ۲۴ تیر ۱۳۹۹، او در شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز به اتهامات «عضویت در گروهی با هدف بر هم زدن امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» محاکمه شد. روز بعد، او از بابت اتهام اول به ۶ ماه حبس محکوم شده و از اتهام دوم تبرئه شد. پرونده دیگر او در ارتباط با اتهام «اخلال در نظم عمومی» است و قرار است توسط شعبه ۱۱۲ دادگاه کیفری دو تبریز بررسی شود.

پرونده ایوب شیری هم به دو قسمت تقسیم شده است. ۳ تیر ۱۳۹۹، در پی برگزاری محاکمه‌ای در شعبه ۱۱۲ دادگاه کیفری دو تبریز، او با اتهام «اخلال در نظم عمومی» به یک سال حبس تعلیقی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. دادگاه همچنین حکم داد که، با توجه شیوع ویروس کرونا در ایران و افزایش نسبی قیمت لوازم بهداشتی و کمبود آن، ایوب شیری مکلف است تحت نظارت دادستانی تبریز و با هماهنگی سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی به مبلغ ۱۰ میلیون تومان اقلام و لوازم بهداشتی مانند ماسک، دستکش، مواد شوینده، دستمال الکی تهیه کند. پرونده دوم ایوب شیری شامل اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در گروهی با هدف بر هم زدن امنیت ملی» می‌شود. به دنبال برگزاری محاکمه وی در روز ۲۴ تیر ۱۳۹۹ در شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز، او از اتهام اول تبرئه شده و از بابت اتهام دوم و آنچه دادگاه فعالیت‌های «قوم‌گرایانه» خواند، به دو سال حبس محکوم شد.

سجاد شهیری نیز متهم به «عضویت در گروهی با هدف بر هم زدن امنیت ملی» شده است و در انتظار جلسه محاکمه‌اش است.

در مواردی که افراد به «عضویت در یک گروه با هدف اقدام علیه امنیت ملی» متهم شده‌اند، مقامات نتوانسته‌اند روشن کنند که آن‌ها در کدام گروه مورد ادعای مقامات عضویت داشته‌اند. مقامات این افراد را به اشتراک‌گذاری اطلاعات در یک کانال تلگرامی و رسانه‌های خبری خارج از ایران متهم کرده‌اند، اما دو نهاد مجزا را با هم ادغام کرده و نام آن‌ها را در کنار یکدیگر به عنوان یک گروه نوشته‌اند: گاماچ (اسم مخفف «جبهه آزادی ملی آذربایجان جنوبی» به زبان ترکی)، گروهی مستقر در خارج از ایران که اخبار جهانی و منطقه‌ای را بصورت آنلاین منتشر می‌کند، و گامت (اسم مخفف «طیف فعالین مستقل حرکت ملی آذربایجان» به زبان ترکی)، یک کانال تلگرامی که اخبار مختلف در رابطه با سیاست و موارد نقض حقوق بشر در ایران، از جمله موارد نقض حقوق اقلیت ترک آذربایجان را به اشتراک می‌گذارد.

در کیفرخواست‌ها و احکام دادگاه، مقامات اتهام را عضویت در گاماچ (فعالان مستقل جنبش ملی آذربایجان) عنوان کرده‌اند اما اشاره‌ایی به اعمال انتسابی که این افراد متهم به ارتکاب آن‌ها هستند نکرده و کاملاً این مساله را مبهم باقی گذاشته‌اند. این افراد اتهام عضویت در این گروه‌ها را انکار کرده‌اند.

تا تاریخ ۵ شهریور ۱۳۹۹، محاکمه‌ی سایر این فعالان هنوز برگزار نشده بود و فعالانی که برای‌شان حکم صادر شده بود منتظر منتظر اعلام نتیجه درخواست تجدید نظر بودند و هنوز به زندان فراخوانده نشده بودند.

در صورت زندانی شدن، هر یک از این فعالان زندانی عقیدتی محسوب می‌شوند چرا که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق‌شان بر آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز، از جمله از طریق فعالیت‌های حقوق بشری و حمایت از حقوق اقلیت قومی ترک‌های آذربایجانی مورد مجازات قرار گرفته‌اند.

در جریان اعتراضات و متعاقب آن، مقام‌های مسئول خانواده‌های معترضان تحت تعقیب را هم، که از بیم آزار و ارباب و دستگیری و بازداشت خودسرانه در خفا به سر می‌بردند، هدف حملات خود قرار دادند تا افراد تحت تعقیب را زیر فشار بگذارند و آنان را وادار به تسلیم کردن خودشان کنند.^{۱۶} به همین نحو، مقام‌های مسئول خانواده‌های بازداشت‌گان را مورد آزار و زیر فشار قرار دادند تا بستگان بازداشتی آن‌ها را به ارائه‌ی «اعترافات» اجباری مکتوب یا تلویزیونی وادار کنند.^{۱۷}

بستگان دستگیرشدگانی که در بازداشت بدون ارتباط با دنیای بیرون به سر می‌بردند یا قهرماً ناپدید شده بودند نیز مورد آزار و ارباب قرار گرفتند، از جمله از این طریق که مأموران اطلاعاتی و امنیتی آنان را احضار کرده و برای بازجویی در حبس نگه داشته و تهدید کرده بودند که اگر از تلاش برای کسب اطلاع درباره محل نگهداری یا وضعیت بستگان‌شان دست برندارند، یا درباره وضعیت‌شان اعتراض علنی و افشاگری کنند، خود آنان را دستگیر و زندانی می‌کنند.^{۱۸}

برای مثال، در یک مورد، چهار نفر از بستگان میثم جولانی، از فعالان حقوق اقلیت ترک آذربایجانی، را به دلیل تلاش برای کسب اطلاع در مورد وضعیت او بازداشت و به ارتکاب جرم متهم کردند. متعاقباً، مادر و خواهر او به جرم «اخلال در نظم عمومی» و «توهین به مسئولان» به جریمه‌ی نقدی محکوم شدند.

بر اساس یافته‌های عفو بین‌الملل، در هفته‌های پس از اعتراضات، افرادی نیز به دلیل شرکت در مراسم یادبود جان‌باختگان دستگیر شدند. در یک قرار قضایی که یکی از بازپرس‌های دادستانی بهبهان صادر کرده و عفو بین‌الملل آن را مورد ملاحظه قرار داده، از اقدامات مسالمت‌آمیزی از جمله شرکت در مراسم چهلم معترضان جان‌باخته و شمع روشن کردن به یاد آنان به عنوان مواردی نام برده شده است که مقام‌های دادستانی آن‌ها را مبنای متهم کردن افراد به اقدام علیه امنیت ملی قرار داده‌اند.

تا ماه‌ها پس از اعتراضات، افرادی با عفو بین‌الملل در ارتباط بودند که یا در داخل کشور در خفا به سر می‌بردند یا به کشورهای همسایه گریخته بودند، به این دلیل که مأموران اطلاعاتی و امنیتی مکرراً به منازل‌شان مراجعه می‌کردند تا آنان را به جرم شرکت در اعتراضات دستگیر کنند. عفو بین‌الملل همچنین اطلاع دارد که دست کم در یک مورد، فردی پس از آن که از کشور گریخته، به طور غیابی مجرم شناخته شده و حکم مجازات او صادر شده است.

^{۱۶} برای ملاحظه‌ی مشروح یافته‌های عفو بین‌الملل در این باره به بخش‌های ۴.۳ نگاه کنید.

^{۱۷} برای ملاحظه‌ی مشروح یافته‌های عفو بین‌الملل در این باره به بخش‌های ۳.۴ نگاه کنید.

^{۱۸} برای نمونه، به مطالب مربوط به فعالان ترک آذربایجانی در بالا، و همچنین مطالب مربوط به میثم جولانی در بخش ۶.۳ نگاه کنید.

۲.۳ بازداشت کودکان

بنا به اطلاعاتی که منابع مختلف، از جمله مدافعان حقوق بشر و معلمان داخل ایران، در اختیار عفو بین‌الملل قرار داده‌اند، و همچنین بر اساس گزارش‌های رسانه‌های مستقل و سازمان‌های حقوق بشری خارج کشور، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی صدها کودک را در جریان اعتراضات و متعاقب آن در نقاط مختلف کشور بازداشت کردند که بعضی از آنان تنها ۱۰ سال سن داشته‌اند و بسیاری از آنان را در بازداشت بدون ارتباط با دنیای بیرون نگه داشتند.

مسئولان دولتی و حکومتی در اظهارات خود تأیید کرده‌اند که افراد زیر ۱۸ سال هم در میان دستگیرشدگان بوده‌اند، اما از ارائه ارقام مشخص خودداری کرده و ابعاد این دستگیری‌ها را کوچک جلوه داده‌اند. در تاریخ ۳ دی ۱۳۹۸، کانال تلگرامی «قرارگاه سایبری عمار» که گمان می‌رود با تشکیلات امنیتی ارتباط دارد، گزارش داد که ۱۱۶ کودک «۱۵ تا ۱۸ ساله» توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شده و در کانون‌های اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند.^{۱۹}

۱۰ دی ۱۳۹۸، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، اعلام کرد: «تا دو هفته قبل، [فقط] دو سه نفر [کودک و نوجوان] بازداشت بودند و بقیه آزاد شده بودند. همان موقع هم قرار بود این دو سه نفر [کودک و نوجوان] سریعاً تعیین تکلیف شوند. بعید می‌دانم امروز کسی از این افراد در کانون اصلاح و تربیت در بازداشت باشد.»^{۲۰}

۲۱ دی ۱۳۹۸، علی‌اصغر جهانگیر، رئیس وقت سازمان زندان‌های کشور (تشکیلات رسمی که زیر نظر مستقیم رئیس قوه قضائیه قرار داشته و مسئولیت اداره‌ی امور تمام زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و تشکیلات وابسته به آن‌ها را بر عهده دارد)،^{۲۱} طی اظهاراتی اشاره کرد که به پرونده‌های بعضی از کودکان دستگیرشده هنوز رسیدگی نشده است. این مقام مسئول گفت: «آمار بسیار کمی از نوجوانان به کانون اصلاح و تربیت اعزام شده‌اند که این افراد نیز در حال تعیین تکلیف هستند.»^{۲۲}

برخلاف اظهارات مسئولان، گزارش‌هایی که به دست عفو بین‌الملل رسیده به نگرانی جدی دامن می‌زند که صدها کودک تنها در استان‌های کرمانشاه، خوزستان و کردستان به دلیل مشارکت واقعی یا مفروض‌شان در اعتراضات دستگیر و بازداشت شدند.

بنا به گزارش‌های منابع مطلع در داخل ایران و خارج از کشور، تعداد زیادی از دانش‌آموزان، که بعضاً فقط ۱۰ سال سن داشتند، در مریوان، در استان کردستان، دستگیر شدند. عفو بین‌الملل اطلاع دارد که معلمان چندین مدرسه در مریوان دستگیری دانش‌آموزان مدرسه‌هایشان را تأیید کرده‌اند.

^{۱۹}. کانال تلگرامی قرارگاه سایبری عمار، «وابستگی جریان‌های ضدانقلاب در اغتشاشات»، ۳ دی ۱۳۹۸.

^{۲۰}. خبر آنلاین، «بازداشتی‌های آبان ماه چه شدند؟ / پاسخ سخنگوی قوه قضائیه»، ۱۰ دی ۱۳۹۸.

^{۲۱}. عنوان رسمی این تشکیلات «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» است (www.prisons.ir).

^{۲۲}. خبرگزاری کار ایران، «رئیس سازمان‌ها زندان‌ها در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد / آخرین وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه»، ۲۱ دی ۱۳۹۸.

این منابع همچنین به عفو بین‌الملل گفته‌اند که ده‌ها کودک، که بعضاً فقط ۱۲ سال داشتند، در شهرهای سنندج و سقز، در استان کردستان، دستگیر شده و به کانون اصلاح و تربیت سنندج فرستاده شدند.

به گفته منابع مطلع، در شهر کرمانشاه، در استان کرمانشاه، نیز ده‌ها کودک به همین منوال دستگیر شده و با دسترسی محدود یا بدون دسترسی به خانواده‌هایشان، به بازداشتگاه‌های متعلق به نیروی انتظامی یا واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران منتقل شدند.

مدافعان حقوق بشر و تشکل‌های جامعه مدنی عرب اهوازی در خارج کشور گزارش داده‌اند که صدها کودک ۹ تا ۱۷ ساله در شهر اهواز، در استان خوزستان، دستگیر شدند. به گفته آنان، به دلیل ازدحام جمعیت در کانون‌های اصلاح و تربیت به دنبال دستگیری صدها کودک، بعضی از این کودکان در پاسگاه‌های نیروی انتظامی، مدارس و بازداشتگاه‌های متعلق به سپاه پاسداران یا نیروهای بسیج، و در بسیاری از موارد در کنار بزرگسالان، حبس شدند.

همچنین، منابع مطلع در استان کهگیلویه و بویر احمد به عفو بین‌الملل گفته‌اند که، در هفته‌های پس از اعتراضات، نیروهای امنیتی ده‌ها کودک ۱۱ تا ۱۷ ساله را در شهر کوچک لیکک در این استان دستگیر کردند.^{۲۳} مأموران نیروی انتظامی و نیروهای لباس شخصی تعدادی از کودکان را در منازل‌شان و تعدادی دیگر را در مدرسه دستگیر کردند. یک منبع مطلع به عفو بین‌الملل گفته است که در جریان این دستگیری‌ها، مأموران امنیتی برای دستگیری دانش‌آموزان در مدرسه به ضرب و جرح آنان نیز پرداخته و برای وارد کردن شوک الکتریکی به آنان از تفنگ‌های الکتریکی استفاده کرده بودند. بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل گردآوری کرده، همه‌ی این کودکان ابتدا در پاسگاه نیروی انتظامی لیکک محبوس شده و در آن‌جا، بدون حضور والدین‌شان یا وکیل، مورد بازجویی و در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله ضرب و جرح، قرار گرفتند. بعد از خاتمه‌ی بازجویی‌ها، کودکان دستگیر شده یا به کانون اصلاح و تربیت در شهر یاسوج و یا به زندان شهر دهدشت، هردو در استان کهگیلویه و بویر احمد، منتقل شدند. تعدادی از این کودکان در کنار بزرگسالان حبس شده، و بدین ترتیب بیشتر در معرض خطر و آسیب قرار گرفتند. به گفته منبع مطلعی که عفو بین‌الملل با او مصاحبه کرده، به دنبال آزادی این کودکان پس از چندین هفته به قید وثیقه، آن‌ها علانمی حاکی از آسیب‌های شدید روانی نشان می‌دادند و تغییرات رفتاری نظیر پرخاشجویی و بی‌علاقگی به انجام تکالیف درسی در آن‌ها بروز کرده بود.

عفو بین‌الملل، بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان و همچنین گزارش‌های رسانه‌های مستقل، دریافته است که مقام‌های مسئول، همانند برخوردشان با بازداشت‌شدگان بزرگسال، در مورد بازداشت‌شدگان کودک نیز وثیقه‌های بسیار سنگینی، بعضاً تا ۱۰ میلیارد ریال، برای آزادی آنان تعیین کرده‌اند که موجب به تأخیر افتادن آزادی‌شان شده بود.

^{۲۳} . اطلاعات مشخصی در مورد جمعیت لیکک در دسترس نیست. با این حال، بنا به آخرین سرشماری ایران، که در سال ۱۳۹۵ انجام شده، جمعیت شهرستان بهمئی، که لیکک مرکز آن به شمار می‌رود، ۳۸۱۳۶ نفر بوده است. بنا به این سرشماری، در این شهرستان، ۱۹۸۵۷ در مناطق شهری و ۱۷۸۶۹ در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. برای اطلاعات بیشتر، به وبسایت «مرکز آمار ایران» مراجعه کنید: <https://www.amar.org.ir/>

ابوالفضل کریمی



معرض نوجوان، ابوالفضل کریمی، در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۹۸ و در ارتباط با شرکت در اعتراضات خیابانی، به شکلی خشونت‌آمیز توسط حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در نسیم‌شهر استان تهران دستگیر شد. او در زمان دستگیری ۱۷ سال سن داشت. ابوالفضل کریمی، در نامه‌ای که از ندامتگاه مرکزی تهران بزرگ در تیرماه ۱۳۹۹ نوشته و توسط عفو بین‌الملل رویت شده است، شرح می‌دهد که چگونه مأموران سپاه در زمان دستگیری‌اش او را در ناحیه سر و شکم مورد ضرب و شتم قرار داده و با تفنگ به سرش کوبیده‌اند که این ضربه منجر به شکستگی و خونریزی شده است. مأموران

سپس روی سر او کیسه کشیده، با خشونت او را به داخل ون هل داده و به بازداشتگاه سپاه در نسیم‌شهر برده‌اند.

ابوالفضل کریمی در این نامه نوشته که در بازداشتگاه، بازجویان او را در حالی که چشم‌بند به چشم داشته مورد بازجویی قرار داده‌اند و درباره نقش او در تظاهرات سوال کرده‌اند. وقتی او جواب داده که هیچ کار خلافی انجام نداده است، آن‌ها سراسر بدن او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. او به خاطر می‌آورد که بعد از یک ساعت ضرب و شتم، یکی از بازجویان کتک زدن را متوقف کرده و به او گفته است که در صورتی که با آن‌ها «همکاری» کرده و «اعتراف» کند که در جریان اعتراضات یک تفنگ در اختیار داشته، آن‌ها دست از شکنجه برداشتن خواهند داشت. مأموران سپس دست‌ها و پاهای او را بسته و او را مجبور کردند که تمام شب را روی زمین سرامیکی سرد سپری کند.

روز بعد ابوالفضل کریمی به بخش دو-الف زندان اوین در تهران منتقل شد، جایی که می‌گوید به مدت ۵۰ روز بدون حق دسترسی به وکیل و ارتباط با خانواده‌اش در سلول انفرادی نگه داشته شده است. در حین انتقال، او دوباره مورد ضرب و شتم قرار گرفت. در زندان اوین، ابوالفضل کریمی دوباره مورد بازجویی قرار گرفت. این بازجویی، به گفته او همراه با اشکال مختلفی از شکنجه‌های روانی از جمله تهدید به بازداشت مادرش و تهدید به تجاوز به دوست دخترش همراه بود. در طی این مدت مقامات تنها یک بار به او اجازه دادند تا با خانواده خود تماس تلفنی بگیرد.

ابوالفضل کریمی در نهایت به ندامتگاه مرکزی تهران بزرگ منتقل شد و تا این زمان در آن‌جا به سر می‌برد.

نهایتاً دو پرونده کیفری مجزا علیه ابوالفضل کریمی تشکیل شد. در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹، او توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به دو سال زندان و چهار ساعت کار خدمات اجتماعی روزانه به مدت شش ماه محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به یک سال و نیم زندان کاهش یافت. در ۱۴ تیر ۱۳۹۹، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری نسیم‌شهر او را به اتهام «بر هم زدن نظم عمومی»، «سرقت»، «آتش زدن و آسیب رساندن به اموال عمومی» به ۱۵ سال زندان محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر به نه ماه زندان و جریمه کاهش یافت.

ابوالفضل کریمی اتهامات انتسابی را رد می‌کند. او در نامه‌ای نوشته است:

«دلیل شرکت من در اعتراضات ۲۵ آبان ۹۸ افزایش قیمت بنزین و مواد غذایی بود و با توجه به وضعیت اقتصادی ایران، دچار بحران شده بودم. قبل از بازداشت من در یک کارخانه کفش‌سازی کار می‌کردم و نان‌آور اصلی خانواده‌ام بودم. خرج روزمره من بیشتر از درآمد بود. بیماری مادر و پدرم و سایر مشکلات باعث رنجم شد. در محل سکونت‌مان اکثریت مردم از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند. من با توجه به شرایط سخت خودم و هم‌نوعانم پا به این اعتراضات گذاشتم.»

۳.۳ وضعیت بازداشت‌شدگان

تا تاریخ ۵ شهریور ۱۳۹۹، مقام‌ها و مسئولان ایران هیچ‌گونه اطلاعاتی مشخصاً درباره تعداد افرادی که در ارتباط با اعتراضات بازداشت نگه داشته شده‌اند، اتهاماتی که با آن مواجه‌اند، یا وضعیت پرونده‌های‌شان منتشر نکرده‌اند.

۱۰ دی ۱۳۹۸، سخنگوی قوه قضائیه، غلامحسین اسماعیلی در اظهارات مبهمی درباره سرنوشت بازداشت‌شدگان گفته بود:

«رسیدگی‌های دادرسی اکثرآ انجام شده است و اکثر قریب به اتفاق بازداشت‌شدگان تحت تعقیب قرار گرفته و آزاد شدند. از تعداد زیادی از آن‌ها رفع اتهام شده است. نسبت به کسانی که دلایل موجود زیاد بوده است، دادستان‌ها کیفرخواست صادر کردند. در برخی استان‌ها، دادگاه‌ها برگزار شده و برخی دادگاه‌ها هم برگزار خواهد شد. [در مورد] عناصر اصلی و اغتشاشگرانی که عامل آتش زدن منابع و اموال عمومی و عناصر مرتبط با خارج، با تمام شدن فرآیند رسیدگی اطلاع رسانی می‌کنیم.»^{۲۴}

۲۱ دی ۱۳۹۸، علی‌اصغر جهانگیر، رئیس وقت سازمان زندان‌های کشور، در اظهارات مشابهی گفت: «تمامی بازداشت‌شدگان تعیین تکلیف شده‌اند. افرادی که لازم بود به دادگاه معرفی شده و بخش قابل توجهی از این افراد نیز آزاد شده‌اند.» این مقام مسئول به تعداد کسانی که با قید وثیقه آزاد شده بودند یا تعداد کسانی که بعد از اتمام بازجویی آزاد شده‌اند، اشاره نکرد اما مدعی شد که «افراد معدودی» در بازداشت مانده‌اند تا با اعزام به دادگاه تعیین تکلیف شوند.^{۲۵}

عفو بین‌الملل، بر اساس اطلاعاتی که از آسیب‌دیدگان و خانواده‌های‌شان و همچنین از گروه‌های مستقل حقوق بشری در خارج از ایران کسب کرده، اسامی و مشخصات بیش از ۵۰۰ نفر از معترضان و سایر افراد، از جمله مدافعان حقوق بشر و فعالان اقلیت‌های قومی، را ثبت کرده است که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند. عفو بین‌الملل بر این باور است

^{۲۴}. خبر آنلاین، «بازداشتی‌های آبان ماه چه شدند؟ / پاسخ سخنگوی قوه قضائیه»، ۱۰ دی ۱۳۹۸.

^{۲۵}. خبرگزاری کار ایران، «رئیس سازمان‌ها زندان‌ها در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد / آخرین وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه»، ۲۱ دی ۱۳۹۸.

که با توجه به حجم گسترده دستگیری‌های مرتبط با اعتراضات و روال‌های تعقیب کیفری و صدور حکم در پرونده‌های افرادی که توسط تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی به صورت خودسرانه بازداشت می‌شوند، شمار واقعی افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته‌اند بسیار بیشتر از تعدادی است که این سازمان ثبت کرده است.

مدت زندان صادره برای محکومین از یک ماه تا ۱۰ سال بوده، که بر اساس اتهامات امنیتی واهی یا مبهم، مانند «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «توهین به مقام رهبری» صادر شده است.

تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، دست کم سه نفر از افرادی که مشخصات‌شان ثبت شده، به دنبال محاکمه‌ای به شدت ناعادلانه، با اتهام «محرابه» از طریق تحریک و تخریب اموال عمومی به اعدام محکوم شده‌اند. در تیر ماه ۱۳۹۹، دیوان عالی کشور پذیرفت که به درخواست اعاده دادرسی وکلای این سه جوان رسیدگی کند و اجرای احکام آن‌ها متعاقباً به حالت تعلیق در آمد (برای اطلاعات به فصل ۶ نگاه کنید).

بیش از ۱۵ نفر که مورد شناخت عفو بین‌الملل هستند، علاوه بر مجازات زندان، به مجازات شلاق نیز محکوم شده‌اند. در مورد حداقل دو نفر از این افراد، مجازات شلاق به اجرا گذاشته شده است (برای اطلاعات بیشتر درباره ماهیت ناعادلانه محاکمه‌ها، به فصل ۶ نگاه کنید).

دادگاه‌ها مجازات‌های غریبی را برای برخی از افرادی که در رابطه با اعتراضات محکوم شده‌اند، تعیین کرده‌اند. در اغلب موارد، این مجازات‌ها علاوه بر مجازات زندان و شلاق صادر شده است. این مجازات‌ها شامل موارد زیر بوده است:

- شست‌وشوی اجساد در سردخانه برای چندین ماه؛
- مطالعه و رونویسی متن کامل کتاب‌های مذهبی و سپس پاسخ به سوالات برای ارزیابی میزان آشنایی با مطالب؛
- تحقیق درباره موضوع حجاب اسلامی و نوشتن ۹۰ صفحه مقاله دست‌نویس در این رابطه؛
- خدمات عمومی اجباری و بدون حقوق مانند دو سال نظافت در بیمارستان (۵ روز در هفته و روزانه ۴ ساعت)؛
- خدمت اجباری در نیروی شبه نظامی بسیج؛
- «تبعید داخلی» به یک قسمت دورافتاده در کشور که به طور معمول صدها کیلومتر با محل زندگی شخص محکوم فاصله دارد و دسترسی به آن برای خانواده و وکیل او دشوار است.

برخی از این مجازات‌ها ممکن است اصل ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی را نقض کند. مشخصاً دو مورد از این مجازات‌ها – شستن اجساد برای چند ماه در گورستان و دو سال نظافت در بیمارستان – این نگرانی را به وجود می‌آورد که مقامات سلامت و ایمنی این افراد را در وضعیت همه‌گیری بیماری کرونا نادیده می‌گیرند، به ویژه اگر اقدامات لازم برای پیشگیری، همچون تهیه تجهیزات حفاظت شخصی و ارائه آموزش مناسب را انجام ندهند.

برخی از کسانی که حکم مجازات‌شان صادر شده از زمان دستگیری در آبان ماه ۱۳۹۸ در زندان به سر می‌برند. از میان دستگیرشدگانی که با قید وثیقه و تا زمان برگزاری محاکمه آزاد شدند، برخی به دنبال صدور و تایید احکام مجازات‌شان، برای تحمل حبس به زندان فراخوانده شدند؛ تعدادی دیگر حکم‌شان صادر شده و یا در انتظار اعلام رای دادگاه تجدید نظر مانده‌اند و یا حکم مجازات‌شان تایید شده و انتظار می‌رود که هر لحظه برای تحمل حبس به زندان احضار شوند.

۳.۴ اتهامات واهی، مبهم یا بی‌اساس

اتهاماتی که به طور معمول و مکرر متوجه بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ شده است برگرفته از قانون مجازات اسلامی و شامل «اخلال در نظم عمومی» (ماده ۶۱۸)، «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» (ماده ۶۱۰)، و «عضویت در گروهی با هدف برهم زدن امنیت ملی» (ماده ۴۹۹) است. تعاریفی که از این جرایم ارائه شده با اصل «شفافیت قانون» مغایرت دارد؛ این تعاریف به شدت پردامنه و مبهم بوده و به مقام‌ها و مسئولان اجازه می‌دهد تا با بهره‌برداری خودسرانه از آن‌ها به محدود کردن امکان برخورداری مسالمت‌آمیز از حق آزادی بیان و آزادی تشکل و تجمع اقدام کنند.

«تبلیغ علیه نظام» (ماده ۵۰۰)، «توهین به مقام رهبری» (ماده ۵۱۴)، «توهین به مسئولان» (ماده ۶۰۹)، و «اشاعه اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی» (ماده ۶۹۸) از دیگر جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی است که از آن‌ها برای تعقیب کیفری معترضان استفاده شده است. این مقررات عملاً آزادی بیان افکار و عقاید را جرم‌انگاری می‌کند و چنین اقدامی با تعهدات ایران در چارچوب قوانین بین‌المللی حقوق بشر مغایرت دارد.

در احکام دادگاه‌ها و اسناد دادستانی که عفو بین‌الملل مورد ملاحظه قرار داده، از فعالیت‌های مسالمت‌آمیز به عنوان «شواهد و مدارک» اقدامات مجرمانه علیه امنیت ملی یاد شده است، فعالیت‌هایی نظیر:

- شرکت کردن در آنچه مقام‌ها و مسئولان «اعتراضات غیرقانونی» یا «اغتشاش» خوانده‌اند؛
- شعار دادن یا خواندن سرودهای سیاسی در جریان اعتراضات؛
- فیلم گرفتن و/یا فرستادن ویدئوهای اعتراضات برای خانواده و دوستان و رسانه‌ها یا به اشتراک گذاشتن آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی؛
- شرکت کردن در مراسم یادبود جان‌باختگان اعتراضات و روشن کردن شمع به یاد این آسیب‌دیدگان؛
- ابراز همدلی با جان‌باختگان اعتراضات و «شهید» خواندن آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی؛
- نوشتن یا به اشتراک گذاشتن مطالبی در شبکه‌های اجتماعی که مردم را به شرکت در مراسم یادبود جان‌باختگان اعتراضات دعوت می‌کردند؛ و
- انتشار مطالبی در فضای اینترنتی در حمایت از خواسته‌ها و اقدامات معترضان.

بسیاری از کسانی که در رابطه با اعتراضات دستگیر شدند به ارتکاب جرایمی مانند تحریق و تخریب اموال عمومی نیز متهم شده‌اند. با این حال، در تمام پرونده‌هایی که مورد بررسی دقیق عفو بین‌الملل قرار گرفته‌اند، این سازمان دریافته است که مقام‌های مسئول

شواهد معتبری ارائه نکرده‌اند که مشخصاً نشان‌دهنده مشارکت مستقیم متهمان در اقدامات خشونت‌آمیز باشد، اقداماتی که جامعه‌ی بین‌المللی نیز آن‌ها را تخلفات مجرمانه قلمداد می‌کند. در میان ده‌ها معترضی که عفو بین‌الملل با آن‌ها مصاحبه کرده یا پیغام‌های نوشتاری از آن‌ها دریافت کرده، چهار نفر اذعان کرده‌اند که به سمت نیروهای امنیتی سنگ پرتاب کرده‌اند. سه معترض مرد گفته‌اند که به تلافی اقدام غیرقانونی نیروهای امنیتی در شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای و تیرهای جنگی به سمت معترضان که رفتار مسالمت‌آمیز داشتند، به سنگ‌پرانی اقدام کرده‌اند؛ یک معترض زن گفته است که به سمت عده‌ای از نیروهای امنیتی که در حال دستگیری یک نوجوان بوده‌اند سنگ پرتاب کرده است.

عفو بین‌الملل همچنین اطلاع دارد که در مواردی مقام‌ها و مسئولان در صدد متهم کردن معترضان به ارتکاب جرایم به شدت مبهم و پردامنه‌ای بوده‌اند که مجازات اعدام در پی دارد و یا این که عملاً این اتهامات را وارد کرده‌اند. این موارد شامل این افراد می‌شود: دستکم ۵۰ نفر از بهبهان، در استان خوزستان، که پیشتر در زندان به سر می‌بردند و در تحقیقات اولیه‌ی کیفری به «بغی» (قیام مسلحانه) متهم شده بودند؛ جوانی به نام سیامک مقیمی، که در ندامتگاه مرکزی تهران (معروف به زندان فشافویه) به اتهام «محرابه» محاکمه شده بود، اما متعاقباً از این اتهام تبرئه شد و با اتهامات «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «اخلال در نظم عمومی» به پنج سال و سه ماه زندان محکوم شد؛ جوان دیگری در ندامتگاه مرکزی تهران به نام حسین ریحانی که به «محرابه» متهم شده است و در انتظار برگزاری محاکمه و معرض خطر حکم اعدام است؛ و سه جوان به نام‌های امیرحسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی که در اسفند ۱۳۹۸ با اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شدند (به بخش ۶.۲ نگاه کنید).

۶ تیر ۱۳۹۹، یک مسئول قضایی در استان اصفهان اعلام کرد که هشت نفر در رابطه با سه اعتراض سراسری که از سال ۱۳۸۸ در کشور رخ داده، از جمله اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸، به اتهام «افساد فی الارض» (ماده‌ی ۲۸۶) به اعدام محکوم شده‌اند. این مقام مسئول اطلاعات بیشتری در مورد هویت محکوم‌شدگان یا تاریخ و شرایط بازداشت، احراز مجرمیت، و صدور حکم آنان ارائه نداده^{۲۶} و مشخص نکرد که آیا این تعداد حکم اعدام به کل کشور مربوط می‌شود یا فقط استان اصفهان را در بر می‌گیرد. با این وجود، فحوی بیانیه، به علاوه اطلاعاتی که متعاقباً از طرف مدافعان حقوق بشر به دست آمده، قویاً حاکی از آن است که این پرونده‌ها از اصفهان و عمدتاً مربوط به اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ است.^{۲۷}

^{۲۶} مشرق نیوز، «حکم مفسد فی الارض برای ۸ پرونده‌ی اتفاقات ۹۶ و آبان ۹۸»، ۶ تیر ۱۳۹۹.

^{۲۷} از زمان اظهارات رسمی این مقام در تیر ماه ۱۳۹۹، اسامی و جزئیات پرونده شش مرد در اصفهان که در رابطه با تظاهرات دی ماه ۱۳۹۶ به اعدام محکوم شدند، توسط مدافعان حقوق بشر رسانه‌ای شده است. اسامی آن‌ها عبارت است از: عباس محمدی، هادی کیانی، مجید نظری، مهدی صالحی، محمد بسطامی و مصطفی صالحی. حکم اعدام مصطفی صالحی در روز ۱۳ مرداد ۱۳۹۹ به اجرا گذاشته شد.

رضوانه احمدخان بیگی

رضوانه احمدخان بیگی در شب ۲۶ آبان ۱۳۹۸ توسط ۱۱ مأمور واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در منزل مسکونی‌اش در تهران دستگیر شد؛ او در دو روز گذشته در تجمعات اعتراضی در شهر تهران شرکت کرده و مورد ضرب و جرح نیروهای امنیتی قرار گرفته بود.

رضوانه احمدخان بیگی به یک بازداشتگاه غیررسمی که زیر نظر واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در تهران قرار دارد انتقال یافت و تا ۲۱ آذر ۱۳۹۸ در سلول انفرادی حبس شد.



بنا به اطلاعاتی که در دسترس عفو بین‌الملل قرار گرفته، این زندانی در آن‌جا به مدت چند هفته، بدون دسترسی به وکیل، مورد بازجویی قرار گرفت؛ بازجویان تهدید کرده بودند که اگر او از «همکاری» امتناع کند، به داشتن ارتباط با گروه‌های سیاسی خارج کشور «اعتراف» نکند و به سؤالات نابه‌جای آن‌ها درباره زندگی شخصی خود و خانواده‌اش پاسخ ندهد، همسر او را هم بازداشت می‌کنند.

در طول این مدت، او وادار به نوشتن و امضا کردن «اعترافات» شد که بازجویان به او دیکته کرده بودند. فقط دو بار به او اجازه داده شد تا تماس تلفنی دو دقیقه‌ای با خانواده‌اش داشته باشد و زنده بودن خود را به آن‌ها خبر بدهد. ۲۱ آذر ۱۳۹۸ او را به بند زنان زندان اوین منتقل کردند و ۸ دی ۱۳۹۸ برای اولین بار او اجازه ملاقات با خانواده‌اش را دادند.

محاکمه‌ی رضوانه احمدخان بیگی، که شامل یک جلسه‌ی ۴۰ دقیقه‌ای بوده و ۱۲ بهمن ۱۳۹۸ در شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد، به شدت ناعادلانه بود. تا پیش از روز محاکمه، امکان دسترسی به وکیل از این زندانی سلب شده بود. وکیل او برای اولین بار در جریان جلسه محاکمه اجازه پیدا کرد تا به محتوای پرونده او دسترسی پیدا کند. به این ترتیب، رضوانه احمدخان بیگی از حق در اختیار داشتن زمان کافی برای آماده کردن دفاعیات خود نیز محروم شده بود. حکم دادگاه او روز بعد از برگزاری محاکمه صادر شد. در این حکم، رضوانه احمدخان بیگی با اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال حبس، و با اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شده است. مبنی اتهامات او مشارکت مسالمت‌آمیزش در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ و همچنین مطالبی بوده است که وی در صفحه خود در اینستاگرام در حمایت از زندانیان سیاسی، از جمله همسرش که قبلاً به زندان افتاده بود، منتشر کرده است. در جریان صدور حکم، دادگاه «اعترافات» اجباری رضوانه احمدخان بیگی را مورد استناد قرار داد در حالی که او «اعترافات» خود را پس گرفته و در دادگاه گفته بود که فقط برای نجات یافتن از شکنجه، از جمله حبس طولانی‌مدت در سلول انفرادی و تهدیدات علیه خانواده‌اش، به نوشتن آن «اعترافات» تن داده بود.

رضوانه احمدخان بیگی پیش از این، در رابطه با پرونده جداگانه‌ای که به دنبال دستگیری‌اش در آذر ۱۳۹۷ باز شده بود، به دلیل کنشگری مسالمت‌آمیزش، به چهار سال و ۶ ماه حبس محکوم شده بود.

رضوانه احمدخان بیگی به بیماری صرع مبتلا بوده و در زندان به تشنج و حمله‌های عصبی دچار شده است. با این حال، مسئولان در زمان‌هایی به او اجازه نداده‌اند تا به داروهایش دسترسی داشته باشد و سلامتی او را در معرض خطر قرار داده‌اند.

رضوانه احمدخان بیگی یک زندانی عقیدتی است که صرفاً به دلیل بهره‌گیری از حقوق خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز زندانی شده است.

علی عبدلی



علی عبدلی، فعال جامعه‌ی مدنی، ۲۷ آبان ۱۳۹۸ دستگیر شد؛ او در دو روز پیش از آن به صورت مسالمت‌آمیز در تجمعات اعتراضی در شیراز، در استان فارس، شرکت کرده بود.

بنا به اطلاعاتی که در دسترس عفو بین‌الملل قرار گرفته، حدود پنج مأمور وزارت اطلاعات علی عبدلی را به شیوه خشونت‌باری در محل کارش دستگیر کرده و او را با باتوم مورد ضرب و جرح قرار دادند و سپس به او دست‌بند و چشم‌بند زده و به داخل خودرویی هل دادند و به بازداشتگاه

وزارت اطلاعات در شیراز، معروف به «پلاک ۱۰۰»، منتقل کردند.

علی عبدلی به مدت ۶ هفته در این بازداشتگاه، بدون دسترسی به وکیل، در حبس انفرادی به سر برد. در این مدت، فقط دو بار به او اجازه داده شد تا تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش داشته باشد که بار اول آن حدود سه هفته بعد از دستگیری‌اش بود.

عفو بین‌الملل از طریق منابع موثق مطلع شده است که علی عبدلی در دوره بازداشت‌اش مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته است، از جمله در جریان بازجویی توسط مأموران وزارت اطلاعات که او را در مورد اتهام ارتباط با رسانه‌های فارسی‌زبان مستقل در خارج کشور استنطاق می‌کردند. او در اوایل دوران بازداشت‌اش، روزانه چندین بار مورد ضرب و جرح قرار گرفت، بدون این که مورد بازجویی قرار گیرد؛ در نتیجه‌ی این شکنجه‌ها، دو انگشت پای راست او دچار شکستگی شد؛ در همین حال، بازجویان او را مجبور می‌کردند تا با پای شکسته راه برود و همین‌طور با ترکه به کف پاهای او می‌زدند، به

طوری که استخوان‌های کف پای راست‌اش هم ترک برداشتند. همچنین، مقام‌های مسئول این زندانی را از خدمات پزشکی برای مداوای جراحتهایی که در زیر شکنجه متحمل شده بود، محروم کردند.

بر اساس اطلاعات عفو بین‌الملل، بازجویان علی عبدلی را به مدت پنج شبانه‌روز بیدار نگه داشتند، به این ترتیب که در طول روز از او بازجویی می‌کردند و شب‌ها با کوبیدن به در فلزی سلول و ایجاد سروصدای زیاد مانع از آن می‌شدند که بتواند بخوابد. همچنین، شوک الکتریکی به او وارد می‌کردند و قرص‌های نامعلومی را به زور به خورد او می‌دادند.

بعد از آن که علی عبدلی به مدت سه هفته از دادن «اعترافات» اجباری امتناع کرده بود، بازجویان همسر و فرزندش را برای ساعاتی دستگیر و تهدید کردند که اگر «اعتراف» نکند، همسرش را همچنان در بازداشت نگه می‌دارند. در نتیجه این شکنجه روانی، علی عبدلی وادار به دادن «اعترافات» اجباری شد. این اعترافات در یکی از استودیوهای صداوسیما جمهوری اسلامی ضبط شدند و در اوایل دی ماه ۱۳۹۸ در قالب یک ویدئوی تبلیغاتی و پیش از برگزاری محاکمه‌ی علی عبدلی پخش شدند. بازجویان همچنین علی عبدلی را وادار به نوشتن و امضای «اعترافات» کردند که خودشان به او دیکته کرده بودند. به دنبال این «اعترافات»، علی عبدلی به زندان عادل‌آباد شیراز انتقال یافت.

اوایل بهمن ۱۳۹۸، شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز او را با اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس و یک سال تبعید به منطقه دورافتاده‌ای در استان فارس محکوم کرد؛ این اتهام به دلیل اطلاع‌رسانی او در مورد اعتراضات و برقراری ارتباط با رسانه‌های فارسی‌زبان مستقل در خارج کشور وارد شده بود، رسانه‌هایی که مقام‌ها و مسئولان ایرانی آن‌ها را «دشمنان» نظام می‌دانند.

علی عبدلی در کل دوره بازداشت و تا پیش از محاکمه از دسترسی به وکیل محروم ماند. او از انتخاب وکیل خود برای حضور در دادگاه نیز محروم شد و به همین دلیل، ناچار شد که در جریان محاکمه، شخصاً از خود دفاع کند.

علی عبدلی اوایل اسفند ۱۳۹۸ از زندان آزاد شد، اما همچنان در معرض این خطر قرار دارد که به زندان برگردانده شود. در صورت زندانی شدن، او زندانی عقیدتی محسوب می‌شود چرا که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق‌اش بر آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز مورد مجازات قرار گرفته است.



سپیده قلیان، مدافع حقوق بشر، به دنبال شرکت مسالمت‌آمیزش در اعتراضات دزفول، در استان خوزستان، که در جریان آن پلاکاردی در اعتراض به افزایش بهای بنزین و عدم اقدام مسئولان برای افزایش دستمزد کارگران به دست گرفته بود، ۲۶ آبان ۱۳۹۸ به شکل خشونت‌باری در منزل خانواده‌اش در استان خوزستان دستگیر شده، و در ۲۷ آذر ۱۳۹۸ به قید وثیقه آزاد شد.

۱۰ دی ۱۳۹۸، سپیده قلیان در صفحه خود در توئیتر اعلام

کرد که ۱۶ دی ۱۳۹۸ در دادگاه کیفری دزفول به اتهام «اخلال در نظم عمومی» محاکمه خواهد شد. با این حال، یک روز پیش از تاریخ اعلام‌شده، باخبر شد که برگزاری این جلسه محاکمه لغو شده است، به این دلیل که دادگاه مورد نظر از صلاحیت قضایی در این زمینه برخوردار نبوده، و پرونده او را به مقام‌های دادستانی ارجاع داده‌اند.

۱۵ دی ۱۳۹۸، سپیده قلیان در نوشته بعدی خود در توئیتر ابراز نگرانی کرد که مقام‌های دادستانی ممکن است به دنبال افزایش اتهامات او باشند و او را به ارتکاب جرایم سنگین‌تری در زمینه اقدام علیه امنیت ملی متهم کنند.

در تاریخ ۲ تیر ۱۳۹۹، سپیده قلیان برای تحمل پنج سال حبسی که در سال ۱۳۹۸ به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری مسالمت‌آمیزش در دفاع از کارگران به آن محکوم شده بود، به زندان اوین در تهران احضار شد.

در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۹۹، سپیده قلیان در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو دزفول به اتهام «اخلال در نظم عمومی» محاکمه شد. مقام‌های مسئول او را برای شرکت در جلسه‌ی دادگاه از تهران به دزفول منتقل نکردند، اما وکیل او در آن جلسه حضور داشت. ۲۷ مرداد ۱۳۹۹، وکیل او مطلع شده است که وی از این اتهام تبرئه شده است.

سپیده قلیان یک زندانی عقیدتی است که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز زندانی شده است.^{۲۸}

^{۲۸} عفو بین‌الملل پیشتر دلایل و شواهد خود برای زندانی عقیدتی شمردن سپیده قلیان را منتشر کرده است. نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «ایران: اطلاعات تکمیلی: بدرفتاری با کنشگران زندانی باید متوقف شود: سپیده قلیان و اسماعیل بخشی»، ۳ آبان ۱۳۹۸ (Index: [MDE ۱۳/۱۲۹۵/۲۰۱۹](#)).

۴. ناپدیدسازی‌های قهری

«مأموران لباس شخصی پسر را در جریان اعتراضات دستگیر کرده‌اند. مسئولان هیچ اطلاعاتی درباره سرنوشت و محله نگهداری‌اش به ما نداده‌اند و تهدید کرده‌اند که نباید با هیچ‌کس در این باره حرف بزنیم... بیشتر از یک ماه است که هیچ اطلاعی نداریم پسرمان کجاست.»

نقل قول از پدر معترض جوانی از مشهد، در استان خراسان رضوی، که از ۲۵ آبان ۱۳۹۸ تا اواخر دی ماه ۱۳۹۸ قهرماً ناپدید شده بود.

بر اساس مدارک و مستندات عفو بین‌الملل، تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ در نقاط مختلف کشور به دنبال دستگیری‌شان تا هفته‌ها یا ماه‌ها قربانی «ناپدیدسازی قهری» شدند. مقام‌ها و مسئولان ارتباط بازداشت‌شدگان را با دنیای بیرون به طور کامل قطع کرده و آن‌ها را از تماس با خانواده‌ها و وکلایشان محروم کردند. در همین حال مقام‌ها و مسئولان از اطلاع‌رسانی به بستگان بازداشت‌شدگان در مورد سرنوشت و محل نگهداری‌شان امتناع می‌کردند.

در روزها و هفته‌های پس از اعتراضات، بستگان آشفته و نگران بازداشت‌شدگان با سازمان عفو بین‌الملل تماس گرفته و می‌گفتند که برای کسب اطلاع در مورد عزیزان‌شان به بیمارستان‌ها، سردخانه‌ها، پاسگاه‌های نیروی انتظامی، دادسراها، دادگاه‌های انقلاب، زندان‌ها و سایر بازداشتگاه‌های شناخته‌شده سر زده‌اند، اما مقام‌های مسئول از ارائه اطلاعات به آنان خودداری کرده‌اند. بسیاری از آنان مورد آزار و ارباب قرار گرفته و تهدید شدند که در صورت اصرار بر کسب اطلاع درباره سرنوشت و محل نگهداری عزیزان‌شان یا اعتراض علنی به ناپدیدسازی قهری آنان، خودشان را هم دستگیر می‌کنند.

ناپدیدسازی قهری

ناپدیدسازی قهری به معنی «دستگیری، بازداشت، آدم‌ربایی یا هر شکل دیگری از سلب آزادی فرد به دست مأموران حکومتی است... در صورتی که متعاقباً از اذعان به این سلب آزادی خودداری شده یا سرنوشت یا محل نگهداری فرد ناپدیدشده مخفی نگه داشته شود و بدین ترتیب فرد خارج از حمایت قانون قرار گیرد.»^{۲۹} ناپدیدسازی قهری یک جرم بین‌المللی است. درد و رنجی که مقامات با

^{۲۹} «کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری»، ماده‌ی دوم.

پنهان کردن سرنوشت و محل نگهداری قربانی ناپدیدسازی قهری به اعضای خانواده وی تحمیل می‌کنند، به نوبه خود، نوعی شکنجه یا رفتار بی‌رحمانه و غیرانسانی با اعضای خانواده‌ی قربانی به شمار می‌رود (برای اطلاعات بیشتر، به بخش ۸.۳ نگاه کنید).

۴.۱ بازداشتگاه‌های مخفی و «امنیتی»

به تعداد بسیاری از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ که قربانی ناپدیدسازی قهری شدند، بلافاصله پس از دستگیری‌شان چشم‌بند زده و آنان را به مکان‌های مخفی یا به بازداشتگاه‌های رسمی موسوم به «بازداشتگاه‌های امنیتی» انتقال دادند. تمامی این مکان‌ها زیر نظر تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی، در اکثر موارد وزارت اطلاعات یا واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، قرار دارند. بازداشت‌شدگان در این مکان‌ها مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله حبس طولانی‌مدت در سلول انفرادی، قرار می‌گرفتند. سایر بازداشت‌شدگان را به پاسگاه‌های نیروی انتظامی یا زندان‌های پرجمعیت انتقال می‌دادند و در آن‌جا بسیاری را در سلول‌های انفرادی و بدون دسترسی به دنیای بیرون زندانی می‌کردند.

در بعضی شهرها، پادگان‌های نظامی، اماکن ورزشی و مدارس نیز به عنوان بازداشتگاه‌های مخفی مورد استفاده قرار گرفتند.



نمایی از یک ویدئو که «واحد تأیید محتوای دیجیتالی» عفو بین‌الملل سندیت و موقعیت جغرافیایی آن را مورد تأیید قرار داده است؛ در این تصویر دیده می‌شود که یک فرد بازداشت‌شده به داخل خودرویی پارک‌شده در داخل مدرسه دخترانه قدس در خیابان قدس در تهران منتقل می‌شود. این ویدئو در تاریخ

در «بازداشتگاه‌های امنیتی» معمولاً افرادی حبس می‌شود که در رابطه با جرایم مرتبط با امنیت ملی مورد بازجویی قرار می‌گیرند. در چارچوب قوانین ایران، این اماکن باید به طور معمول در زندان‌های مرکزی هر استان ایجاد شوند. اما چنانچه به علت کمبود فضای فیزیکی در زندان مرکزی و یا در صورت عدم وجود «شرایط مناسب»، امکان ایجاد بازداشتگاه در زندان مرکزی فراهم نباشد، تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی از جمله وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران می‌توانند، با تأیید سازمان زندان‌ها، مکان دیگری را به این کار اختصاص دهند.^{۳۰} این بازداشتگاه‌ها به لحاظ قانونی باید زیر نظر سازمان زندان‌ها قرار داشته باشند؛^{۳۱} مقام‌های دادستانی نیز مکلفند حداقل هر ۱۵ روز یکبار از بازداشتگاه‌های مذکور بازدید به عمل آورده و گزارش آن را به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند.^{۳۲}

مطابق قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و محاکم و دادسراها باید بر بازداشتگاه‌ها و نحوه رفتار مأموران با متهمان، نظارت جدی کنند.^{۳۳} رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد این قانون تعیین کند و اطمینان حاصل نماید که با متخلفان برخورد جدی می‌شود.^{۳۴}

با این وجود، مسئولان سازمان زندان‌ها و مقامات دادستانی و قضایی همواره از اجرای وظایف قانونی‌شان سرباز زده‌اند و بدین ترتیب، اجازه داده‌اند تا تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی به صورت گسترده دست به ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها زنند و از مصونیت مطلق برخوردار باشند.

مکان‌های مخفی که به صورت غیررسمی برای حبس کردن بازداشت‌شدگان مورد استفاده قرار می‌گیرند، کاملاً فراقانونی هستند. این اماکن معمولاً خانه‌ها یا آپارتمان‌هایی هستند که تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی، در اکثر موارد وزارت اطلاعات یا واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، برای حبس کردن دستگیرشدگان در اختیار خود گرفته‌اند. بازداشتگاه‌های مخفی در فهرست اماکن «سازمان زندان‌ها» ثبت نشده‌اند و در نتیجه، بازداشت‌شدگان و بستگان‌شان هرگز متوجه نمی‌شوند که در کجا حبس بوده‌اند. مسئولان اطلاعاتی و امنیتی اصطلاحاً به این بازداشتگاه‌ها «خانه‌های امن» می‌گویند. این در حالی است که طبق قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و سایر قوانین، بازجویان و مأموران تحقیق می‌بایست از بردن بازداشت‌شدگان به اماکن خودداری ورزند.^{۳۵}

^{۳۰} «ممنوع بودن تشکیل بازداشتگاه‌های اختصاصی، اختصاص یک بازداشتگاه برای جرایم امنیتی در هر استان»، ۱۲ دی ۱۳۷۸؛ «آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی»، ۳۰ آبان ۱۳۸۵، تبصره ماده ۳.

^{۳۱} «آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی»، ۳۰ آبان ۱۳۸۵، مواد ۲، ۴-۶.

^{۳۲} «آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی»، ۳۰ آبان ۱۳۸۵، ماده ۲. همین طور نگاه کنید به: «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، بند ۱۳ ماده ۱.

^{۳۳} «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، ماده ۹.

^{۳۴} «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، بند ۱۵ ماده ۱.

^{۳۵} «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، بند ۷ ماده ۱.

استمرار بهره‌گیری از «بازداشتگاه‌های امنیتی» و بازداشتگاه‌های مخفی غیررسمی دست تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی برای شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را بازتر می‌گذارد.

حبس کردن افراد متهم به اقدام علیه امنیت ملی در چنین اماکنی به اتکای چارچوب قانونی معیوبی امکان‌پذیر شده است که نظارت لازم بر تمام زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها را تأمین نکرده و تضمینی در خصوص حساب‌رسی از مسئولانی که به وظایف‌شان عمل نکرده‌اند، نمی‌دهد.

۴.۲ بی‌خبر نگه داشتن خانواده‌ها

حبس کردن بازداشت‌شدگان اعتراضات در مکان‌های نامعلوم با پنهان‌کاری سازمان‌یافته در خصوص سرنوشت و محل نگهداری آن‌ها و بی‌خبر نگه داشتن بستگان‌شان همراه بود. این موارد نقض فاحش حقوق بشر حاصل قوانین معیوب و نادقیقی هستند که به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و مقامات دادستانی و مسئولان زندان‌ها اجازه می‌دهد که زندانیان را از حق تماس با جهان بیرون به مدت نامعلوم محروم کنند.

در چارچوب قوانین ایران، به ویژه ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بازداشت‌شدگان حق دارند که افراد خانواده یا آشنایان خود را درباره دستگیری‌شان آگاه کنند و ضابطان قضایی مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند. با این وجود، این ماده به ضابطان قضایی اجازه می‌دهد که «بنا بر ضرورت» بازداشت‌شدگان را از این حق محروم نمایند. ماده مذکور تصریح می‌کند که در این موارد، ضابطان قضایی باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند، اما مشخص نمی‌کند که مقام قضایی مسئول در این خصوص چه کسی است. علاوه بر این، مفاد ماده روشن نمی‌کند که در چه شرایط استثنایی مشخصی ضابطان مجاز هستند مانع تماس بازداشت‌شدگان با خانواده‌شان شوند و دوره محرومیت برای چه مدت می‌تواند ادامه یابد.^{۳۶}

مطابق ماده‌ی ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری، بستگان درج اول بازداشت‌شدگان می‌توانند با مراجعه به مقام‌های دادستانی محلی یا اداره دادگستری هر استان درباره افراد بازداشت‌شده کسب اطلاع کنند، اما پاسخگویی مقامات به بستگان مشروط به آن شده که این اقدام «با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد». ماده مذکور توضیحی در این خصوص که چه چیزی می‌تواند نافی حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر باشد، ارائه نمی‌دهد.^{۳۷}

ماده ۱۸۰ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور می‌گوید که محکومان و متهمان، تحت نظارت کامل و طبق مقررات این آیین‌نامه، مجاز به داشتن ارتباط با بستگان و آشنایان خود می‌باشند و این ارتباط بوسیله ملاقات و مکاتبه‌ها انجام می‌پذیرد. با این وجود، مطابق تبصره همین ماده، چنانچه ملاقات یا مکاتبه متهم «خلاف حسن جریان محاکمه» تشخیص داده شود،

^{۳۶} «قانون آیین دادرسی کیفری»، تیر ۱۳۹۴، ماده‌ی ۵۰.

^{۳۷} «قانون آیین دادرسی کیفری»، تیر ۱۳۹۴، ماده‌ی ۴۹.

مقامات دادستانی مجاز هستند مکاتبه یا ملاقات با وی را ممنوع اعلام کنند. به نظر نمی‌رسد که تهمیدی در قانون برای تسلیم اعتراض قضایی به این تصمیم در نظر گرفته شده باشد. به علاوه، قانون مذکور مشخص نمی‌کند که تحت چه شرایطی، ملاقات یا مکاتبه متهم می‌تواند «خلاف حُسن جریان محاکمه» در نظر گرفته شود و این ممنوعیت تا چه مدت می‌تواند قانوناً ادامه یابد.^{۳۸}

در خصوص بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه، مسئولان به دروغ به خانواده‌های نگران و مضطرب برخی از آن‌ها می‌گفتند که بستگان ناپدیدشده‌ی آن‌ها بازداشت نشده‌اند و هیچ اطلاعی در مورد سرنوشت‌شان ندارند.

در سایر موارد، مقام‌های مسئول اذعان می‌کردند که افراد ناپدیدشده را در بازداشت نگه داشته‌اند، اما محل نگهداری آنان را اعلام نکرده یا می‌گفتند که خانواده‌ها تا پایان دوره‌ی تحقیقات اجازه ملاقات با آنان را ندارند. همچنین، در بسیاری از موارد، مقام‌های مسئول، ضمن توهین به خانواده‌ها، تهدید می‌کردند که در صورت مراجعه مجدد یا اطلاع‌رسانی به رسانه‌ها و گروه‌های حقوق بشری درباره وضعیت عزیزان‌شان، خود آن‌ها را هم دستگیر می‌کنند.

ناپدیدسازی قهری و قطع ارتباط بازداشت‌شدگان با دنیای بیرون خانواده‌های بسیاری را در وضعیت نگرانی و سردرگمی شدید قرار داد. بسیاری از آنان از این بیم داشتند که ممکن است عزیزان‌شان جان باخته باشند، به ویژه با توجه به گزارش‌های فزاینده‌ای که در هفته‌ها و ماه‌های اول پس از اعتراضات درباره جان باختن افراد بر اثر استفاده‌ی نیروهای امنیتی از سلاح‌های مرگبار و امتناع مقام‌ها و مسئولان از تحویل دادن اجساد جان‌باختگان به خانواده‌های‌شان منتشر می‌شد؛ همچنین گزارش‌های منتشرشده در مورد جان باختن افراد در داخل زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها این وضعیت را تشدید می‌کرد.^{۳۹}

پدر معترض جوانی از مشهد، در استان خراسان رضوی، که در فاصله ۲۵ آبان ۱۳۹۸ تا اواخر دی ماه ۱۳۹۸ قهرماً ناپدید شده بود، در آذر ۱۳۹۸ به عفو بین‌الملل گفت:

«پسرم از محل اعتراضات به من زنگ زد و ویدئویی فرستاد که جمعیت را نشان می‌داد. به او گفتم مراقب باشد که دستگیر نشود. آن شب به خانه نیامد، و وقتی به تلفن همراهش زنگ زدم خاموش بود. از طریق یکی از دوستان‌اش متوجه شدم که مأموران لباس‌شخصی او را در جریان اعتراضات دستگیر کرده‌اند. مسئولان هیچ اطلاعاتی درباره سرنوشت و محل نگهداری‌اش به ما ندادند و تهدید کرده‌اند که نباید با هیچ‌کس در این باره حرف بزنیم از طریق یک منبع غیررسمی باخبر شدیم که او را به زندان وکیل‌آباد [در مشهد] نبرده‌اند. بیشتر از یک ماه است که اطلاع نداریم او را کجا حبس کرده‌اند ... می‌ترسیم که او در یکی از این "خانه‌های امن" باشد.»

^{۳۸} «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، مصوب ۲۰ آذر ۱۳۸۴ رییس قوه قضاییه با اصلاحات ۱۳۸۹.

^{۳۹} عفو بین‌الملل، «یران: مشخصات ۳۰۴ نفر از کسانی در جریان سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸ جان باخته‌اند»، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹. (Index: [MDE_13/2308/2020](https://www.mde.gov.ir/Document/13/2308/2020))

۴.۳ موارد ادامه‌دار ناپدیدسازی قهری

تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، عفو بین‌الملل از اسامی سه نفر مطلع شده است که همچنان در وضعیت ناپدیدشدگی قهری به سر می‌برند و مقام‌ها و مسئولان به مخفی نگه داشتن سرنوشت و مکان نگهداری آنها ادامه می‌دهند. این سه قربانی شامل **مهدی رودباریان**، برادر وی، **مصطفی رودباریان** و فرد سومی می‌شوند که عفو بین‌الملل به دلیل نگرانی‌های امنیتی هویت‌اش را محفوظ نگه داشته است.

مصطفی رودباریان و مهدی رودباریان



مهدی رودباریان (راست) و مصطفی رودباریان (چپ)

دو برادر به نام‌های مهدی رودباریان، ۲۱ ساله، و مصطفی رودباریان، ۳۴ ساله، در ۲۶ آبان ۱۳۹۸ در حالی که در تجمعات اعتراضی در ماهشهر، در استان خوزستان، شرکت کرده بودند مورد اصابت گلوله‌های نیروهای امنیتی قرار گرفتند و از آن تاریخ در وضعیت ناپدیدشدگی قهری به سر می‌برند.

به گفته‌ی شاهدان عینی حاضر در این اعتراضات، نیروهای امنیتی، از جمله مأموران لباس شخصی وابسته به سپاه پاسداران، با گلوله‌های جنگی به سمت معترضان تیراندازی کردند. مصطفی رودباریان در حالی که به کمک یک معترض مجروح رفته بود از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت، و مهدی رودباریان که به کمک برادرش رفته بود از ناحیه‌ی سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت. نیروهای امنیتی این دو برادر را داخل یک وانت باربری متعلق به سپاه پاسداران انداخته و با خود بردند. شاهدان عینی بر این باور اند که احتمال دارد این دو نفر بر اثر جراحات مهلکی ناشی از اصابت گلوله‌ها در جریان اعتراضات جان باخته باشند، اما اجساد آن‌ها به خانواده‌شان تحویل داده نشده است.

خانواده‌ی این دو برادر برای کسب اطلاع به نهادهای رسمی مختلف، از جمله نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند اما مقام‌های مسئول مکرراً از اطلاع‌رسانی درباره سرنوشت و مکان آنان امتناع کرده‌اند.

به علاوه، مقام‌ها و مسئولان اعضای خانواده‌ی این دو برادر را تهدید کرده بودند که اگر به تلاش برای کسب اطلاع ادامه دهند یا با رسانه‌ها در این باره حرف بزنند، خودشان را هم دستگیر می‌کنند.

سومین فردی که بر اساس اطلاعات عفو بین‌الملل همچنان در وضعیت ناپدیدشدگی قهری به سر می‌برد مردی است که در اعتراضات در اراک، استان مرکزی، شرکت داشته و اولین بار در آذر ۱۳۹۸ با عفو بین‌الملل تماس گرفت. این فرد در آن زمان، و در پی مراجعات مکرر نیروهای امنیتی به منزل خانوادگی‌اش برای دستگیر کردن او، مخفی شده بود. او که در وضعیت آشفته‌ای به سر می‌برد، به عفو بین‌الملل اطلاع داد که نیروهای امنیتی پدرش را دستگیر کرده‌اند تا او را وادار کنند که خودش را تسلیم کند. پدر او بعد از چند روز، ظاهراً به دلیل مشکلات شدید جسمی، آزاد شد.

در بهمن ۱۳۹۸، مقام‌های مسئول مادر این فرد را دستگیر کرده و سایر اعضای خانواده‌اش را تهدید کردند که در صورت ارتباط برقرار کردن با رسانه‌ها یا سازمان‌های حقوق بشری، آن‌ها را هم دستگیر می‌کنند. به دنبال بازداشت مادر و آزاررسانی به خانواده‌اش، این فرد در همان ماه خودش را تسلیم کرد. مادر او متعاقباً آزاد شد، اما از آن پس از سرنوشت و مکان نگهداری او اطلاعات دقیقی در دست نیست.

با گذشت سه ماه از حبس او، خانواده‌اش در اواسط فروردین ۱۳۹۹ از طریق مقام‌های مسئول باخبر شدند که فرزندشان در بازداشت واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران به سر می‌برد. بر اساس اطلاعات عفو بین‌الملل، او بعدتر دو تماس کوتاه با خانواده‌اش داشته است و در طی این تماس‌ها فقط «سلام» گفته است و اشک ریخته است. مقامات همچنان از دادن هرگونه اطلاعات مشخص در مورد محل نگهداری وی به خانواده‌اش امتناع می‌کنند. خانواده‌ی او از آن بیم دارند که در صورت فاش کردن اسم‌اش، مورد اذیت و آزار بیشتر قرار گیرند. عفو بین‌الملل نگران آن است که این فرد بازداشت‌شده در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته است.

با توجه به ترس موجه بستگان آسیب‌دیدگان از این که در صورت تماس گرفتن با رسانه‌ها یا سازمان‌های حقوق بشری در معرض آزار و اقدامات تلافی‌جویانه قرار می‌گیرند، عفو بین‌الملل احتمال می‌دهد که تعداد افرادی که همچنان در وضعیت ناپدیدگی قهری به سر می‌برند بیشتر از تعدادی است که گزارش شده است و برخی از قربانیان ممکن است در بازداشت‌گاه‌ها جان باخته باشند.

نگرانی این سازمان از آن رو است که بنا به اطلاعاتی که از منابع مطلع در داخل کشور فراهم آورده و همچنین با توجه به گزارش‌های سازمان‌های خبری و حقوق بشری،^{۴۰} تعدادی از افرادی که در رابطه با اعتراضات دستگیر شده بودند، در محل بازداشت خود و در

^{۴۰} بی‌بی‌سی فارسی، «اعتراضات ایران؛ گزارش‌ها درباره‌ی پیدا شدن "اجساد در برخی سدها و دریاچه‌ها"»، ۲۵ آذر ۱۳۹۸؛ شبکه‌ی حقوق بشر کردستان، «گزارشی از شکنجه و قتل شهروندان در بازداشتگاه‌های مریان؛ کودکان مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند»، ۸ دی ۱۳۹۸؛ کمیسیون حقوق بشر در ایران، «بستگان ارشاد رحمانیان: زیر شکنجه کشتند و می‌گویند خودکشی کرده»، ۲۷ آذر ۱۳۹۸.

شرایطی مشکوک، احتمالاً بر اثر شکنجه‌های نیروهای امنیتی، جان باخته‌اند. مقام‌ها و مسئولان این ادعاها را تکذیب کرده‌اند.^{۴۱} عفو بین‌الملل پیشتر درباره جان‌باختگان بازداشت‌شدگان در زندان‌های ایران، احتمالاً بر اثر شکنجه، مستندات منتشر کرده است.^{۴۲}

^{۴۱} همشهری آنلاین، «ماجرای اخبار پیدا شدن چند جسد در رودخانه‌ها پس از حوادث آبان ماه / رمزگشایی غواص مطرح کرمانشاهی»، ۵ دی ۱۳۹۸.
^{۴۲} عفو بین‌الملل، «[ایران: درباره جان باختن معترضان در بازداشت‌گاه‌ها تحقیق شود](#)» (اطلاعیه‌ی مطبوعاتی، ۹ دی ۱۳۹۶)؛ عفو بین‌الملل، «[ایران: آزار و اذیت خانواده جانباختگان در زندان را متوقف کنید؛ آنها خواهان حقیقت و عدالت هستند](#)»، ۲۲ اسفند ۱۳۹۶.

۵. شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی

«همه جور شکنجه‌ای که فکرش را بکنید ما را کردند. می‌گفتند که مردن شما مثل این است که سگ بمیرد. خیلی برای ما مهم نیست که تو بخواهی بمیری یا زنده بمانی. دیگر آرزوی مردن می‌کردم. یعنی آن‌جا، آدم به این نقطه می‌رسد که مردن بهتر است تا اینکه بخواهد دست این‌ها باشد. متأسفانه اصلاً جان آدم‌ها اهمیتی برای ما ندارد.»

نقل قولی از یک قربانی شکنجه از استان خراسان رضوی که به عفو بین‌الملل گفته است در جریان شرکت در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، به طور خودسرانه بازداشت شده و مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته است.

اظهارات آسیب‌دیدگان، خانواده‌های آسیب‌دیدگان، شاهدان عینی و وکلا، ویدئوهای تأییدشده توسط «واحد تأیید محتوای دیجیتالی» در سازمان عفو بین‌الملل، و گزارش‌های مدافعان حقوق بشر در داخل ایران و رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری خارج کشور آشکارا نشان می‌دهد که نیروهای انتظامی، مأموران اطلاعاتی و امنیتی و شماری از مسئولان زندان‌ها بازداشت‌شدگان را هم در جریان دستگیری و هم متعاقباً در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها در نقاط مختلف کشور مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار داده‌اند.

بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل گردآوری کرده، انواع شکنجه علیه بازداشت‌شدگان با هدف مجازات، ارباب و تحقیر آن‌ها اعمال شده است. به علاوه، بازجویان از شکنجه به عنوان ابزاری برای واداشتن بازداشت‌شدگان به «اعتراف» و بیان اظهاراتی مبنی بر مجرم شناختن خودشان استفاده کرده‌اند؛ این اظهارات و «اعترافات» نه فقط به موضوع مشارکت در اعتراضات بلکه همچنین به ادعاهای بازجویان مبنی بر ارتباط معترضان با گروه‌های سیاسی مخالف حکومت، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و رسانه‌های خارج کشور و همچنین با دولت‌های بیگانه مربوط می‌شده است.

آسیب‌دیدگان به عفو بین‌الملل گفته‌اند که گاهی شکنجه در جریان دستگیری یا بلافاصله بعد از آن شروع می‌شد؛ معمولاً به بازداشت‌شدگان چشم‌پند می‌زدند و آن‌ها را داخل خودرو می‌انداختند و در صورت مقاومت و سؤال کردن در مورد این که آن‌ها را کجا می‌برند، به ضرب‌وشتم آن‌ها می‌پرداختند.

بر اساس یافته‌های عفو بین‌الملل، رایج‌ترین شیوه‌های شکنجه فیزیکی از این قرار بوده است: ضرب و جرح، شلاق زدن و آویزان کردن بازداشت‌شدگان در حالی که به آن‌ها چشم‌بند زده یا کیسه‌ای روی سرشان کشیده بودند؛ واداشتن بازداشت‌شدگان به این که برای مدت طولانی در وضعیت‌های به شدت دردآور بایستند یا بنشینند؛ حبس ۲۴ ساعته در سلول انفرادی به مدت طولانی و گاهی تا ماه‌ها؛ و محروم کردن از غذای کافی، آب آشامیدنی و داروهای مورد نیاز.

همچنین، اطلاعاتی از منابع دست‌اول در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته مبنی بر این که بازجویان وابسته به تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی و مأموران زندان‌ها بازداشت‌شدگان را به این شیوه‌ها مورد شکنجه قرار داده‌اند: برهنه کردن و آب پاشیدن به روی آن‌ها در هوای سرد؛ نگه داشتن بازداشت‌شدگان به طور مستمر و به مدت طولانی در معرض گرما یا سرمای شدید، نور تند و صداهای گوش‌خراش؛ کشیدن ناخن‌های دست و پا؛ خشونت و تحقیر جنسی؛ اسپری فلکل زدن به نقاط مختلف بدن، از جمله چشم‌ها و ناحیه تناسلی؛ القای حس خفگی با آب؛ شوک الکتریکی وارد کردن به شقیقه‌ها و بیضه‌ها؛ تزریق یا خوراندن مواد شیمیایی؛ اعدام‌های مصنوعی - این شیوه‌ها مطابق با روال‌های شکنجه‌ای هستند که به‌کارگیری آن‌ها پیشتر در ایران ثبت شده بود.^{۴۳}

به علاوه، در تمام مواردی که عفو بین‌الملل مستندات آن‌ها را ثبت کرده، آسیب‌دیدگان گفته‌اند که مورد انواع شکنجه‌های روانی قرار گرفته‌اند تا وادار به ارائه «اعترافات» اجباری شوند. این شکنجه‌های روانی معمولاً شامل استفاده مستمر از این موارد می‌شد: الفاظ تحقیرآمیز و توهین‌آمیز و حرف‌های رکیک؛ تهدید به مرگ و تهدید به اعمال شکنجه هرچه بیشتر؛ تهدید به دستگیری، شکنجه، قتل، یا سایر بدرفتاری‌ها با اعضای خانواده‌ی بازداشت‌شدگان، از جمله همسران و والدین سالمندشان؛ تهدید به تجاوز به بازداشت‌شدگان یا به بستگان مؤنث آن‌ها. در چندین مورد، بازجویان همچنین تهدید کرده بودند که مانع از ادامه تحصیل فرزندان بازداشت‌شدگان می‌شوند، یا به دروغ به بازداشت‌شدگان گفته بودند که عزیزان‌شان را پیشتر دستگیر کرده‌اند و در همان نزدیکی در حال بازجویی از آن‌ها یا شکنجه کردن آن‌ها هستند.

عفو بین‌الملل، در ارزیابی اعتبار اظهارات و شهادت‌هایی که در اختیارش قرار گرفته، از جمله دیگر ملاحظات، توانایی فرد برای بازگویی وقایع مورد نظر به شیوه‌ی مشروح، منسجم و بدون تناقض را مد نظر داشته، در عین حال که اثرات و ضایعات روانی ناشی از آن وقایع را نیز نادیده نگرفته است. به علاوه، سازمان عفو بین‌الملل این ادعاها در مورد وقوع شکنجه را با سایر موارد وقوع شکنجه که خود این سازمان و سایر سازمان‌ها ثبت کرده بودند مورد تطبیق و مطابقت قرار داده است.

^{۴۳} عفو بین‌الملل، «ایران: از اعتراض تا زندان: ایران، یک سال پس از انتخابات»، ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ (Index: [MDE 13/062/2010](#)). «شکنجه در ایران از زمان انتخابات سال ۱۳۸۸»، مارس ۲۰۱۳؛ کمپین حقوق بشر در ایران، «خاموش کردن خیابان‌ها، مرگ در زندان: سرکوبگری دی ماه ۱۳۹۶ در ایران»، ۳۰ بهمن ۱۳۹۶.

تا آن جا که عفو بین الملل اطلاع دارد، هیچ تحقیق و تفحصی در خصوص ادعاهای بازداشت‌شدگان در مورد وقوع شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها، حتی هنگامی که در دادگاه‌ها مطرح شده بودند، انجام نشده و هیچ مأمور اطلاعاتی یا امنیتی وادار به پاسخ‌گویی در این زمینه نشده است.

شکنجه و سایر بدرفتاری‌های صورت گرفته، زخم‌های جسمی، روانی و عاطفی عمیقی بر تن و روان جان‌به‌دردبرندگان به جا گذاشته است و قصور مقامات در اجرای عدالت در حق این آسیب‌دیدگان و جبران خسارت، رنج و درد آنان را تشدید کرده است. عفو بین‌الملل اطلاع دارد که برخی از شکنجه‌شدگان بعد از آزاد شدن چنان از مصیبت‌های دوره بازداشت‌شان آسیب روحی و روانی دیده بودند که در انزوای خود فرو رفته و تا هفته‌ها از خانه بیرون نیامده بودند.

ممنوعیت شکنجه در قوانین ایران

قوانین ایران اعمالی را که معادل شکنجه شمرده شوند غیرقانونی می‌داند و استفاده از بعضی از انواع بدرفتاری‌ها را در طول بازجویی ممنوع می‌کند، اما جرم مشخصی را تحت عنوان شکنجه تعریف نکرده است. به علاوه، قوانین ایران ممنوعیت شکنجه را به مواردی محدود می‌کند که هدف از آن «اخذ اعترافات یا کسب اطلاعات» باشد و به دردها و رنج‌های روانی و جسمی‌ای نمی‌پردازد که ممکن است به عنوان مجازات یا با هدف آزار، ارباب و یا به هر دلیل ناشی از تبعیض علیه یک نفر، و یا برای زیر فشار گذاشتن اعمال شود.

اصل ۳۸ قانون اساسی ایران به ممنوعیت مطلق شکنجه اشاره نمی‌کند و تنها استفاده از شکنجه به منظور اخذ اقرار و یا کسب اطلاعات را غیرقانونی اعلام کرده و هیچ تعریفی از شکنجه نیز ارائه نمی‌کند.

بندهای ۱(۶) و ۱(۷) قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به نمونه رفتارهایی اشاره می‌کند که مأموران اجرای قانون باید از آن‌ها خودداری کنند. برای مثال، این قانون مأموران را از آسیب رساندن به اشخاص از طریق چشم‌بند زدن یا بستن دست‌وپای آن‌ها منع می‌کند.^{۴۴} این قانون ایجاب می‌کند که بازجویی‌ها مطابق «اصول علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم» انجام شود.^{۴۵}

ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز «اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام» را ممنوع می‌کند.^{۴۶}

ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی می‌گوید که هرگاه مأموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کنند او را مورد «اذیت و آزار بدنی» قرار دهند، علاوه بر قصاص و دیه، به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم می‌شوند.^{۴۷}

^{۴۴} قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، مواد ۱(۶) و ۱(۷).

^{۴۵} قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲، مواد ۱(۹) و ۱(۱۰).

^{۴۶} «قانون آیین دادرسی کیفری»، تیر ۱۳۹۴، ماده ۶۰.

^{۴۷} کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵.

قانون مجازات اسلامی مجازات‌هایی نظیر شلاق زدن، قطع اعضای بدن، کور کردن و سنگسار را مجاز می‌شمارد که ناقض ممنوعیت قانونی شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها به شمار می‌روند.

۵.۱ حبس انفرادی طولانی مدت

در ادامه روالی که از دیرباز در کشور برقرار بوده،^{۴۸} مقام‌ها و مسئولان ایرانی بسیاری از کسانی را که در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده بودند به مدت طولانی در حبس انفرادی، در بازداشتگاه‌های زیر نظر وزارت اطلاعات یا واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، نگه داشتند.^{۴۹}

بسیاری از بازداشت‌شدگان تا هفته‌ها و ماه‌ها به طور شبانه‌روزی در سلول‌های انفرادی کوچک حبس شدند. بازداشت‌شدگان فقط برای بازجویی یا رفتن به دست‌شویی، در صورت نبودن توالت در داخل سلول، اجازه خروج داشتند. در طول این دوره، آسیب‌دیدگان اغلب مورد بازجویی‌های طولانی و همراه با انواع شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار می‌گرفتند تا وادار به «اعتراف» شوند.

به علاوه، بازداشت‌شدگان در طول این دوره‌ی حبس انفرادی طولانی، اغلب از دسترسی به آب و غذای کافی و بهداشت و جای خواب مناسب محروم بودند. عفو بین‌الملل اطلاع دارد که، در گذشته، این‌گونه بدرفتاری‌ها در بازداشتگاه‌های ایران موجب آن شده است که آسیب‌دیدگان حبس انفرادی طولانی به مشکلات جسمانی مزمن، از جمله کمردرد، ناراحتی مثانه و مشکلات گوارشی، دچار شوند.^{۵۰}

۵.۲ ضرب و جرح

بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل از منابع موثق به دست آورده، بعضی از رایج‌ترین شیوه‌هایی که مأموران اطلاعاتی و امنیتی و بعضی از کارکنان زندان‌ها برای شکنجه‌ی بازداشت‌شدگان به کار می‌بردند شامل این موارد است: مشت و لگد، ضرب و جرح با چماق، شلنگ پلاستیکی، باتوم و کابل و شلاق زدن، از جمله به پشت و کف پاها. در بعضی موارد، شکنجه‌گران به علاوه نقاطی از بدن بازداشت‌شدگان

^{۴۸} عفو بین‌الملل در دهه‌های گذشته در مورد صدها مورد حبس انفرادی طولانی مدت تحقیق کرده، و در گزارش‌های سالانه‌ی خود درباره‌ی ایران نیز پیوسته به این روال بدرفتاری اشاره کرده است. برای نمونه، نگاه کنید به: «حقوق بشر در خاورمیانه و شمال آفریقا: کارنامه‌ی سال ۲۰۱۹»، ۱۸ فوریه‌ی ۲۰۲۰ (Index: [MDE.۰۱/۱۳۵۷/۲۰۲۰](#))

^{۴۹} اصل ۴۴ در «مقررات حداقلی سازمان ملل در مورد رفتار با زندانیان (قوانین نلسون ماندلا)» حبس انفرادی طولانی مدت را به عنوان «حبس انفرادی به مدتی افزون از ۱۵ روز متوالی» تعریف کرده است.

^{۵۰} نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «به گروگان گرفتن سلامت در ایران: محروم‌سازی بی‌رحمانه‌ی زندانیان ایران از خدمات درمانی»، ۲۸ تیر ۱۳۹۵ (Index: [MDE.۱۳/۴۱۹۶/۲۰۱۶](#))

را مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند که در نتیجه‌ی اصابت گلوله یا سایر برخوردهای قهرآمیز زخمی شده بود یا تهدید به اعمال این شکنجه می‌کردند.

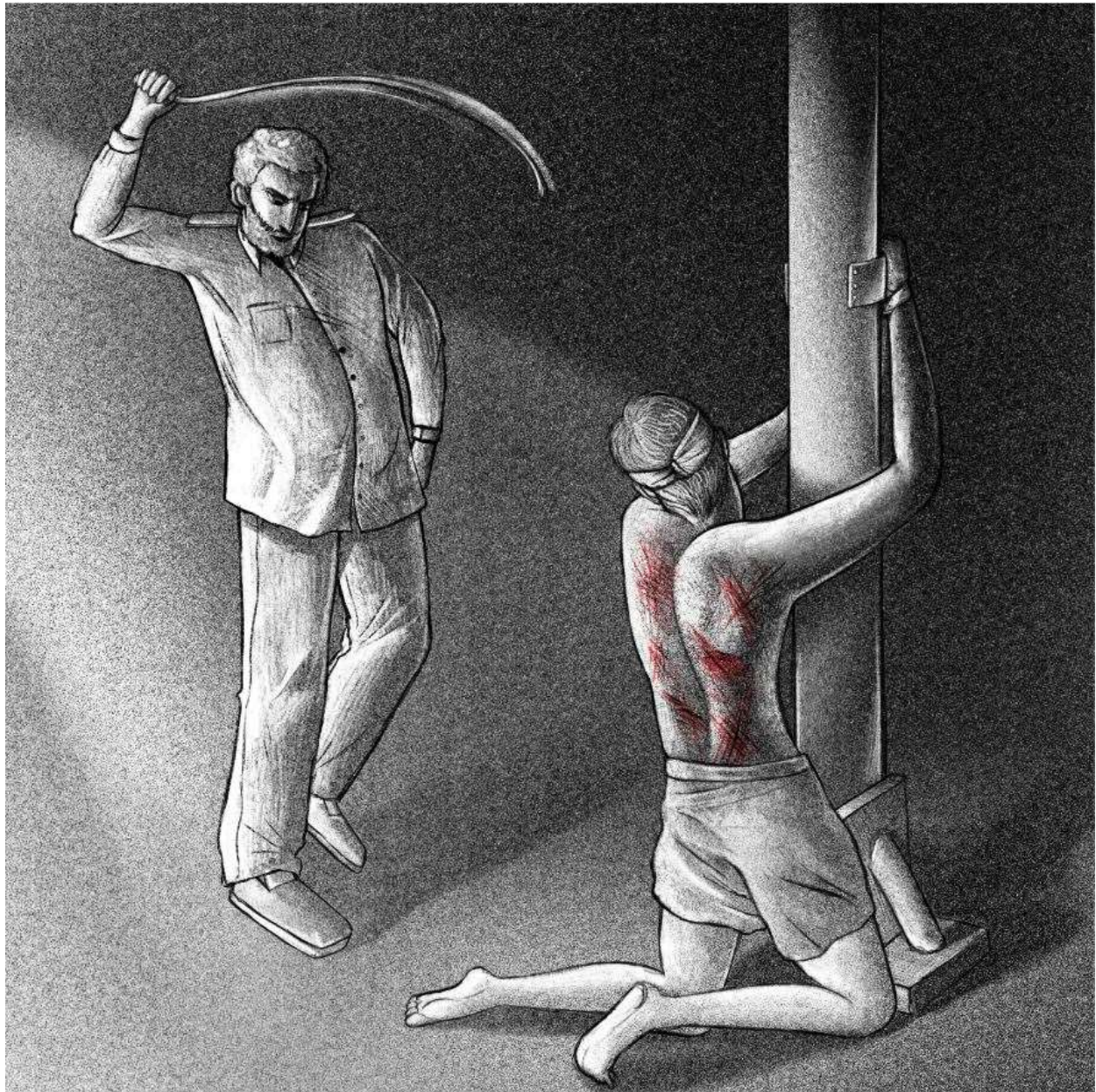
ویدئویی که ۳ آذر ۱۳۹۸ به طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، و «واحد تأیید محتوای دیجیتالی» عفو بین‌الملل سندیت و موقعیت جغرافیایی آن را مورد تأیید قرار داده، بازداشت‌شدگان دست‌بند زده‌ای را نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی آن‌ها را به محوطه‌ی پاسگاه نیروهای انتظامی در معالی‌آباد شیراز، در استان فارس، می‌برند و همزمان به ضرب و جرح و مشت و لگد زدن به آن‌ها اقدام می‌کنند.

منابع موثق به عفو بین‌الملل اطلاع داده‌اند که، از تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۸ به بعد، صدها نفر از بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، با کامیون به زندان رجایی‌شهر کرج، در استان البرز، برده می‌شدند. این منابع به عفو بین‌الملل گفته‌اند که نگهبانان زندان و مأموران امنیتی به این بازداشت‌شدگان چشم‌بند و دست‌بند می‌زدند، لباس‌هایشان را از تن‌شان در می‌آوردند و به طور روزانه به آن‌ها مشت و لگد می‌زدند، و با شلاق و باتوم به ضرب و جرح آن‌ها می‌پرداختند.

همچنین، گزارش‌های موثق مشابهی که به دست عفو بین‌الملل رسیده و گزارش‌های فعالان و سازمان‌های حقوق بشری، از ضرب و جرح مکرر بازداشت‌شدگان در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های استان‌های اصفهان، کرمانشاه، خوزستان، کردستان، خراسان رضوی، مازندران و تهران حکایت دارد.

عفو بین‌الملل از طریق منابع مطلع دریافته است که بسیاری از بازداشت‌شدگان که به قید وثیقه آزاد شده بودند، با دندان‌ها و دست‌وپای شکسته یا با علائم بریدگی و کبودی روی بدن‌شان زندان را ترک کرده‌اند. وکیلی از استان کردستان به عفو بین‌الملل گفته است که یک دانش‌آموز که در مریوان دستگیر شده بود چند روز بعد با سر و صورت خونی به قید وثیقه آزاد شده، و یک پسر ۱۶ ساله نیز پنج روز بعد از دستگیری‌اش با دست و پای شکسته به قید وثیقه آزاد شده است. در مورد دو قربانی دیگر، یکی بزرگسال و دیگری خردسال، که شرح احوال‌شان را گروه‌های مستقل حقوق بشری منتشر کرده‌اند، گفته می‌شود که مأموران وابسته به واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، علاوه بر ضرب و شتم آنان، ناخن‌های‌شان را هم کشیده‌اند.^{۵۱}

^{۵۱} ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، «[رنج‌نامه‌ی ابوالفضل کریمی؛ نوجوان شکنجه‌شده‌ی اعتراضات آبان ماه دست به اعتصاب غذا زد](#)»، ۲۶ اسفند ۱۳۹۸؛ ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، «[زندانی شکنجه‌شده‌ی اعتراضات آبان؛ حمید خسروپور به یک سال حبس و "ارائه‌ی خدمات تحت نظر بسیج" محکوم شد](#)»، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸.

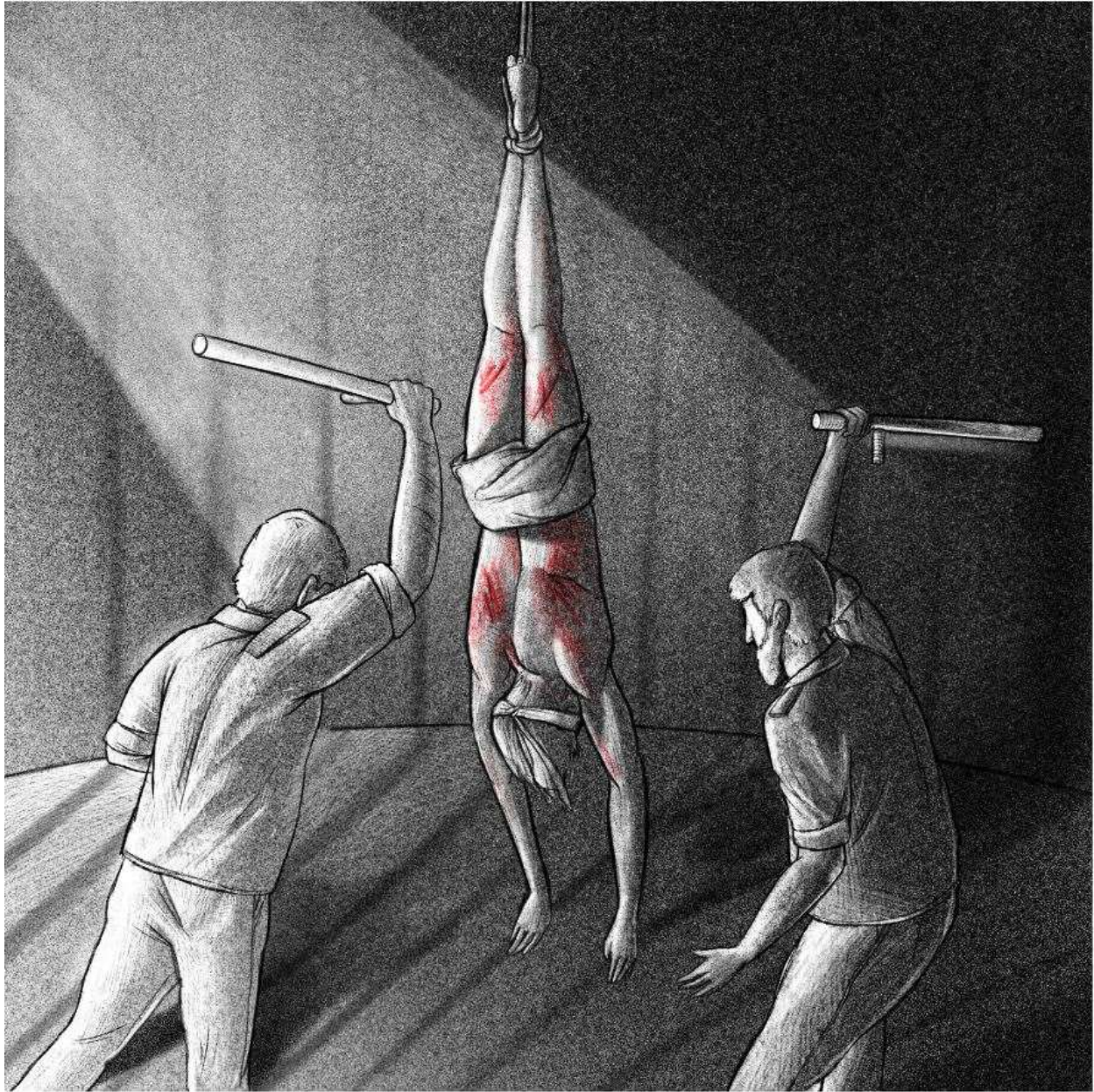


بازسازی تصویری از صحنه شلاق خوردن در بازداشتگاهی در استان البرز، چنان که یک آسیب‌دیده برای عفو بین‌الملل توصیف کرده است. طراحی از عفو بین‌الملل

۵.۳ آویزان کردن و نگه داشتن در وضعیت‌های دردناک

یک شیوه‌ی دیگر برای شکنجه کردن بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ که به کارگیری آن به وفور گزارش شده بستن دست‌وپا یا دست‌بند و پابند زدن به بازداشت‌شدگان و آویزان کردن آنان، از دست یا پا، به سقف یا به میله‌های روی دیوار، و وادار کردن شان

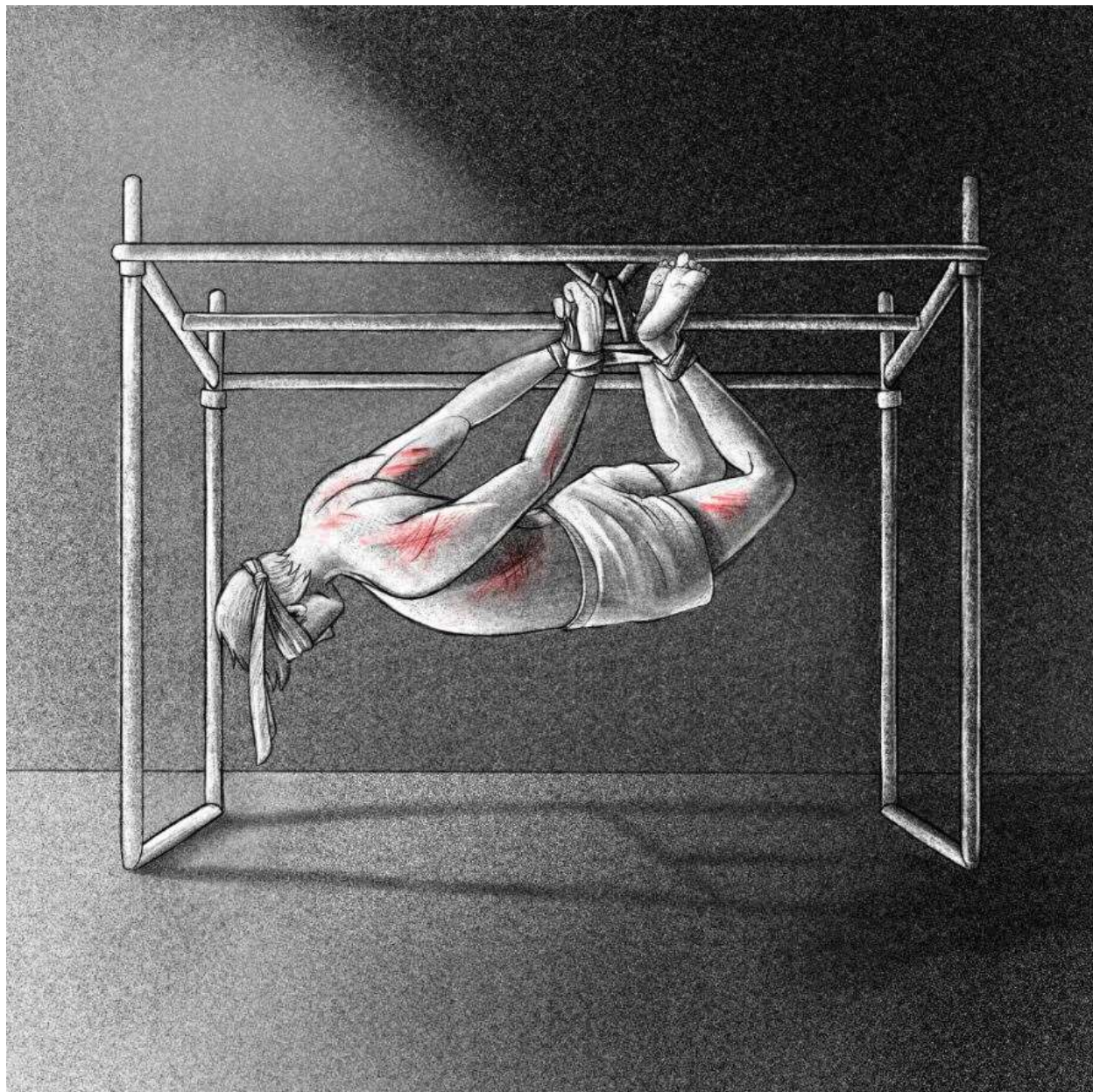
به تحمل این وضعیت‌های به شدت دردناک به مدت طولانی بوده است. آسیب‌دیدگان به شیوه‌های مختلفی آویزان می‌شدند: بعضی‌ها را از پا و بعضی‌ها را از دست به سقف آویزان می‌کردند؛ در موارد دیگر، دست‌ها و پاهای افراد را از پشت به هم می‌بستند و سپس آن‌ها را از میله‌های آهنی آویزان می‌کردند (شکنجه‌ای که به «جوجه‌کباب» معروف است). در بسیاری از موارد، این دوره‌های طولانی آویزان ماندن با ضرب‌وجرح و بعضاً بازجویی در همان حال همراه بود. به آسیب‌دیدگان آویزان‌شده معمولاً چشم‌بند می‌زدند یا کیسه‌ای روی سرشان می‌کشیدند. این شیوه‌های شکنجه موجب درد بسیار شدید در دست‌ها، مچ‌ها، بازوها، پاها، گردن، شانه‌ها، و کمر آسیب‌دیدگان می‌شد، و آنان را به علاوه دچار حس تحقیر، اضطراب شدید و وحشت می‌کرد.



بازسازی تصویری از صحنه شکنجه به شیوه آویزان شدن در یکی از بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات در استان تهران، چنان که خانواده یک آسیب‌دیده برای عفو بین‌الملل توصیف کرده است. طراحی از عفو بین‌الملل

یک قربانی که به شیوه‌ی معروف به «جوجه‌کباب» شکنجه شده بود به عفو بین‌الملل گفته است:

«یک جایی داشتند که به آن «اتاق فنی» می‌گفتند. روزی دو بار من را می‌بردند آنجا و با مشت و لگد می‌زدند. شوکر هم خیلی می‌زدند. به بیضه‌هایم هم شوکر می‌زدند. آنجا دست‌هایمان را هم از پشت به پاهایمان می‌بستند، یک میله‌ی آهنی را از وسط دست‌ها و پاهایمان رد می‌کردند و بعد می‌آوردند بالا مثل بارفیکس و این طور آویزان می‌شدیم. از درد بی‌هوش می‌شدیم. همه وزن بدنم روی مچ دستم بود و واقعاً درد داشت. نمی‌دانم خوابم می‌برد یا از درد بی‌هوش می‌شدم. از فشار در خودم ادرار می‌کردم. یک کاری با من کردند که وقتی به آن فکر می‌کنم حالم بد می‌شود و بغض در گلویم جمع می‌شود. خانواده‌ام می‌دانند که شکنجه شدم ولی نمی‌دانند چه جور. بغض دارم چون برای هیچ کسی نمی‌توانم تعریف کنم.»



بازسازی تصویری از یک شیوه شکنجه به دست بازجویان واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در استان تهران، چنان که یک آسیب‌دیده برای عفو بین‌الملل توصیف کرده است. طراحی از عفو بین‌الملل

۵.۴ شوک الکتریکی

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که در بازداشتگاه‌های متعدد در نقاط مختلف کشور، و همچنین در جریان دستگیری‌ها، مأموران اطلاعاتی و امنیتی افراد بازداشت شده در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، از جمله کودکان، را با شوک الکتریکی شکنجه کرده‌اند.

رایج‌ترین شیوه شوک الکتریکی استفاده از تفنگ‌های الکتریکی و باتوم‌های برقی بود. آسیب‌دیدگان به عفو بین‌الملل گفته‌اند که مأموران با تفنگ‌های الکتریکی به نقاط مختلف بدن‌شان شوک الکتریکی وارد کرده‌اند؛ دست کم در سه مورد از مواردی که عفو بین‌الملل مستندات آن‌ها را ثبت کرده، شوک الکتریکی به بیضه‌های آسیب‌دیدگان وارد شده است.

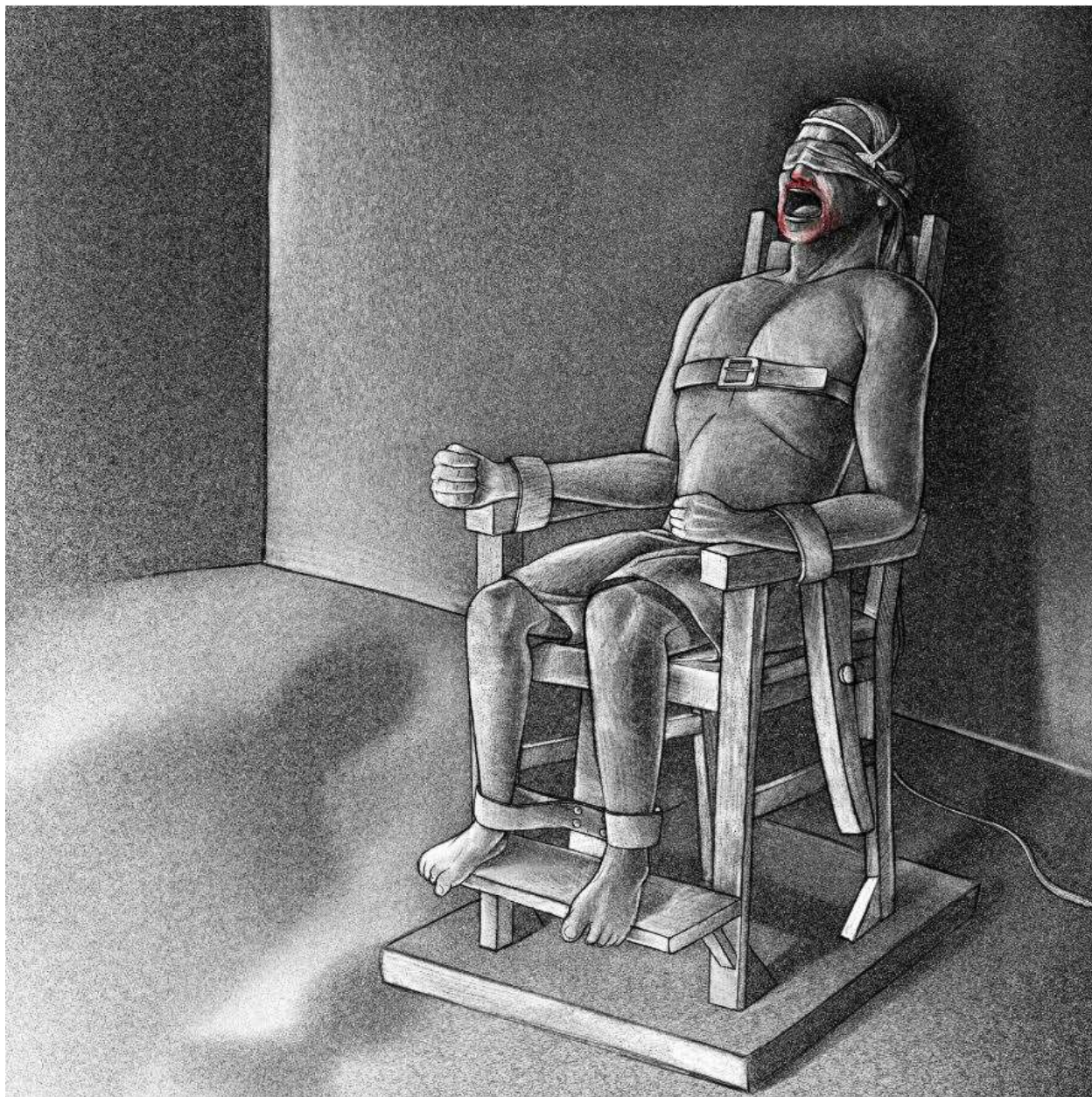
اظهارات آسیب‌دیدگان با گزارش‌هایی که سایر سازمان‌های حقوق بشری منتشر کرده‌اند همخوانی دارد.^{۵۲}

عفو بین‌الملل همچنین اظهارات آسیب‌دیده دیگری را دریافت کرده است که گفته او را به یک صندلی چسبیده به زمین بسته بودند و به او شوک الکتریکی داده بودند. این آسیب‌دیده گفته است که دست‌ها، پاها و کمر او را به صندلی بسته و یک تل فلزی روی سرش گذاشته بودند، بدن‌اش را خیس کرده بودند و سپس به شقیقه‌هایش شوک الکتریکی وارد کرده بودند.

او این شکنجه را به این شیوه برای عفو بین‌الملل شرح داده است:

«بدترین شکنجه‌ای که من را کردند شوک الکتریکی بود. اول یکی از بازجوها به بقیه می‌گفت که «یک کم قفلکش بدهید» که به معنی ولتاژ کم بود. انگار یک مرتبه میلیون‌ها سوزن در تمام بدنم وارد می‌شد. اگر حرف نمی‌زدم و مقاومت می‌کردم ولتاژ را بالا می‌بردند. وقتی ولتاژ را زیاد می‌کردند، تمام بدنم شدید می‌لرزید و در کل بدنم سوزش شدید و وحشتناکی حس می‌کردم و از دماغم خون می‌آمد. این شکنجه به سلامت روانی و جسمی من آسیب‌های ماندگار زده است. هنوز هم نمی‌تونم شب‌ها بخوابم و سردردهای عجیب دارم.»

^{۵۲} کمپین حقوق بشر در ایران، «شلیک کردن به معترضان: خشونت دولتی علیه معترضان در ایران»، می ۲۰۲۰؛ ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، «رنج‌نامه‌ی ابوالفضل کریمی؛ نوجوان شکنجه‌شده‌ی اعتراضات آبان ماه دست به اعتصاب غذا زد»، ۲۶ اسفند ۱۳۹۸.



بازسازی تصویری از شکنجه با شوک الکتریکی، چنان که یک آسیب‌دیده برای عفو بین‌الملل توصیف کرده است. طراحی از عفو بین‌الملل

۵.۵ تحقیر و خشونت جنسی

اطلاعاتی که از طریق منابع دست‌اول، از جمله آسیب‌دیدگان و بستگان آسیب‌دیدگان و منابعی در داخل زندان‌ها، به دست عفو بین‌الملل رسیده نشان می‌دهد که بازجویان و مسئولان زندان‌ها با برهنه کردن و همچنین برهنه نگه داشتن اجباری، تفتیش بدنی نامناسب به منظور تحقیر آسیب‌دیدگان، فحاشی جنسی به صورت مستمر، پاشیدن اسپری فلفل به ناحیه‌ی تناسلی، و شوک الکتریکی وارد کردن به بیضه‌ها، مرتکب خشونت جنسی علیه بازداشت‌شدگان مرد شده‌اند.

علاوه بر آسیب‌های جسمانی شدید، درد و رنج روانی آسیب‌دیدگان این نوع خشونت اغلب در نتیجه تابوهای اجتماعی پیرامون خشونت و تحقیر جنسی تشدید شده و موجب انزواجویی و در خود فرو رفتن آنان شده است.

یک زندانی سابق از مشهد، در استان خراسان رضوی، و یک وکیل دادگستری از مریوان، در استان کردستان، نیز در تماس‌های خود با عفو بین‌الملل اتهاماتی جدی در مورد تجاوز جنسی از جانب مأموران اطلاعاتی و امنیتی مطرح کرده‌اند. با این حال، با توجه به موانع روانی، اجتماعی، حقوقی و اداری در مورد گزارش دادن تجاوزهای جنسی و نگرانی‌های شدید در مورد آزارها و اقدامات تلافی‌جویانه‌ی مقام‌ها و مسئولان، عفو بین‌الملل موفق نشد که مستقیماً با کسانی که گفته می‌شود قربانی تجاوز شده‌اند ارتباط برقرار کرده و جزئیات این وقایع را مستقلاً جمع‌آوری و مستند کند.

زندانی سابق از مشهد به عفو بین‌الملل گفته است که چند مرد که به دنبال دستگیری‌شان در ماه‌های آبان و یا آذر ۱۳۹۸ در بازداشتگاه‌های مخفی موسوم به «خانه‌های امن» در این شهر حبس شده بودند ادعا کرده‌اند که مورد خشونت جنسی، از جمله تجاوز، قرار گرفته‌اند. این زندانی سابق به عفو بین‌الملل گفته است که او از طریق چند زندانی سابق و خانواده‌های بازداشت‌شدگان که با آسیب‌دیدگان یا بستگان آسیب‌دیدگان ارتباط داشته‌اند، از وقوع این موارد خشونت و تجاوز جنسی مطلع شده است. به گفته‌ی این زندانی سابق، آسیب‌دیدگان را برهنه کرده و وسایل مختلفی از جمله شیشه نوشابه به مقعدشان فرو کرده‌اند.

وکیل اهل مریوان به عفو بین‌الملل گفته است که او اطلاع دارد سه پسر دانش‌آموز - ۱۵ تا ۱۶ ساله - به خانواده‌ها و دوستان نزدیک خود گفته‌اند که در پی دستگیری‌شان در آبان ماه ۱۳۹۸ به اتهام شرکت در اعتراضات از جانب مأموران واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته‌اند. این وکیل به عفو بین‌الملل گفته است که او از طریق یک منبع مورد اعتماد که توانسته با یکی از آشنایان این کودکان صحبت کند، از وقوع این موارد خشونت و تجاوز جنسی مطلع شده است، اما نتوانسته است به دلیل نگرانی‌های جدی امنیتی، مستقیماً با کودکانی که گفته می‌شود قربانی تجاوز شده‌اند و والدین‌شان صحبت کند. بر اساس اطلاعاتی که به دست این وکیل رسیده، این آزارها در زمان بازداشت این کودکان در بازداشتگاهی متعلق به سپاه پاسداران در مریوان، در استان کردستان، رخ داده و گفته می‌شود تجاوز از طریق فرو کردن باتوم به مقعد انجام شده است.

به گفته منبع این وکیل، این کودکان چندین روز در بازداشت به سر برده و سپس به قید وثیقه آزاد شده‌اند، اما بازجویان به آنان هشدار داده بودند که درباره شکنجه‌ها، از جمله آزارهای جنسی، با کسی حرف نزنند.^{۵۳} عفو بین‌الملل باور دارد که خانواده‌های این افراد از ترس آزارها و اقدامات تلافی‌جویانه، به شکایت رسمی علیه آن تشکیلات امنیتی اقدام نکرده‌اند.

^{۵۳}. شبکه‌ی حقوق بشر کردستان، «گزارشی از شکنجه و قتل شهروندان در بازداشتگاه‌های مریوان؛ کودکان مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند»، ۸ دی ۱۳۹۸

۵.۶ القای حس خفگی با آب

عفو بین‌الملل شرح حال یک آسیب‌دیده را ثبت و ضبط کرده که به این سازمان گفته است، در مدتی که در یک بازداشتگاه مخفی غیررسمی در استان خراسان رضوی حبس بوده، به شیوه «القای حس خفگی با آب» مورد شکنجه قرار گرفته است.

ابتدا یکی از اعضای خانواده‌ی این آسیب‌دیده در آذر ۱۳۹۸ با عفو بین‌الملل تماس گرفته و گفته بود این فرد در یک تجمع اعتراضی در استان خراسان رضوی شرکت کرده بوده که مأموران لباس شخصی او و چند نفر دیگر را دستگیر کرده‌اند. او به عفو بین‌الملل گفته بود که تا یک هفته بعد از دستگیری هیچ اطلاعاتی در اختیار خانواده این آسیب‌دیده نگذاشته بودند؛ متعاقباً، مأموران امنیتی از افشای محل نگهداری او امتناع کرده بودند، تا این که اواخر دی ۱۳۹۸ به یک زندان مرکزی منتقل شده بود.

عفو بین‌الملل در خرداد ۱۳۹۹ موفق شد با خود این آسیب‌دیده، بعد از آزادی‌اش به قید وثیقه و در حالی که منتظر برگزاری دادگاه‌اش بود، گفت‌وگو کند. او به عفو بین‌الملل اطلاع داد که بعد از دستگیری، نزدیک به دو هفته در حبس انفرادی به سر برده و تقریباً در تمام طول این مدت مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته است. این آسیب‌دیده مطمئن نبود که مأموران کدام نهاد مسئول حبس و شکنجه او بودند، اما حدس می‌زد که آن مأموران وابسته به وزارت اطلاعات یا واحد حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی یا سپاه پاسداران بوده‌اند.

او به عفو بین‌الملل گفته است:

«هر طور می توانستند عذاب دادند، اما بیشتر از همه شکنجه با آب و حوله بود. یک حوله را خیس می کردند و می گذاشتند روی صورتم و آرام آرام روی حوله آب می ریختند. حالت خفگی به من دست می داد. یک چند دقیقه که این طوری بود دست و پا می زدم و حوله را برمی داشتند. نیم ساعت بعد که حالم جا می آمد دوباره همان کار را انجام می دادند. مشمت و لگد و فحاشی کار کاملاً عادی شان بود. سه دفعه هم با کابل برق به کف پایم زدند، اما بیشتر از هر چیز، با آب و حوله شکنجه‌ام کردند. می دانستند که من مشکل تنفسی و ریوی دارم و این کارشان علائمی روی بدنم به جا نمی گذارد. خیلی وحشتناک بود. حرف زدن درباره این شکنجه و حتی فکر کردن به آن خیلی برایم سخت است.»

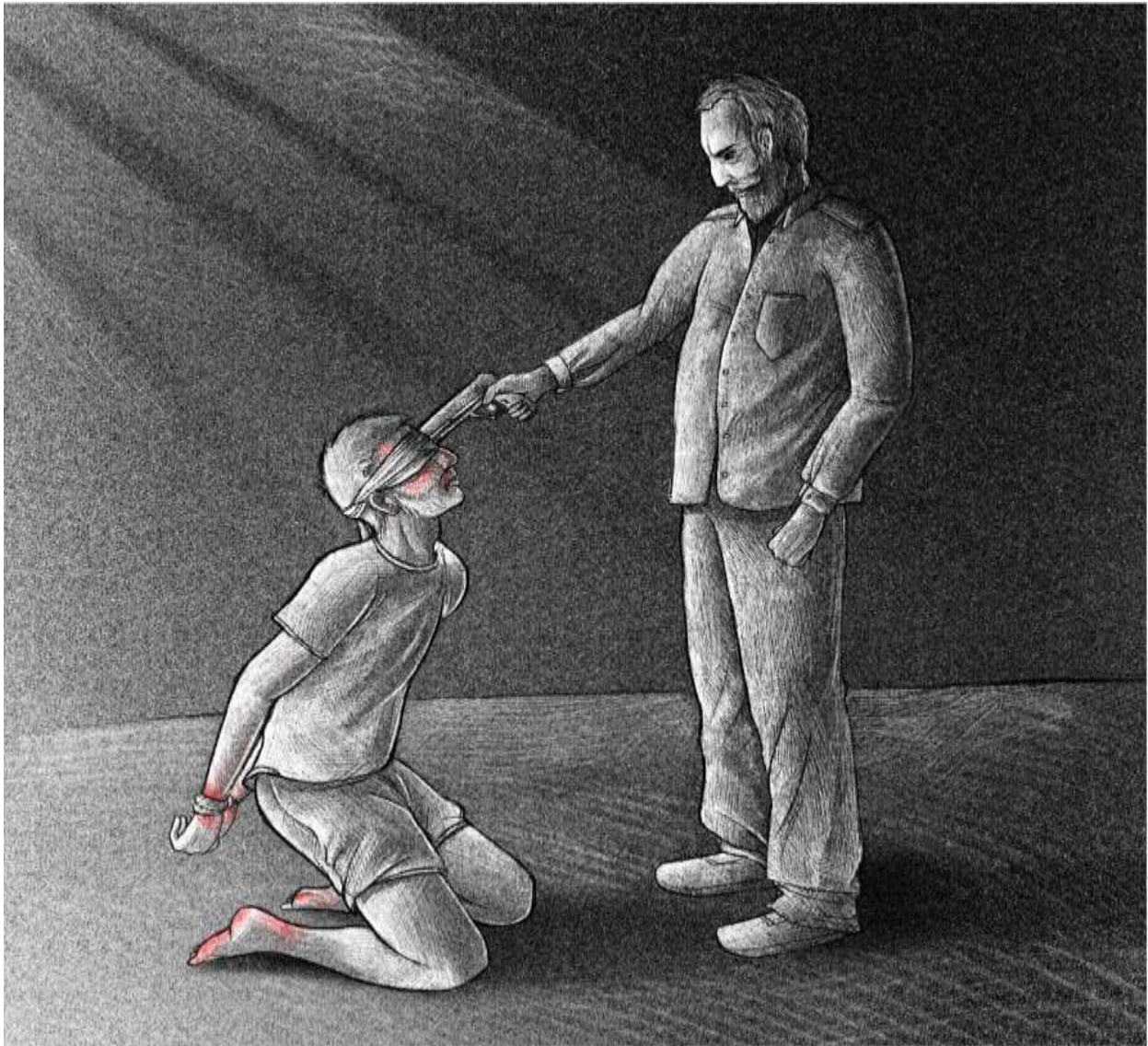
سازمان‌های حقوق بشری پیش‌تر موارد استفاده از شکنجه «القای حس خفگی با آب» و سایر شیوه‌ها برای القای حس خفگی در ایران را ثبت و منتشر کرده‌اند.^{۵۴}

^{۵۴} برای مثال، نگاه کنید به: آزادی از شکنجه، «شکنجه در ایران از زمان انتخابات سال ۱۳۸۸»، مارس ۲۰۱۳، ص. ۳۳. در این گزارش گفته می‌شود: «پنج نفر از به‌کارگیری روش‌هایی برای القای حس خفگی، از جمله فرو بردن مکرر سر در آب یا در آب آلوده و حاوی ادرار و مدفوع، خبر داده‌اند؛ یک نفر دست کم پنج بار به شیوه‌ی "غرق موقت" شکنجه شده است. این شخص گفته است که او را به اتاق مخصوصی برده و دست‌بند و پای‌بند زده و داخل گودالی قرار داده‌اند؛ سپس سر او را با حوله‌ای پوشانده و روی آن آب می‌ریختند تا احساس غرق شدن و خفگی به او دست بدهد. یک شخص دیگر را در اتاق بازجویی روی زمین خوابانده و مرتباً سطل آب روی صورت‌اش خالی می‌کردند؛ سپس یک نگهبان زندان پای خود را روی سینه‌ی این شخص می‌گذاشت و تا مدت طولانی مانع از آن می‌شد که بتواند تکان بخورد و آب را از روی صورت‌اش پس بزند.»

۵.۷ تهدید به مرگ و اعدام نمایشی

بسیاری از افرادی که در جریان اعتراضات بازداشت شده‌اند گفته‌اند که بازجویان بارها گفته بودند می‌توانند آن‌ها را بکشند یا هر کاری که می‌خواهند با آن‌ها بکنند، و به این شیوه آن‌ها را دچار وحشت از احتمال اعدام شدن می‌کردند.

بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل از طریق یک منبع دست اول فراهم آورده، مأموران وابسته به واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دست کم دو بازداشت‌شده را در بازداشتگاهی در استان تهران در معرض اعدام نمایشی قرار داده‌اند. این شکنجه شامل چشم‌بند زدن به آسیب‌دیدگان و انداختن طناب دار به گردن‌شان یا نشانه رفتن تفنگ بدون گلوله به سمت آنان و کشیدن ماشه می‌شد.



بازسازی تصویری از شکنجه‌ی اعدام نمایشی در یک بازداشت‌گاه متعلق به سپاه پاسداران در استان تهران، چنان که یک آسیب دیده برای عفو بین‌الملل توصیف کرده است. طراحی از عفو بین‌الملل

اعدام نمایشی یک معترض در تهران^{۵۵}

یکی از معترضان به همراه چند نفر از دوستانش در ۲۷ آبان ۱۳۹۸، در جریان اعتراضات در شهری در استان تهران، به دست مأموران لباس شخصی وابسته به واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شد. مأموران تفنگ‌ها و سایر سلاح‌های تهاجمی خود را به سمت او و دوستانش نشانه گرفتند، به چشم‌هایشان اسپری فلفل پاشیده و به آن‌ها دست‌بند و چشم‌بند زدند و آن‌ها را داخل صندوق عقب خودروهایشان انداخته و به بازداشتگاهی متعلق به سپاه پاسداران در استان تهران برده و آن‌جا در حبس انفرادی نگه داشتند.

این معترض به عفو بین‌الملل گفته است که در طول این دوره مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته، از جمله به این شیوه‌ها: محروم شدن از آب و غذا، سیلی خوردن، مشت و لگد خوردن، و چندین بار آویزان شدن از دست‌ها، به گونه‌ای که وزن کل بدنش روی بازوها افتاده و موجب درد شدید در تمام بدنش می‌شد. بازجویان او را متهم کرده بودند که از «لیدرهای اغتشاشات» بوده و، برای تحقیر و مجازات او، یک شب او را در همان توالی کثیف و بدبویی نگه داشتند که مأموران در آن‌جا ادرار می‌کردند. مأموران به علاوه با تفنگ‌های برقی به نقاط مختلف بدنش، از جمله بیضه‌ها، شوک برقی می‌دادند.

به گفته‌ی این فرد، مأموران دو بار او را با اعدام نمایشی شکنجه داده‌اند. یک بار، حدود ساعت چهار صبح، او را به حیاط برده و کیسه‌ای روی سرش کشیده بودند و وادارش کرده بودند روی یک چهارپایه بایستد. مأموران گفته بودند که او «مرد» و «لیدر اغتشاشات» بوده و حکمش اعدام است و وانمود کرده بودند که در دادگاهی به اعدام محکوم شده است. سپس طنابی دور گردن‌اش انداخته، و به تقلید از شیوه دار زدن در ایران، چهارپایه را از زیر پای او کشیده بودند، اما نحوه چیدمان به شکلی بود که او به جای آویزان شدن روی زمین بیافتد.

چند روز بعد، وقت سحر، مأموران او را به حیاط برده و وادارش کرده بودند زانو بزند، چشم‌بندش را برداشته بودند، و اسلحه خالی را روی پیشانی‌اش گذاشته و ماشه را کشیده بودند.

این معترض به عفو بین‌الملل گفته است که شاهد شکنجه شدن و سایر بدرفتاری‌ها با تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان دیگر در آن بازداشتگاه بوده، از جمله: ضرب‌وشتم، شوک الکتریکی وارد کردن و اسپری فلفل زدن به بیضه‌ها، اعدام‌های مصنوعی، محروم کردن از آب و غذا و محروم کردن از خدمات درمانی مورد نیاز برای مداوای جراحاتی که بازداشت‌شدگان بر اثر گلوله‌های جنگی، گلوله‌های ساچمه‌ای یا شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها متحمل شده بودند. این معترض برای عفو بین‌الملل شرح داده است که مأموران به چه شیوه‌های بی‌رحمانه‌ای با بازداشت‌شدگان رفتار می‌کردند، از جمله از طریق مجروح‌تر

^{۵۵} آن‌چه در ادامه می‌آید بر اساس اظهارات یکی از آسیب‌دیدگانی است که شرح شکنجه‌ای را که تحمل کرده در اختیار عفو بین‌الملل گذاشته اما درخواست کرده است که، به دلایل امنیتی، نام و جزئیات پرونده‌ی او محفوظ بماند.

کردن جراحات آنان و محروم کردن بازداشت‌شدگان معتاد از خدمات درمانی، در حالی که به عوارض ناشی از قطع مصرف مواد مخدر مبتلا شده بودند.

بازجویان تلاش کرده بودند این معترض را وادار به نوشتن اظهاراتی مبنی بر مجرم دانستن خود و ارائه «اعترافات» اجباری در مقابل دوربین کنند، و دستور داده بودند بنویسد که در جریان اعتراضات یک نفر را به قتل رسانده و به سرقت دست زده، اما او امتناع کرده بود. بازجویان تهدید کرده بودند که اگر «اعتراف» نکند، اعضای خانواده‌اش را هم بازداشت می‌کنند.

این فرد، بعد از گذراندن یک هفته در این بازداشتگاه، به بازداشتگاه دیگری منتقل شده بود و در آنجا مورد استنطاق بازجویانی قرار گرفته بود که باز هم تلاش کرده بودند او را وادار به نوشتن «اعترافات» کنند؛ بازجویان تهدید کرده بودند که اگر مواردی را که به او دیکته می‌کنند ننویسد، یا او را می‌کشند یا کاری می‌کنند که به اتهام ارتکاب جرمی به ۲۰ تا ۳۰ سال حبس محکوم شود.

این معترض در کل دوره بازداشت از دسترسی به وکیل محروم بوده و متعاقباً، به دنبال برگزاری یک محاکمه ناعادلانه، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دلیل شرکت در اعتراضات به حبس محکوم شده است.

۵.۸ تزریق یا خوراندن اجباری مواد شیمیایی

عفو بین‌الملل دو مورد تزریق یا خوراندن اجباری مواد شیمیایی به بازداشت‌شدگان ثبت کرده است.

مورد اول به علی عبدلی، فعال جامعه‌ی مدنی (به بخش ۳.۴ رجوع کنید) مربوط می‌شود که در دوره حبس در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در شیراز، در استان فارس، مکرراً وادار به بلعیدن چندین قرص نامعلوم شده بود. وقتی این زندانی از خوردن قرص‌ها امتناع کرده بود، بازجویان نه تنها توضیحی درباره دلیل این کارشان نداده بودند، بلکه یکی از آن‌ها روی قفسه‌ی سینه‌ی او نشسته و دهان‌اش را با دست باز کرده بود و با خشونت او را مجبور به بلعیدن قرص‌ها کرده بود؛ در موارد دیگری که این زندانی از خوردن قرص‌ها امتناع کرده بود، بازجویان به ضرب‌وشتم او پرداخته بودند. قرص‌ها اثرات تخریب‌کننده‌ای داشتند و این زندانی را به احساس خواب‌آلودگی و اختلال حواس دچار کرده، و توانایی تمرکز افکار را از او سلب کرده بودند. بازجویان در همان حال که قرص‌ها بر او اثر گذاشته بودند، «اعترافات» از پیش آماده‌ای به او می‌دادند و می‌گفتند که آن‌ها را با خط خودش بنویسد و امضا کند. علی عبدلی نهایتاً به زندان عادل آباد شیراز انتقال یافته و در آنجا به تشنج و عوارض ناشی از قطع مصرف قرص‌ها دچار شده بود.

عفو بین‌الملل و سایر سازمان‌های حقوق بشری مستندات استفاده از این شیوه شکنجه در ایران، در جریان اعتراضات سراسری در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶، را پیشتر ثبت و منتشر کرده‌اند.^{۵۶}

آسیب‌دیده دیگری که در بازداشتگاهی زیر نظر واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در استان تهران حبس بوده به عفو بین‌الملل گفته است که مأموران مایع نامعلومی به قوزک پای او تزریق کرده‌اند که موجب درد بسیار شدید در بدنش شده است. او، به گفته خود، شاهد آن بوده که مأموران همین کار را با چندین بازداشت‌شده دیگر کرده‌اند، بدون این که اصلاً دلیل تزریق آن مایع را توضیح بدهند. او به عفو بین‌الملل گفته است:

«یک آمپول داشتند که در قوزک پای بازداشت‌شدگان می‌زدند. حس‌اش مثل این بود که انگار اره دست‌شان گرفته‌اند و دارند آهسته آهسته پایت را اره می‌کنند. انگار داشتند استخوان پایت را می‌شکستند یا اسید به پایت تزریق می‌کردند. دردش آن قدر وحشتناک بود که بی‌هوش می‌شدیم.»

۵.۹ سلب دسترسی به خدمات درمانی

مقام‌ها و مسئولان، از جمله بازجویان وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، مسئولان زندان‌ها و مقام‌های دادستانی، به علاوه بازداشت‌شدگان را با محروم کردن عامدانه‌ی آنان از دسترسی به خدمات درمانی برای مداوای جراحاتی که در جریان اعتراضات یا بر اثر شکنجه متحمل شده بودند، مورد شکنجه یا سایر بدرفتاری‌های قرار داده‌اند.

به گفته تعدادی از شاهدان عینی که عفو بین‌الملل با آن‌ها مصاحبه کرده و همچنین بنا به گزارش‌های گروه‌های حقوق بشری و رسانه‌های مستقل، تعداد زیادی از معترضان و شاهدان اعتراضات که با گلوله‌های جنگی یا ساچمه‌ای مجروح شده بودند در بیمارستان‌ها، هنگامی که در حال مداوا بودند یا بلافاصله بعد از ترخیص‌شان، دستگیر شده و به بازداشتگاه انتقال یافته‌اند و در آن‌جا از دسترسی به دارو و درمان محروم بوده‌اند. این برخورد در شهرهای متعددی در نقاط مختلف کشور، از جمله اهواز و بهبهان در استان خوزستان، اصفهان در استان اصفهان، شیراز و صدرا در استان فارس، سنندج در استان کردستان، کرمانشاه در استان کرمانشاه، و ملارد در استان تهران، صورت گرفته است (به بخش ۳.۱ نگاه کنید).

بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل به دست آورده، بعضی از مجروحان بازداشت‌شده از درمان به موقع و انجام عمل جراحی برای درآوردن گلوله‌های ساچمه‌ای که در بدن‌شان فرو رفته بوده محروم شده بودند، و در نتیجه به عفونت و سایر مشکلات جسمی دچار شده‌اند. همچنین، بسیاری از این افراد که گلوله از جمله به پاها و شکم‌شان اصابت کرده بوده، از دریافت آنتی‌بیوتیک و قرص‌های مسکن محروم شده بودند. زندانیان سابق گفته‌اند که شاهد حبس بازداشت‌شدگان مجروح در سلول‌های غیربهداشتی و بیش از حد

^{۵۶} عفو بین‌الملل، «ایران: از اعتراض تا زندان: ایران، یک سال پس از انتخابات»، ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ (Index: [MDE 13/062/2010](#))، آزادی از شکنجه، «شکنجه در ایران از زمان انتخابات سال ۱۳۸۸»، مارس ۲۰۱۳؛ کمپین حقوق بشر در ایران، «خاموش کردن خیابان‌ها، مرگ در زندان: سرکوبگری دی ماه ۱۳۹۶ در ایران»، ۳۰ بهمن ۱۳۹۶.

پرجمعیت بوده‌اند و فریادهای درد و درخواست کمک‌شان را می‌شنیده‌اند، در حالی که مقام‌های مسئول از منتقل کردن آن‌ها به بیمارستان امتناع می‌کردند.

بازجویان نه تنها اقدامی به منظور تأمین خدمات درمانی مناسب برای مداوای بازداشت‌شدگان مجروح‌شده در اعتراضات نمی‌کردند، بلکه تهدید می‌کردند که اگر از امضا کردن «اعترافات» علیه خودشان امتناع کنند، جراحات‌شان را عمیق‌تر و دردناک‌تر می‌کنند.

عفو بین‌الملل همچنین موردی را ثبت کرده است حاکی از آن که بازجویان دسترسی یکی از بازداشت‌شدگان به خدمات درمانی را مشروط به دادن «اعترافات» کرده بودند (به بخش ۶.۲ درباره امیرحسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی نگاه کنید). عفو بین‌الملل پیشتر نیز رویه محروم کردن عامدانه بازداشت‌شدگان از خدمات درمانی به منظور مجازات کردن آنان یا اخذ «اعترافات» را مستند و منتشر کرده است.^{۵۷}

عفو بین‌الملل اطلاعاتی دریافت کرده است حاکی از آن که بعضی از معترضان که همچنان در زندان مانده‌اند از خدمات درمانی، از جمله داروهای مورد نیاز برای معالجه مشکلات جسمی که از پیش داشته‌اند یا برای مداوای جراحاتی که در جریان اعتراضات یا بر اثر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در دوره حبس متحمل شده‌اند، محروم مانده‌اند (برای نمونه، به بخش ۳.۴ درباره رضوانه احمدخان‌بیگی نگاه کنید).

۵.۱۰ شرایط غیرانسانی بازداشت‌گاه‌ها

بنا به اطلاعات دریافتی از آسیب‌دیدگان و سایر افرادی که از وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها اطلاع دارند، دستگیری هزاران معترض در جریان اعتراضات و متعاقب آن به افزایش بیش از حد جمعیت در زندان‌ها و بازداشتگاه منجر شده است.

مسئولان نیز به این تراکم بیش از حد، به دلیل دستگیری‌های مرتبط با اعتراضات، اذعان کرده‌اند. ۴ آذر ۱۳۹۸، رئیس شورای شهر ری در استان تهران، حسن خلیل‌آبادی، ابراز نگرانی کرده بود که جمعیت بازداشت‌شدگان در «ندامتگاه مرکزی تهران» (معروف به زندان فشافویه) بسیار بیشتر از حد ظرفیت شده و این زندان گنجایش و تسهیلات لازم برای استقرار این حجم وسیع از بازداشت‌شدگان را ندارد.^{۵۸}

علاوه بر تراکم بیش از حد ظرفیت، بیشترین شکایات در مورد وضعیت بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها در طول این دوره شامل این موارد بوده است: حمام‌ها و دست‌شویی‌های کثیف و ناکافی؛ نبود امکانات بهداشتی و مواد شوینده برای حفظ بهداشت شخصی؛ فقدان

^{۵۷} نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «به گروگان گرفتن سلامت در ایران: محروم‌سازی بی‌رحمانه‌ی زندانیان ایران از خدمات درمانی»، ۲۸ تیر ۱۳۹۵ (Index: [MDE](#) ۱۳/۴۱۹۶/۲۰۱۶).

^{۵۸} خبر آنلاین، «رئیس شورای اسلامی شهرستان ری: امکانات زندان فشافویه جواب‌گوی این حجم از بازداشتی‌ها نیست / معترضان هرچه سریع‌تر از تخریب‌گران جدا شوند»، ۴ آذر ۱۳۹۸.

وسایل تهویه هوا و تجهیزات گرمایشی و سرمایشی؛ آلودگی اتاق‌ها به حشرات؛ در دسترس نبودن آب و غذا به ویژه در چند روز اول دوره بازداشت و کم بودن و کیفیت نامناسب غذا در روزهای بعدی؛ و کمبود شدید تخت‌خواب، به طوری که بسیاری از زندانیان روی زمین می‌خوابند.

بعضی از بازداشت‌شدگان در معرض هوای به شدت سرد یا به شدت گرم قرار داشتند. در بعضی از بازداشتگاه‌ها، بازداشت‌شدگان وادار شده بودند، بدون لباس، در هوای سرد در محوطه‌ی باز بایستند و در همان حال با شلنگ روی آن‌ها آب سرد می‌پاشیدند. یک آسیب‌دیده از استان خوزستان به عفو بین‌الملل گفته است که او را در هوای به شدت سرد یک سلول انفرادی حبس کرده بودند. یک آسیب‌دیده دیگر از استان تهران گفته است که او را در سلولی که نور بسیار شدیدی داشته حبس کرده بودند؛ چراغ‌ها شبانه‌روز روشن بوده و گرمای شدیدشان به شدت او را آزار می‌داده و مانع از آن می‌شد که بتواند بخوابد.

یک آسیب‌دیده شرایط بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در یک بازداشتگاه متعلق به سپاه پاسداران در شهر ملارد، در استان تهران، را برای عفو بین‌الملل چنین توصیف کرد:

«روزهای اول به ما غذا نمی‌دادند. یک بار آمدند ما را دو زانو نشانند در حالی که دست‌ها و پاهای مان را از پشت بسته بودند. به نان لواش بیات کره زدند و در دهان ما فرو کردند. آب هم نمی‌دادند. می‌آمدند بالای سرمان، می‌گفتند دهانت را باز کن تا در گلویت آب بریزیم. تمامش برای تحقیر بود. ما را می‌بردند دست‌شویی ولی دست‌هایمان را از پشت می‌بستند و می‌گفتند به ما چه، در همین حالت دست شویی کنید. بعضی بچه‌ها را در ناحیه دست‌شویی و کنار کاسه توالتی که خودشان از آن استفاده می‌کردند، نگه می‌داشتند.»

در بعضی از شهرها، بسیاری از معترضان و شاهدان اعتراضات که رفتار مسالمت‌آمیزی داشتند در بندهایی در کنار زندانیان متهم به ارتکاب جرایم خشونت‌بار حبس شدند و به این ترتیب امنیت و سلامت‌شان در معرض مخاطرات جدی قرار گرفت؛ در این بندها، خشونت از جانب همبندی‌ها و کارکنان زندان، مشکلات روانی، خودزنی زندانیان، مصرف مواد مخدر و بیماری‌های واگیردار و عفونی به شدت رواج داشت.

عفو بین‌الملل پیشتر نگرانی‌های مشابهی در مورد حبس در وضعیت غیرانسانی در زندان‌ها و سایر بازداشتگاه‌ها در نقاط مختلف ایران را ابراز کرده و مستندات خود در این باره را منتشر کرده است.^{۵۹} در برخی موارد، این وضعیت غیرانسانی را می‌توان معادل شکنجه شمرد.

^{۵۹} عفو بین‌الملل، «ضرورت توجه به شرایط بیرحمانه زندان‌ها» (Index: [MDE 13/5515/2017](#))؛ عفو بین‌الملل، «اعتصاب غذای گروهی زندانیان سیاسی در اعتراض به شرایط بیرحمانه زندان» (بیانیه مطبوعاتی، ۳۱ مرداد ۱۳۹۶)؛ عفو بین‌الملل، «دامه‌ی بازداشت چهار زن به دلیل حضور در تجمع روز جهانی کارگر» (بیانیه مطبوعاتی، ۱۸ بهمن ۱۳۹۶). (Index: [MDE 13/0663/2019](#))؛ عفو بین‌الملل: اعتصاب غذای در اعتراض به انتقال خشونت‌آمیزشان به یک زندان دیگر» (بیانیه مطبوعاتی، ۱۸ بهمن ۱۳۹۶).

نگهداری معترض مجروح در شرایط بی رحمانه^{۶۰}

یک فعال جامعه‌ی مدنی در استان خوزستان، به دلیل شرکت مسالمت‌آمیز در تجمعات اعتراضی در یکی از شهرهای استان خوزستان و قصد حضور یافتن در مراسم چهلم کشته‌شدگان مورد پیگرد کیفری قرار گرفت.

این زن بر اثر تیراندازی نیروهای بسیج و سپاه پاسداران به سمت عده‌ای از معترضان غیرمسلح مورد اصابت گلوله قرار گرفت. متعاقباً، او را به بیمارستان بردند و دو عمل جراحی برای خارج کردن گلوله از بدن او انجام شد. او چند هفته بعد در اواخر آذر ۱۳۹۸ دستگیر شد.

بنا به اطلاعاتی که در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته، این فرد به بازداشتگاهی زیر نظر نیروی انتظامی منتقل شده و به مدت یک هفته در آن‌جا، در یک سلول انفرادی آلوده به حشرات و جانوارن، به سر برده و مجبور به تحمل هوای به شدت سرد آن شد.

^{۶۰} آن‌چه در ادامه می‌آید بر اساس اظهارات یکی از آسیب‌دیدگانی است که شرح بدرفتاری‌هایی را که تحمل کرده در اختیار عفو بین‌الملل گذاشته اما درخواست کرده است که نام و جزئیات پرونده‌ی او محفوظ بماند.

شب اول بازداشت، بازجو درخواست او برای وکیل گرفتن را رد کرده و گفته بود که چنین حقی ندارد. در طول بازجویی به او چشم‌بند زده بودند و بازجوی او تهدیده کرده بود که باید اظهارات مکتوبی مبنی بر وابستگی‌اش به یک «گروه مخالف نظام» و برنامه‌اش برای شرکت در مراسم یادبودی به مناسبت چهل‌مین روز کشتار معترضان را امضا و «اعتراف» کند، وگرنه به همان محل زخم گلوله‌اش مشت‌ولگد خواهد زد. او یک ماه بعد به قید وثیقه آزاد شد. او متعاقباً برای چندین جرم امنیتی محاکمه شد، اما در نهایت تبرئه شد.



بازسازی تصویری از یک فعال مدنی زخمی که به دنبال دستگیری، در سلول انفرادی قرار داده شد و از دریافت خدمات درمانی برای مداوای جراحات ناشی از تیراندازی نیروهای امنیتی به معترضان در استان خوزستان محروم شد. طراحی از عفو بین‌الملل

۵.۱۱ شکنجه‌های روانی

در تمام مواردی که عفو بین‌الملل ثبت کرده، بازجویان در بازداشتگاه‌های زیر نظر وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران بازداشت‌شدگان را مورد شکنجه‌های روانی یا سایر آزارهای روانی قرار داده‌اند.

از جمله‌ی این شکنجه‌ها و آزارهای روانی استفاده‌ی مستمر از الفاظ توهین‌آمیز و تحقیرآمیز و دشنام‌های رکیک دادن به آسیب‌دیدگان و اعضای خانواده‌هایشان، به ویژه بستگان مؤنث آن‌ها، بود.

تهدید کردن به منظور القای وحشت و واداشتن به اطاعت به طور گسترده رواج داشته است. بازجویان، علاوه بر تهدید بازداشت‌شدگان به شکنجه‌های بیشتر از جمله تجاوز، پیوسته تهدید می‌کردند که اگر «همکاری» و «اعتراف» نکنند، اعضای خانواده‌هایشان، از جمله پدر و مادر مسن آن‌ها یا همسر، خواهر و برادرشان، را هم دستگیر می‌کنند و به عزیزان آن‌ها تجاوز می‌کنند یا صدمات جسمی مهلک می‌زنند، یا فرزندان‌شان را از ادامه تحصیل محروم می‌کنند. در بعضی از موارد، بازجویان به دروغ گفته بودند که عزیزان‌شان را پیشتر دستگیر کرده‌اند و در همان نزدیکی در حال بازجویی از آن‌ها یا شکنجه کردن آن‌ها هستند.

تعدادی از آسیب‌دیدگان به عفو بین‌الملل گفته‌اند بازجویان تهدید کرده بودند که آن‌ها را از همسران و فرزندان‌شان جدا می‌کنند و زندگی‌شان را برای همیشه «نابود» می‌کنند.

از جمله دیگر شیوه‌های شکنجه روانی نگهداری بازداشت‌شدگان در مکان‌هایی بوده است که در آنجا صدای شکنجه شدن و ناله‌ها و فریادهای بازداشت‌شدگان دیگر را می‌شنیدند و این وضعیت موجب آزار شدید روانی و حس ترس و وحشت می‌شده است.

بازجویان همچنین تلاش می‌کرده‌اند، با فریب دادن روانی بازداشت‌شدگان، آن‌ها را وادار به ارائه «اعترافات» مکتوب یا در مقابل دوربین‌های تلویزیونی کنند، با این وعده که اگر که این کار را بکنند، آزاد می‌شوند، حکم حبس‌شان تقلیل پیدا می‌کند، یا عفو خواهند شد.

آسیب‌دیدگان پیوسته به عفو بین‌الملل گفته‌اند که تحمل آزار و شکنجه‌ی روانی، مخصوصاً تهدید به بازداشت کردن و آسیب رساندن به اعضای خانواده، به ویژه دشوار بوده و باعث شده وادار به «اعترافات» اجباری شوند، حتی هنگامی که توانسته بودند شکنجه‌ها یا سایر آزارهای جسمی را تحمل کنند.

۶. محاکمه‌های ناعادلانه

«یکی از مسئولان دادستانی به ما گفت خودمان را برای وکیل گرفتن به درد سر نیاندازیم و پول‌مان را هدر ندهیم چون و کلاهم هیچ کاری نمی‌توانند برای او بکنند.»

نقل قولی از بستگان یکی از بازداشت‌شدگانی که به دلیل شرکت در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ دستگیر شده بود.

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد افرادی که در ارتباط به اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد بازجویی و محاکمه قرار گرفته‌اند با روال‌های قضایی به شدت ناعادلانه مواجه بوده‌اند. رایج‌ترین موارد نقض موازین دادرسی منصفانه از جمله شامل سلب این حقوق بوده است:

- حق دسترسی به وکیل و برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه
- حق سکوت و ممنوعیت اجبار به شهادت علیه خود یا اعتراف به مجرمیت
- حق برخورداری از جلسات دادرسی عادلانه و علنی در مقابل دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف
- حق آزادی و ممنوعیت بازداشت بر اساس اتهامات مبهم یا اتهاماتی که مبنای‌شان استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق انسانی باشد
- حق دریافت حکم علنی و مستدل
- حق بهره‌مندی موثر از امکان تجدید نظرخواهی
- حق دریافت غرامت در صورت محکومیت ناعادلانه

عفو بین‌الملل دریافت کرده است که پرونده بسیاری از افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند به دو بخش تقسیم شده و دو محاکمه‌ی جداگانه، یکی در دادگاه انقلابی و دیگری در دادگاه کیفری، برای آن‌ها برگزار شده است. این افراد در مورد اتهامات مرتبط با امنیت ملی، نظیر «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» در دادگاه‌های انقلاب، و در مورد اتهاماتی نظیر «اخلال در نظم عمومی» و «تخریب اموال» در دادگاه‌های کیفری محاکمه شده‌اند. در هر دو مورد، طرح این اتهامات در رابطه با اعتراضات صورت گرفته بود، حتی هنگامی که متهمان در اعتراضات شرکت نکرده بودند.

عفو بین‌الملل پیشتر موارد محاکمه افراد در رابطه با یک «عمل مجرمانه» در دو دادگاه جداگانه را ثبت کرده، اما به نظر می‌رسد که چنین برخوردی در رابطه با متهمانی که به دلیل شرکت در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ محاکمه می‌شدند تشدید شده است. عفو بین‌الملل نگران آن است که روال دو پاره کردن پرونده‌های متهمان و برگزاری دو محاکمه جداگانه برای آنان این مخاطره را ایجاد

می‌کند که افراد برای یک عمل یکسان دوبار محاکمه یا محکوم شوند و این روال ناقض تعهدات ایران در چارچوب قوانین بین‌المللی، از جمله «قاعده ممنوعیت محاکمه و مجازات مضاعف» است.^{۶۱}

تشکیلات دادگاه‌های کیفری در ایران – دادگاه‌های انقلاب و دادگاه‌های عمومی

دادگاه‌های کیفری در ایران در ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری فهرست شده و شامل این موارد می‌شوند: دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو و دادگاه‌های انقلاب. دفتر دادستانی پرونده‌های متهمان را، بسته به اتهاماتی که به آنان وارد شده، به یکی یا بیش از یکی از این دادگاه‌ها ارجاع می‌دهد.

بنا به ماده‌ی ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های انقلاب^{۶۲} صلاحیت رسیدگی به این موارد را دارند: «۱. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تباہی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام؛ ۲. توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛ ۳. تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن؛ ۴. قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل؛ ۵. سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.» بسته به نوع جرایم، یک یا دو قاضی ریاست محاکمه در دادگاه انقلاب را بر عهده می‌گیرند.

بنا به ماده‌ی ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری یک صلاحیت رسیدگی به این موارد را دارد: «۱. جرایم موجب مجازات سلب حیات؛ ۲. جرایم موجب حبس ابد؛ ۳. جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن؛ ۴. جرایم موجب مجازات تعزیری^{۶۳} درجه سه و بالاتر؛ ۵. جرایم سیاسی و مطبوعاتی.» شعبه‌های دادگاه کیفری یک در مرکز هر استان و، در صورت صلاح‌دید رئیس قوه قضائیه، در یک یا چندین شهرستان در هر استان مستقر می‌شوند. یک قاضی ریاست دادگاه را بر عهده می‌گیرد و دو قاضی معاونت او را بر عهده دارند، اما دادگاه می‌تواند با حضور دو قاضی نیز تشکیل

^{۶۱} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده‌ی ۱۴.۷.

^{۶۲} دادگاه‌های انقلاب در ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ به منظور محاکمه و اعدام سریع کسانی تأسیس شد که «ضدانقلابی» محسوب می‌شدند، از جمله کسانی که به دستگاه سلطنتی سرنگون شده وابسته بودند یا تصور می‌شد که وابسته بوده‌اند.

^{۶۳} جرایم «تعزیری» به جرایمی گفته می‌شود که تعریف و مجازات آن‌ها در شرع اسلام (قوانین شریعت) مشخص نشده است.

شود. جلسات محاکمه در دادگاه کیفری یک به صورت صوتی و با اجازه‌ی قاضی، به صورت تصویری ضبط می‌شود. با این حال، انتشار محتوای صوتی و تصویری دادگاه ممنوع است، هرچند که با اجازه‌ی دادگاه می‌شود در مواردی از آن‌ها استفاده کرد.

بنا به ماده‌ی ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی «به تمام جرایم را دارد، مگر آن‌چه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.» شعبه دادگاه کیفری دو معمولاً در مرکز هر شهرستان مستقر می‌شود تا جرایم ارتكابی در آن شهرستان را مورد رسیدگی قرار دهد. فقط یک قاضی ریاست دادگاه و نظارت بر روند دادرسی را بر عهده دارد.

بنا به ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، دفتر دادستانی مسئول صدور کیفرخواست علیه متهمان است و پرونده‌های آنان را به دادگاه‌هایی که صلاحیت رسیدگی به اتهامات مورد نظر را دارند ارسال می‌کند. ماده ۲۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری اظهار می‌کند که در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌های متعدد باشد، کیفرخواست جداگانه‌ای باید برای ارجاع دادن پرونده متهم به هریک از این دادگاه‌ها صادر شود.

بنا به ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، احکام اولیه‌ی دادگاه‌ها در صورتی که به جرایم زیر مربوط بوده باشند قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور هستند: جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است؛ جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها نصف دیه‌ی کامل یا بیش از آن باشد؛ و جرایم سیاسی و مطبوعاتی. تجدید نظر در سایر احکام اولیه‌ی دادگاه‌ها در دادگاه تجدیدنظر استان انجام می‌شود که در مراکز استان‌ها تشکیل می‌شود.

۶.۱ محروم شدن از دسترسی به وکیل و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه

بر اساس تحقیقات عفو بین‌الملل، بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ به طور نظام‌بند از حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات محروم شدند، حتی در مواردی که بازداشت‌شدگان متهم به جرایمی بودند که مشمول مجازات اعدام می‌شده است.

اصل ۳۵ قانون اساسی ایران حق همه افراد برای انتخاب وکیل را ضمانت می‌کند.^{۶۴} با این حال، این ضمانت در نتیجه مفاد قانون آیین دادرسی کیفری و عملکرد مقام‌ها و مسئولان بی‌اثر شده است. تبصره‌ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حق دسترسی به وکیل مستقل و منتخب فرد را محدود کرده و ایجاب می‌کند که افراد متهم به جرایم مرتبط با امنیت ملی وکیل خود در مرحله‌ی تحقیقات را از فهرست وکلایی انتخاب کند که رئیس قوه قضائیه تأیید کرده است. در ایران، متهمان به اقدام علیه «امنیت ملی» از

^{۶۴} اصل ۳۵ می‌گوید: «در همه‌ی دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

جمله شامل مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، و سایر افرادی می‌شوند که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق انسانی خود مورد تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند.^{۶۵}

در برخوردی همسو با روال گذشته در خصوص نقض حق دسترسی به وکیل، مأموران اطلاعاتی و امنیتی پیوسته به همین ضمانت محدود هم احترام نگذاشته، و بازداشت‌شدگان را در مرحله تحقیقات از هرگونه دسترسی به وکیل، حتی وکلای مورد تأیید و تصویب قوه قضائیه، محروم کرده‌اند.

علاوه بر این، به موازات روندی رو به رشد در سال‌های اخیر، مقام‌ها و مسئولان، با استناد به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، بازداشت‌شدگان را از دسترسی به وکلای منتخب خودشان نه فقط در مرحله تحقیقات بلکه همچنین در مرحله محاکمه، محروم کرده‌اند، در حالی که آن تبصره محدودیت در مرحله محاکمه قائل نشده است. مقام‌ها و مسئولان به متهمان می‌گفتند که باید وکلای خود را از فهرست وکلایی انتخاب کنند که به تأیید ریاست قوه قضائیه رسیده و متهمانی که از این کار خودداری می‌کردند متعاقباً وادار می‌شدند که شخصاً از خود در جریان محاکمه دفاع کنند.

عفو بین‌الملل مستندات مربوط به پرونده‌های هفت نفر از متهمان را ثبت کرده است که در رابطه با اعتراضات بازداشت شده بودند و در جریان برگزاری محاکمه از دسترسی به وکیل محروم شده‌اند. در برخی موارد، محرومیت از دسترسی به وکیل از این رو بود که مقام‌ها و مسئولان به متهمان می‌گفتند که باید وکلای خود را از فهرست وکلایی انتخاب کنند که به تأیید ریاست قوه قضائیه رسیده و متهمانی که از این کار خودداری می‌کردند متعاقباً وادار می‌شدند که شخصاً از خود در جریان محاکمه دفاع کنند. در چندین مورد دیگر، متهمان به شکل غیابی محاکمه شدند و مسئولان فرصت دسترسی به وکیل را برای آن‌ها فراهم نیاوردند. این سازمان بر این باور است که تعداد واقعی افرادی که قربانی این رویه شده‌اند احتمالاً بسیار بیشتر است.

علاوه بر این، وکلایی که نمایندگی متهمان در رابطه با اعتراضات را به بر عهده گرفته‌اند اغلب با برخوردهای ظالمانه دیگری مواجه بوده‌اند که حق برخورداری از مهلت و امکانات کافی برای آماده کردن دفاعیات را محدودتر کرده است، از جمله: مداخله‌ی خودسرانه‌ی مقام‌های مسئول برای منع ملاقات با موکلان؛ تأخیر در صدور مجوز دسترسی به محتویات پرونده یا منع کامل دسترسی به پرونده؛ فقدان امکانات مناسب برای مشاوره و تبادل نظر خصوصی با موکلان؛ و محروم شدن از ارتباط مستمر با آنان. بازداشت‌شدگان اغلب تا ساعاتی قبل از برگزاری محاکمه، و حتی گاهی تا آغاز محاکمه، اجازه‌ی ملاقات با وکلایشان را نداشته‌اند.

^{۶۵} عفو بین‌الملل، «ایران: اصلاحیه پیشنهادی یک عقب‌برگرد قانونی و ضربه‌ای سنگین به حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات است» (Index: [MDE ۱۳/۰۳۷۹/۲۰۱۹](#)).

عارف زارعی



عارف زارعی در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۸ به همراه خانواده‌اش در تجمعات اعتراضی در منطقه‌ی معالی‌آباد شیراز، در استان فارس، شرکت کرده بود. بنا به تحقیقاتی که عفو بین‌الملل انجام داده، نیروهای امنیتی در آن روز به شلیک گلوله‌های جنگی و ساچمه‌ای و گاز اشک‌آور به سمت انبوه معترضان غیرمسلح اقدام کرده بودند.

۹ آذر ۱۳۹۸، مأموران اطلاعاتی وابسته به نیروی انتظامی به منزل خانواده‌ی او یورش برده و او را دستگیر کردند. به گفته منابع مطلع،

احتمالاً عوامل محلی بسیج در مورد حضور این خانواده در اعتراضات به نیروهای امنیتی خبررسانی کرده بودند.

در پی دستگیری، عارف زارعی به مدت ۹ روز در یک بازداشتگاه متعلق به نیروی انتظامی به سر برد، و چهار روز اول بازداشت‌اش در حبس انفرادی بود.

عارف زارعی سپس به بازداشتگاه وزارت اطلاعات در شیراز، معروف به «پلاک ۱۰۰»، منتقل شد و به مدت ۱۶ روز در آن‌جا در حبس انفرادی به سر برد، بدون آن‌که هیچ‌گونه ارتباطی با دنیای بیرون داشته باشد. در این شرایط و بدون حضور وکیل بود که او به پرتاب کردن سنگ به سمت تابلوی یک بانک «اعتراف» کرده بود، و از این «اعتراف» به عنوان مدرک مقبول در دادگاه علیه او استفاده شد. در طول این مدت، عارف زارعی امکان تماس با خانواده‌اش را نداشت و مقام‌های مسئول از اطلاع‌رسانی به خانواده او درباره سرنوشت و محل نگهداری‌اش امتناع کرده بودند که مصداق جرم ناپدیدسازی قهری است.

حدود یک ماه پس از دستگیری عارف زارعی، هنگامی که خانواده‌اش برای کسب اطلاع در این باره به دفتر دادستانی مراجعه کرده بودند، یکی از مسئولان به آن‌ها گفته بود که ضرورتی ندارد برای او وکیل بگیرند.

پرونده عارف زارعی متعاقباً به دو کیفرخواست جداگانه تقسیم شد.

۲۶ دی ۱۳۹۸، شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب شیراز او را در مورد اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» مجرم شناخت و به پنج سال حبس محکوم کرد.

۲۹ دی ۱۳۹۸، شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه کیفری دو در شیراز او را به اتهام «اخلال در نظم عمومی» و «تخریب اموال دولتی» به چهار سال حبس محکوم کرد. هر دو محاکمه فقط در یک جلسه برگزار شده بود.

با این که خانواده‌ی عارف زارعی برای او وکیل گرفته بودند، این زندانی در سرتاسر دوره بازداشت پیش از محاکمه امکان دسترسی به وکیل خود را نداشت. همچنین، هر دو دادگاه، وکیل منتخب عارف زارعی را از دسترسی به مدارک و مستندات پرونده‌اش محروم کرده و به او اجازه ندادند که وکالت عارف زارعی را در روز محاکمه بر عهده بگیرد و تأکید کرده بودند که این متهم باید وکیل خود را از فهرست وکلای مورد تأیید قوه قضائیه انتخاب کند. وکیل عارف زارعی تنها بعد از صدور احکام دادگاه‌ها امکان دسترسی به پرونده او را پیدا کرد، تا بتواند در مورد احکام صادرشده درخواست تجدید نظر بدهد.

عارف زارعی در حال گذراندن دوره محکومیت خود در زندان عادل‌آباد شیراز است؛ او سه هفته پس از دستگیری به این زندان منتقل شده بود.

حسین ریحانی

حسین ریحانی در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۸ در منزل خود در اسلامشهر، استان تهران، به شکلی توأم با خشونت توسط مأموران واحد حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شد. او چند هفته پیش از دستگیری در اعتراضات صورت گرفته در اسلامشهر شرکت کرده بود. مأموران او را همراه با ضرب و جرح به بند ۲-الف زندان اوین که زیر نظر سپاه پاسداران اداره می‌شد منتقل کردند و سپس به بند ۲۴۱ زندان اوین، که زیر نظر حفاظت اطلاعات قوه قضائیه است، و در نهایت، به ندامتگاه



تهران بزرگ (معروف به زندان فشافویه) انتقال دادند.

طبق اطلاعاتی که در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته، حسین ریحانی در مدتی که در زندان اوین نگاه داشته شده مورد شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی قرار گرفته است که شامل ضرب و جرح و نگهداری برای مدت طولانی در سلول انفرادی می‌شود.

بر اساس اطلاعات عفو بین‌الملل و همین‌طور نامه‌ای که حسین ریحانی در تیرماه ۱۳۹۹ از داخل زندان نوشته،^{۶۶} او به «محرابه» از طریق تحریق متهم شده است و بدین ترتیب در معرض خطر مجازات اعدام قرار دارد. حسین ریحانی در نامه خود نوشته است که اتهام او تماماً بر اساس پیامکی است که برای دوستش ارسال کرده و در آن عنوان نوشته بوده که

^{۶۶} آرگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، «برای ارسال یک پیامک اتهام محاربه به من نسبت دادند! استمداد حسین ریحانی معترض آبان‌ماه»، ۲۱ تیر ۱۳۹۹.

شاهد آتش زدن یک بانک بوده است. مسئولان ظاهراً از این پیامک به عنوان «مدرکی» دال بر نقش داشتن او در آتش زدن بانک استفاده کرده‌اند.

پرونده حسین ریحانی ابتدا به دادگاه انقلاب اسلامشهر ارجاع داده شد، اما این دادگاه اعلام کرد که رسیدگی به اتهامات مطرح خارج از صلاحیت‌اش است و پرونده باید در دادگاه کیفری اسلامشهر بررسی شود. چنین به نظر می‌رسد که پرونده متعاقباً جهت تصمیم‌گیری در خصوص موضوع صلاحیت به دیوان عالی کشور ارسال شده است.

حسین ریحانی در نامه خود از زندان نوشته که از زمان دستگیری، مورد شکنجه قرار گرفته و از حق داشتن وکیل و دسترسی به مدارک پرونده‌اش محروم شده است. او می‌نویسد:

«با سلام خدمت کسانی که صدای من را می‌شنوند ... از وقتی که پدرم فوت شد، در این شرایط سخت اقتصادی کشور من خرج خانواده‌ام را درمی‌آوردم... شاید خنده‌دار باشد که جرم من تنها یک پیامک است که برای دوستم فرستادم. پیامی با این مضمون که «فلانی‌ها بانک را آتش زدند» ... ماموران اطلاعات سپاه به طور وحشیانه‌ای مرا بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. ابتدا بسیار وحشت زده بودم و نمی‌دانستم چرا من را بازداشت کرده‌اند و عاقب چه خواهد شد. در زندان اوین بارها و بارها شکنجه روحی و روانی شدم. بارها با شلنگ به کمر، دست‌ها و پاهایم زدند. ۱۷ روز در اتاق سفید و ۱۳ روز در انفرادی بودم ... خودم هم نمی‌دانم چرا و چگونه به دلیل ارسال یک پیامک اتهام محاربه را به من نسبت دادند ... چند روز پیش نیز نامه طلاق همسرم به دستم رسید. اکنون به معنای واقعی احساس می‌کنم دیگر چیزی برای از دست دادن ندارم.

هشت ماه بلا تکلیفی خسته‌ام کرده و حبس کشیدن فقط برای یک پیامک دیگر برایم غیرقابل تحمل شده است. تا به حال نه اجازه داده‌اند که وکیلی داشته باشم و نه از وضعیت پرونده‌ام باخبرم. تنها چیزی که می‌دانم آن است که پرونده‌ام در دیوان عالی کشور است. فقط می‌دانم که بی‌گناه هستم و هیچ جرم و خطایی مرتکب نشده‌ام. از شما کسانی که این نامه را می‌خوانید می‌خواهم که با قلم‌تان به من کمک کنید. به من کمک کنید تا از این سرنوشت ناگوار نجات پیدا کنم.»

۶.۲ «اعترافات» اجباری

«اصل براءت» ایجاب می‌کند که متهمان به ارتکاب جرایم حق داشته باشند در جریان بازجویی و در طول برگزاری محاکمه سکوت اختیار کنند. «حق سکوت» از محافظان مهم این حق است که متهم وادار به مجرم‌انگاری خود نشود و این حقی است که ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری هم آن را ضمانت می‌کند. تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که با وجود این حمایت قانونی و همسو با روال قانون شکنی‌ها در گذشته، بازداشت‌شدگان در ارتباط با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، از جمله کودکان، در معرض شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند تا وادار به «اعترافات» مکتوب و یا تلویزیونی شوند. دادگاه‌ها متعاقباً، برخلاف موازین قانونی، این اظهارات

اخذ شده در زیر فشار را مورد استناد قرار دارند تا حکم محکومیت صادر کنند، حتی در شرایطی که متهمان اظهاراتشان را در دادگاه پس گرفته بودند.

دادگاه‌ها به صورت نظام‌بند و مستمر ادعاها در مورد اعمال فشار، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را نادیده گرفته و اقدامی برای انجام تحقیق و تفحص در این باره انجام نداده‌اند. آسیب‌دیدگان متعددی به عفو بین‌الملل گفته‌اند که بازجویان، که معمولاً از مأموران وزارت اطلاعات یا اعضای سپاه پاسداران بوده‌اند، آن‌ها را تهدید کرده بودند که اگر با «اعتراف» در مقابل دوربین‌های تلویزیونی یا امضای «اعترافات» مکتوبی که خودشان به آن‌ها دیکته کرده بودند موافقت نکنند، به شکنجه آن‌ها ادامه می‌دهند یا بستگان آن‌ها را دستگیر و شکنجه می‌کنند.

بعضی از آسیب‌دیدگان به عفو بین‌الملل گفته‌اند که بازجویان گفته بودند کاری می‌کنند که در هر حال مجرم شناخته و محکوم شوند، چه «اعتراف» کرده باشند و چه نکرده باشند و اگر بازداشت‌شدگان می‌خواهند که بازجویی‌های شدید و معمولاً همراه با شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، متوقف شود، بهتر است هرچه زودتر «اعتراف» کنند. به بعضی از آسیب‌دیدگان دیگر وعده داده بودند که اگر «اعتراف» کنند، مجازات‌شان تقلیل پیدا می‌کند یا از خدمات درمانی برای مداوای جراحاتی که بر اثر شکنجه متحمل شده بودند برخوردار می‌شوند.

یک آسیب‌دیده که مأموران لباس‌شخصی، بدون آن که خودشان را معرفی کنند، او را در مشهد بازداشت کرده بودند به عفو بین‌الملل گفته است:

«بازجوها دائم فشار می‌آوردند که اعتراف کنم. اصرار می‌کردند ورقه‌ای را امضا کنم که اتهامات متعددی را به من نسبت داده بود. یکی از آن‌ها می‌گفت "اعتراف کنی یا نه، به هر جرمی که بخواهیم محکومات می‌کنیم، پس امضا کن تا بازجویی‌ها تمام شود." گفتم "در این صورت، اگر شما هر کاری که دل‌تان بخواهد می‌کنید، چرا باید اعتراف کنم؟" من هیچ چیزی را امضا نکردم چون هیچ کار خطایی نکرده بودم.»

در روزها و هفته‌های پس از اعتراضات، رسانه‌های حکومتی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به پخش ده‌ها ویدئوی تبلیغاتی اقدام کردند که افراد را در حال «اعتراف» کردن نشان می‌داد، حتی پیش از این که محاکمه‌ای برای آنان برگزار شده باشد؛ این «اعترافات» با اظهارات نادرست و محتوای صوتی و تصویری دیگری ترکیب شده بود که هدفشان شرور نشان دادن معترضان و تحریف حقایق مربوط به استفاده غیرقانونی نیروهای امنیتی از سلاح گرم و کشتار معترضان و عابران و کتمان سایر جرایم سنگین و نقض جدی حقوق بشر از جانب مقام‌ها و مسئولان در جریان اعتراضات بود (به بخش ۷.۲ نگاه کنید).

با توجه به این که بازداشت‌شدگان متهم به اقدام علیه امنیت ملی در مرحله بازجویی اجازه دسترسی به وکیل نداشته‌اند و همچنین با توجه به روال کاملاً رایج اخذ «اعترافات» اجباری و تلویزیونی در چنین مواردی، عفو بین‌الملل بر این باور است که این افراد در وضعیتی نبوده‌اند که آزادانه و با رضایت خود در آن ویدئوها حضور پیدا کنند.

رسانه‌های حکومتی همچنین به پخش ویدئوهای تبلیغاتی‌ای اقدام کرده‌اند که حاوی مصاحبه‌های گزارشگران رسانه‌های حکومتی با افراد مجروح‌شده در جریان اعتراضات بود، افرادی که سر یا بدن‌شان باندپیچی شده بود.^{۶۷} عفو بین‌الملل نگران آن است که این مصاحبه‌ها نیز، که بعضی از آن‌ها به بازجویی شباهت داشت، در وضعیت اجبار و زیر فشار و در سایه حضور ملموس نیروهای امنیتی در بیمارستان‌ها، انجام شده و بدون رضایت آسیب‌دیدگان و پیش از برگزاری محاکمه آنان، در برنامه‌های تبلیغاتی وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفته باشد (به بخش ۵.۹ نگاه کنید).

علاوه بر نقض «اصل براءت» و سلب حق سکوت، ضبط و پخش این ویدئوها، که عموماً تصویری غیرانسانی و شریانه از آسیب‌دیدگان ترسیم می‌کنند و آن‌ها را به دست داشتن در جرایم سنگین متهم می‌کنند، رنج و درد شدیدی را به بازداشت‌شدگان و خانواده‌هایشان وارد می‌کنند و این رفتار نقض ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تزدیلی در چارچوب قوانین بین‌المللی است.^{۶۸}

معتضان محکوم به اعدام



از راست به چپ: سعید تمجیدی، محمد رجبی و امیرحسین مرادی

امیرحسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی به اتهام ایجاد حریق در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ در تهران به اعدام محکوم شده‌اند؛ این متهمان هرگونه دخالت در این وقایع را انکار کرده‌اند. محاکمه آنان به شدت ناعادلانه بوده است. هر سه نفر از حق دسترسی به وکلای خود در طول مرحله بازجویی محروم بودند، و تا هفته‌ها قربانی ناپدیدسازی قهری شده بودند. بنا به گزارش‌ها، هر سه نفر در طول مرحله بازجویی مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند. همچنین، امیرحسین مرادی در دادگاه گفته است که مجبور به ارائه «اعترافات» در مقابل دوربین شده است که بعداً از صدا و سیمای

^{۶۷} آپارات، «گزارش صداوسیما از آشوب‌های آبان ۹۸، مصاحبه با دستگیرشدگان»؛ مشرق نیوز، «فیلم / اولین اعترافات برخی از اغتشاشگران دستگیرشده»، ۲۸ آبان ۱۳۹۸.

^{۶۸} عفو بین‌الملل، «ایران: پخش رسانه‌ای بی‌عدالتی، افتخار کردن به کشتار گسترده: بررسی پرونده‌ی اعدام ۲۵ سنی‌مذهب در مرداد ۱۳۹۵ در ایران»، ۲۷ آبان ۱۳۹۵ (Index: [MDE ۱۳/۰۵۷۹/۲۰۱۶](#)); همچنین نگاه کنید به: جنبش جهانی حقوق بشر و عدالت برای ایران، «دولت اورولی: رسانه‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سلاح سرکوب جمعی»، ۵ تیر ۱۳۹۹.

جمهوری اسلامی ایران پخش شده و به شکل غیرقانونی به عنوان مدرکی برای مجرم شناختن هر سه متهم استفاده شده بود.^{۶۹}

امیرحسین مرادی ۲۸ آبان ۱۳۹۸ دستگیر شد و حدود یک هفته در یک بازداشتگاه وزارت اطلاعات در تهران حبس بود و سپس به مدت یک هفته دیگر در ندامتگاه تهران بزرگ (معروف به زندان فشافویه) به سر برد. این متهم متعاقباً به زندان اوین انتقال یافت، و در آنجا در طول یک ماه آینده در بندهای ۲۰۹ و ۲۴۰ حبس شد که، به ترتیب، زیر نظر وزارت اطلاعات و واحد حفاظت اطلاعات قوه قضائیه قرار دارند. این زندانی هم در بازداشتگاه وزارت اطلاعات و هم در زندان اوین در سلول انفرادی حبس شده بود، و گفته است که بازجویان اوین او را با ضرب و جرح، شوک الکتریکی، و ایستادن روی قفسه سینه‌اش مورد شکنجه قرار داده‌اند. امیرحسین مرادی گفته است که فقط بعد از آن به «اعتراف» کردن اقدام کرده که بازجویان وعده داده بودند از خدمات درمانی برای مداوای جراحاتی که بر اثر شکنجه متحمل شده برخوردار می‌شود، اما بعد از «اعترافات» هم اجازه دسترسی به خدمات درمانی را به او ندادند.

محمد رجبی و سعید تمجیدی در تاریخ ۷ دی ۱۳۹۸، پس از اینکه ترکیه آن‌ها را در عملی غیرقانونی به ایران بازگرداند، دستگیر شدند. آن‌ها از ترس دستگیری و پیگرد قضایی به ترکیه فرار کرده قصد داشتند که درخواست پناهندگی کنند. این دو زندانی گفته‌اند که پس از دستگیری، ابتدا به یکی از بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات در تهران منتقل شده و مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند؛ بازجویان آن‌ها را با لگد و باتوم مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و، در حالی که به صورت سرازیر آویزان شده بودند، به پاهای آن‌ها شلاق می‌زدند.

۳ دی ۱۳۹۸، صداوسیما جمهوری اسلامی به پخش یک ویدئوی تبلیغاتی، شامل «اعترافات» یک زن و ۱۲ مرد، از جمله امیرحسین مرادی، پیش از برگزاری محاکمه آنان اقدام کرد.^{۷۰} در این ویدئو، امیرحسین مرادی، که چهره‌اش تار شده، «اعتراف» می‌کند که یک تفنگ برقی در اختیار داشته و محمد رجبی و سعید تمجیدی مسلح به چاقو بوده‌اند؛ او می‌گوید که آن‌ها به همراه افراد دیگری تعدادی درخت را از ریشه در آورده و در مسیری انداخته و آتش زده‌اند تا مسیر را مسدود کنند.

۲۹ بهمن ۱۳۹۸، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، این سه جوان را متهم کرد که «لیدرهای اغتشاشگری» بوده‌اند که «بانک و پمپ بنزین آتش زدند و از اقدامات خلافکارانه‌شان فیلم‌برداری و برای شبکه‌های خارجی ارسال کردند.»^{۷۱} به دنبال این اظهارات، وکلای این سه متهم احکام صادر شده در دادگاه را دریافت کردند؛ بنا به این احکام، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران این متهمان را به جرم «محرابه» به اعدام محکوم کرده است. هر سه نفر هرگونه دخالت در ایجاد حریق را انکار

^{۶۹} آپارات، «اعترافات باورنکردنی لیدرهای اغتشاشات ۹۸».

^{۷۰}

^{۷۱} خبرگزاری میزان، «بیستین نشست خبری سخنگوی قوه قضائیه، غلامحسین اسماعیلی»، ۲۹ بهمن ۱۳۹۸.

کرده‌اند. عفو بین‌الملل اطلاع دارد که حکم محکومیت آن‌ها بر اساس «اعترافات» امیرحسین مرادی که بر اثر شکنجه اخذ شده و همچنین بر مبنای ویدئوهایی صادر شده است که آن‌ها با گوشی‌های موبایل‌شان گرفته بودند؛ این ویدئوها حاوی صحنه‌هایی از حضور آن‌ها در تجمعات اعتراضی، در حال سر دادن شعارهای ضدحکومتی، و صحنه‌هایی از بانک‌ها و درخت‌های آتش‌گرفته بود.

۲۰ تیر ۱۳۹۹، وکلای این سه زندانی در صفحات خود در توئیتر اعلام کردند که دیوان عالی کشور احکام آن‌ها را تأیید کرده است. ۲۴ تیر ۱۳۹۸، سخنگوی قوه قضائیه، غلامحسین اسماعیلی، خبر مربوط به رأی دیوان عالی کشور را تأیید کرده، اما اضافه کرد که این احکام ممکن است در روند رسیدگی‌های قضایی تغییر کند.^{۷۲} دیوان عالی کشور متعاقباً پذیرفت که درخواست اعاده دادرسی وکلای این سه جوان رسیدگی کند. تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، این پرونده همچنان در دیوان عالی کشور در دست بررسی بوده است.

امیرحسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی در حال حاضر در ندامتگاه تهران بزرگ (معروف به زندان فشافویه) زندانی شده‌اند.

فاطمه داوند

فاطمه داوند در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۹۸ بعد از مشارکت مسالمت‌آمیز در تجمعات اعتراضی در بوکان، استان آذربایجان غربی، از سوی مأموران وزارت اطلاعات در سقز، استان کردستان، دستگیر شد. او ابتدا یک شب در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در بوکان حبس شد و سپس، در حالی که به او چشم‌بند زده و دست‌ها و پاهای او را با زنجیر بسته بودند، به بازداشتگاه وزارت اطلاعات در ارومیه، در استان آذربایجان غربی، انتقال یافت.



بر اساس اطلاعاتی که از سوی منابع موثق در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفت، فاطمه داوند به مدت دو هفته در سلول انفرادی به سر می‌برد و تا چندین روز از خوردن غذا محروم شده بود، در حالی که مأموران وزارت اطلاعات، بدون حضور وکیل، او را مورد بازجویی قرار می‌دادند. در طول این دوره، بازجویان تلاش کرده بودند تا با اعمال این شکنجه و بدرفتاری‌ها، او را وادار کنند به همکاری با احزاب کرد مخالف نظام «اعتراف» کند.

^{۷۲} خبرگزاری جمهوری اسلامی، «دستورالعمل جدید مرخصی زندانیان در موج دوم کرونا ابلاغ شد»، ۲۴ تیر ۱۳۹۹.

فاطمه داوند، چند روز پس از دستگیری، تحت فشار و وعده‌های دروغین بازجویان مبنی بر اینکه در صورت اعتراف کردن، آزاد خواهد شد، پذیرفت که در مقابل دوربین‌های فیلم‌برداری «اعتراف» کند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی متعاقباً در قالب یک برنامه‌ی تبلیغاتی به پخش ویدئوهایی از «اعترافات» اجباری او اقدام کرد، و همچنین ویدئویی را به نمایش گذاشت که او را بالای یک خودرو و در حال حرف زدن برای عده‌ای از مردم نشان می‌داد؛ در آن برنامه‌ی تبلیغاتی، زنانی که به صورت مسالمت‌آمیز در تجمعات اعتراضی شرکت کرده بودند به عنوان «لیدرهای اغتشاشات» معرفی می‌شدند.^{۷۳} فاطمه داوند اطلاع نداشت که کسانی که اعترافات او را ضبط کرده بودند از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بوده‌اند و «اعترافات» اجباری وی قرار بوده است که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شود.

فاطمه داوند تا پیش از انتقال به بند زنان زندان ارومیه در اواسط آذر ماه، از امکان ملاقات با خانواده‌اش محروم شده بود؛ بعد از انتقال به زندان ارومیه نیز فقط به او اجازه چند تماس تلفنی و یک بار ملاقات با خانواده‌اش را داده بودند.

پرونده فاطمه داوند به دو قسمت تقسیم شد. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بوکان، به دنبال برگزاری یک جلسه‌ی محاکمه در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۹۸، فاطمه داوند را به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به پنج ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

در تاریخ ۷ فروردین ۱۳۹۹، فاطمه داوند با تکمیل دوران حبس از زندان آزاد شد. همزمان قرار وثیقه‌ی در رابطه با پرونده دیگر وی صادر شد. در رابطه با این پرونده دوم، او در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ در شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد، در استان آذربایجان غربی، محاکمه شد، و متعاقباً به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به سه سال حبس و ۹ ماه زندان محکوم شد.

هر دو محاکمه فاطمه داوند به شدت ناعادلانه بوده است. محکومیت او از جمله بر اساس «اعترافات» اجباری وی صادر شده است، هرچند وی در دادگاه آن‌ها را پس گرفته و اعلام کرده بود که بازجویان با اعمال شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها او را به «اعتراف» وادار کرده‌اند. همچنین، هر دو دادگاه به ویدئوهایی استناد کرده‌اند که حاکی از شرکت مسالمت‌آمیز در اعتراضات است.

در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۹۹، فاطمه داوند برای تحمل حبس به زندان مرکزی ارومیه احضار شد. او در معرض خطر اجرای حکم شلاق‌اش است.

فاطمه داوند یک زندانی عقیدتی است که صرفاً به دلیل بهره‌گیری از حقوق خود بر آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز زندانی شده است.

۶.۳ دادرسی‌های غیابی یا غیر علنی در مقابل دادگاه‌های غیر مستقل

به گفته‌ی منابع مطلع، محاکمه‌های افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مجرم شناخته شده و محکوم شده‌اند عموماً فقط شامل یک جلسه بوده که گاهی فقط چند دقیقه طول کشیده است. بنا به ماهیت غیرشفاف نظام عدالت کیفری در ایران، که عفو بین‌الملل و سایر سازمان‌های حقوق بشری از دیرباز مستندات آن را ثبت و منتشر کرده‌اند، جلسات محاکمه در دادگاه‌های کیفری و دادگاه‌های انقلاب عموماً پشت درهای بسته برگزار شده‌اند.

در تمام مواردی که عفو بین‌الملل مستندات آن‌ها را ثبت کرده، خانواده‌ها متهمان اجازه حضور در دادگاه را پیدا نکرده‌اند؛ و در چندین مورد، وکلای متهمان نیز این اجازه را پیدا نکردند. منابع مطلع در نقاط مختلف کشور به عفو بین‌الملل اطلاع داده‌اند که مقام‌های مسئول به تعداد زیادی از متهمانی که در ارتباط با اعتراضات محاکمه می‌شدند گفته‌اند اجازه ندارند وکیل‌شان در دادگاه را به خواست خودشان انتخاب کنند و وکیل‌شان منحصرأ باید از فهرست وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه انتخاب شود، و در نتیجه بسیاری از این متهمان شخصاً دفاع حقوقی از خودشان را در دادگاه بر عهده گرفته‌اند.

به علاوه، عفو بین‌الملل دست کم از سه موردی اطلاع دارد که متهمان شخصاً در جلسات محاکمه خود حضور نداشته‌اند و به شکل غیابی مجرم شناخته و محکوم شده‌اند. دست کم در دو مورد، مسئولان تاریخ برگزاری محاکمه را به اطلاع متهمان نرسانده یا امکان انتقال آن‌ها از زندان به محل دادگاه را فراهم نکرده‌اند. در مورد سوم، فرد مورد نظر در زمان برگزاری محاکمه‌اش از کشور گریخته بود.



علی عزیزی، فعال ترک آذربایجانی، صبح ۲۸ آبان ۱۳۹۸، سه روز پس از آن که در تجمعات اعتراضی در ارومیه، در استان آذربایجان غربی، شرکت کرده بود، بیرون محل کارش در این شهر به شکل خشونت‌باری به دست مأموران واحد حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی دستگیر شد. بنا به اطلاعات دریافتی از منابع مطلع، مأموران در حالی که سلاح‌هایشان را در آورده بودند، با مشت و لگد به او حمله برده و سرش را به خودرویشان می‌کوبیدند.

علی عزیزی به بازداشتگاه پرازدحامی در ارومیه، که تحت نظارت واحد حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی قرار داشت، انتقال داده شد و در آن‌جا در محلی به همراه انبوه مردان و زنانی که آنان هم به دلیل شرکت در اعتراضات بازداشت شده بودند حبس شد.

بازجویان علی عزیزی را مورد استنطاق قرار داده بودند که به چه دلیل در اعتراضات شرکت کرده، چه شعارهایی داده، و با چه گروه‌هایی ارتباط دارد. او همان روز به قید وثیقه آزاد شده بود، اما ۴ اسفند ۱۳۹۸ دوباره و این بار به دست مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شد. علی عزیزی یک شب در بازداشتگاه وزارت اطلاعات در ارومیه به سرد برد و سپس به مدت ۱۰ روز در بازداشتگاه دیگری متعلق به وزارت اطلاعات در تبریز، در استان آذربایجان شرقی، حبس بود.

در طول این مدت، علی عزیزی در سلول انفرادی به سر می‌برد، ارتباط وی با دنیای بیرون قطع بود و بدون حضور وکیل مورد بازجویی قرار گرفت.

برای علی عزیزی دو پرونده در رابطه با شرکت در اعتراضات و فعالیت حقوق بشری در دفاع از اقلیت ترک آذربایجانی تشکیل شد.

محاکمه‌ی او به صورت غیابی در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو در ارومیه برگزار شد، در حالی که خودش در زندان تبریز به سر می‌برد و مسئولان زندان امکان انتقال او به دادگاه ارومیه را فراهم نکرده بودند، با این که خود او بارها تاریخ محاکمه‌اش را به اطلاع آنان رسانده بود؛ به این ترتیب، این زندانی از امکان دفاع کردن از خود در دادگاه محروم شد. با وجود قصور مسئولان در فراهم کردن امکان حضور او در جلسه محاکمه‌اش، دادگاه در ۲۲ اسفند او را به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به دلیل مشارکت مسالمت‌آمیز در اعتراضات به تحمل ۲۰ ضربه شلاق و پرداخت جریمه‌ی نقدی در عوض هشت ماه حبس محکوم کرد. دادگاه فعالیت‌هایی مسالمت‌آمیزی نظیر «شعار دادن در اعتراضات» را به عنوان مصداق «جرایم» او در نظر گرفت.

در پی تأیید حکم علی عزیزی، ۲۰ روز برای درخواست محاکمه‌ی مجدد به او مهلت داده شد؛ در این فاصله، او بعد از پرداخت وثیقه در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۹۹ موقتاً از زندان آزاد شده بود. به دنبال موافقت با درخواست او، محاکمه‌ای مجدد با حضور وکیلی در همان شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو در ارومیه برگزار شد. روز بعد از محاکمه، دادگاه حکم صادرشده قبلی را مورد تأیید قرار داد.

حکم شلاق و جریمه‌ی نقدی او ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ در دایره اجرای احکام ارومیه به اجرا گذاشته شد. حکم شلاق یک فعال ترک آذربایجانی دیگر به نام الیار حسین‌زاده نیز همزمان اجرا شد؛ او هم به اتهامات مشابهی در رابطه با شرکت در اعتراضات محکوم شده بود.

علی عزیزی با محاکمه دیگری در تبریز، با اتهامات «تبلیغ علیه نظام»، «عضویت در گروهی با هدف بر هم زدن امنیت ملی» و «نشر اکاذیب» به دلیل شرکت در اعتراضات و فعالیت‌های حقوق بشری، روبه‌رو است. همچون پرونده‌های سایر فعالان آذربایجانی که پیشتر در فصل ۳ به آن پرداخته شد، مقامات دو نهاد مجزا را با هم ادغام کرده و نام آن‌ها را در کنار یکدیگر به عنوان یک گروه نوشته‌اند: گروه گاماچ (اسم مخفف «جبهه آزادی ملی آذربایجان جنوبی» به زبان ترکی) و کانال تلگرامی گامت (اسم مخفف «طیف فعالین مستقل حرکت ملی آذربایجان» به زبان ترکی). در کیفرخواست علی عزیزی مشخص نیست که اتهام مطرح علیه او در خصوص عضویت در چه گروهی است. محاکمه او هنوز برگزار نشده است.

علی عزیزی یک پرونده سوم نیز دارد که از سال ۱۳۹۴ مفتوح است و مرتبط با فعالیت‌های حقوق بشری اوست.

علی عزیزی در صورت زندانی شدن، زندانی عقیدتی به شمار می‌رود چرا که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق خود برای برخورداری از آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز زندانی می‌شود.

میثم جولانی

میثم جولانی، از فعالان ترک آذربایجانی، ۲۶ آبان ۱۳۹۸، بعد از شرکت در تجمع اعتراضی کوچکی در اردبیل، در استان اردبیل، مقابل منزلش در این شهر به دست مأموران لباس شخصی وزارت اطلاعات دستگیر شد.

مأموران امنیتی به او چشم‌بند زده و او را داخل خودرویی انداختند و به مکان نامعلومی بردند، جایی که متعاقباً متوجه شد از بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات در اردبیل است. میثم جولانی چهار



روز در حبس انفرادی بود و در این مدت، در حالی که امکان دسترسی به خانواده و وکیل نداشت، مورد بازجویی قرار گرفت، و سپس به زندان مرکزی اردبیل انتقال یافت و در آنجا در سلولی که بیش از حد ظرفیت جمعیت داشته حبس شد. ۱۸ آذر ۱۳۹۸، میثم جولانی به قید وثیقه و تا زمان برگزاری محاکمه‌اش از زندان آزاد شد.

در دوره‌ای که در حبس انفرادی به سر می‌برد، بازجویان ابتدا درباره نظرات او مورد افزایش قیمت بنزین سؤال کرده بودند، اما به زودی بر اقدامات او به عنوان فعال حقوق بشر و مدافع حقوق اقلیت ترک‌های آذربایجانی، و از جمله روابط و حمایت او از عباس لسانی، از فعالان سرشناس و مدافعان حقوق اقلیت ترک‌های آذربایجانی که در حال سپری کردن یک حکم حبس ۱۵ ساله است، تمرکز کردند. بازجویان میثم جولانی را به «اقدام علیه امنیت ملی» متهم می‌کردند.

به گفته‌ی منابع موثقی که از جزئیات بازداشت میثم جولانی اطلاع دارند، او در طول این دوره در سلول کوچکی به سر می‌برد که تهویه هوای مناسب نداشت و چراغ‌های آن در طول شبانه‌روز روشن بوده و موجب آشفته‌گی روانی او می‌شد؛ همچنین، عینک‌اش را از او گرفته بودند و به لحاظ بینایی دچار مشکل جدی شده بود.

در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۸، مادر، پدر، خواهر و برادر میثم جولانی که برای کسب اطلاع درباره دلیل دستگیری او به دفتر دادستانی اردبیل رفته بودند، به مدت چندین ساعت بازداشت شدند. هر چهار عضو خانواده او سپس به همین علت مورد تعقیب کیفری قرار گرفتند و، در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۸، یک دادگاه کیفری در اردبیل مادر و خواهر او را به اتهام «اخلال در نظم عمومی» و «توهین به مسئولان» به پرداخت جریمه نقدی محکوم کرد.

میثم جولانی در خرداد ۱۳۹۹، در کمال تعجب متوجه شد که محاکمه‌اش پیشتر و بدون اطلاع او در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو در اردبیل برگزار شده و در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۹ به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. محاکمه‌ی او به شدت ناعادلانه بوده و، به دلیل قصور مسئولان در اطلاع دادن تاریخ محاکمه به او، به شکل غیابی برگزار شده بود. او متعاقباً درخواست محاکمه مجدد داد و درخواست‌اش مورد موافقت قرار گرفت.

محاکمه مجدد او ۱۰ تیر ۱۳۹۹ در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو در اردبیل برگزار شد. دادگاه مجدداً میثم جولانی را در مورد همان اتهام مجرم شناخت، اما حکم او را به ۱۳ ماه حبس و ۷۵ ضربه شلاق افزایش داد؛ افزایش حکم به اتهام «ارتکاب مکرر جرم» از جانب او و با استناد به قوانینی صورت گرفته بود که به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد در چنین مواردی از حداکثر مجازات مقرر فراتر روند. دادگاه تجدیدنظر او هنوز برگزار نشده است.

میثم جولانی در صورت زندانی شدن، زندانی عقیدتی به شمار می‌رود چرا که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق خود برای برخورداری از آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز زندانی می‌شود.

بنا به تحقیقات عفو بین‌الملل، قضاتی که ریاست دادگاه‌های کیفری و دادگاه‌های انقلاب را بر عهده داشتند برخورد خصومت‌آمیز و نامصفانه‌ای با معترضان در حال محاکمه داشته‌اند، و پایبند نبودن خود به اصل بی‌طرفی را با حمایت آشکار از اتهامات مسئولان اطلاعاتی و امنیتی به نمایش گذاشته‌اند.

بنا به اطلاعات دریافت‌شده از منابع موثق، قضاتی که ریاست محاکمات را بر عهده داشتند مکرراً متهمان و وکلایشان را از حق ارائه‌ی درست دفاعیات‌شان محروم کرده‌اند و اجازه‌ی کامل کردن حرف‌هایشان را به آنان نداده‌اند. تحقیقات عفو بین‌الملل پیوسته نشان داده است که دادگاه‌های انقلاب فاقد استقلال اند و زیر نفوذ و فشار نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار دارند تا متهمان را مجرم شناخته و احکام سنگینی برای آنان صادر کنند.

یک آسیب‌دیده که در یکی از دادگاه‌های انقلاب در استان فارس محاکمه شده، به عفو بین‌الملل گفته است:

«قاضی به حرف‌های وکیل من گوش نمی‌داد. کل ماجرا مثل یک محاکمه نمایشی بود و به نظر می‌رسید قاضی از قبل از تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی [دستور گرفته بود که حتماً حکم حبس صادر کند.»

به علاوه، قضات دادگاه‌ها به اصرار متهمان بر پس گرفتن «اعترافات» که گفته‌اند بر اثر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اخذ شده اعتنا نکرده‌اند، و اجازه داده‌اند که از این اظهارات به عنوان مدارک مقبولی برای مجرم شناختن متهمان استفاده شود؛ این قضات از صدور دستور تحقیق و تفحص در مورد ادعای شکنجه شدن و سایر بدرفتاری‌ها با متهمان امتناع کرده‌اند. وکلا و مدافعان حقوق بشر در ایران بارها در این باره ابراز نگرانی کرده‌اند که کسانی که به عنوان قضات دادگاه‌های انقلاب منصوب می‌شوند اساساً به دلیل گرایش‌های سیاسی، اعتقادات مذهبی و وابستگی به تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی، و نه بر اساس صلاحیت حقوقی و سلامت حرفه‌ای‌شان انتخاب می‌شوند. این قضات اغلب فاقد هرگونه تحصیلات رسمی در رشته‌ی حقوق یا آموزش و تجربه در حوزه‌های حقوقی هستند.

۶.۴ احکام غیر علنی

افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ محکوم و مجازات شده‌اند و اعضای خانواده‌ها و وکلایشان به عفو بین‌الملل گفته‌اند که مسئولان اطلاعاتی و امنیتی همواره به آن‌ها هشدار داده بودند جزئیات پرونده‌ها و احکام‌شان را در اختیار نهادهای خبررسانی و گروه‌های حقوق بشری قرار ندهند. به علاوه، در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها از تحویل دادن نسخه مکتوبی از احکام صادرشده به محکوم‌شدگان خودداری کرده‌اند. بسیاری از بازداشت‌شدگان از طریق مسئولان زندان‌ها از احکام صادرشده باخبر شده‌اند، به شکل شفاهی یا از طریق نامه‌ای که در زندان به دست‌شان رسیده و در آن صرفاً به عناوین اتهامی و حکم صادرشده علیه آنان اشاره شده بود. در برخی موارد، وکلای بازداشت‌شدگان اجازه پیدا کرده‌اند تا احکام صادرشده را در محل دادگاه ملاحظه کرده و از روی آن یادداشت بردارند (به بخش ۶.۱ نگاه کنید)، در حالی که در موارد دیگر، این وکلا از طریق نامه یا سامانه الکترونیکی قوه قضائیه از عناوین اتهامی موکلان‌شان و احکام صادرشده علیه آنان مطلع شده‌اند.

این روال‌ها ناقض تعهدات ایران برای تضمین انتشار علنی احکام در مورد پرونده‌های کیفری است (با استثنائات مشخصی که شامل حال چنین پرونده‌هایی نمی‌شود)؛ ماده (۱) ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران هم از امضاکنندگان آن بوده، این نکته را تصریح می‌کند.

ملتزم شدن به انتشار علنی آرای دادگاه‌ها اقدامی در راستای شفاف‌سازی دستگاه قضایی و قرار دادن آن در معرض ارزیابی‌های انتقادی عمومی است.

نظام عدالت کیفری در ایران از این الزام بین‌المللی حقوق بشری تبعیت نمی‌کند، و هیچ‌گونه مقررات حقوقی روشنی در خصوص انتشار علنی احکام دادگاه‌ها ندارد. ماده ۳۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً مسئولان را موظف می‌کند که نسخه‌ی مکتوبی از رأی دادگاه را در اختیار طرفین بگذارند. با این حال، تبصره‌ی دوم همین ماده این الزام را در مورد «جرایم منافی عفت» و همچنین در «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور» و همچنین «در مواردی که دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکه از آن حرام است» لغو می‌کند. این تبصره مقرر می‌کند که در چنین مواردی، رأی دادگاه باید حضوراً به اطلاع طرفین برسد و طرفین می‌توانند آن را یادداشت کنند.

دسترسی به آرا و احکام دادگاه‌ها از این جهت اهمیت اساسی دارد که به متهمان و عموم مردم اجازه می‌دهد که بدانند چرا یک نفر محکوم یا تبرئه شده است. علاوه بر این، دسترسی داشتن به رأی مستدل دادگاه برای تضمین حق تجدیدنظرخواهی ضرورت دارد، و لازم است که ظرف یک مدت زمان معقول در اختیار تمام طرف‌های درگیر پرونده قرار گیرد.

۵.۶ عدم رسیدگی مؤثر به تجدیدنظرخواهی

بنا به اطلاعاتی که عفو بین‌الملل جمع‌آوری نموده، دادگاه‌های تجدیدنظر درخواست‌های محکوم‌شدگان در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ را به شکل شتاب‌زده و بدون ارائه هیچ دلیل مشروح و قابل اتکایی رد کرده‌اند. این روال ناقض حق متهمان برای برخورداری شدن از فرصت تجدیدنظرخواهی مؤثر در مورد محکومیت و مجازات صادرشده در دادگاه بالاتر است. حق برخورداری از محاکمه عادلانه مستلزم آن است که دادگاه‌ها دلایل رأیی را که صادر کرده‌اند، به ویژه برای جلوگیری از برخوردهای خودسرانه و همچنین برای فراهم آوردن امکان فرجام‌خواهی، اعلام کنند.^{۷۴}

همسو با روالی که عفو بین‌الملل مستندات آن را ثبت و منتشر کرده، احکام صادرشده در ارتباط با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ اغلب بدون برگزاری حتی یک جلسه دادگاه، در مرحله تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفته و بازداشت‌شدگان و وکلای‌شان از این امکان محروم شده‌اند که پس از تسلیم درخواست تجدید نظر، دفاعیات مکتوب خود را برای دادگاه‌های تجدید نظر ارسال کنند. این روال

^{۷۴} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، «تفسیر کلی شماره‌ی ۳۲، ماده‌ی ۱۴: حق برابری در دادگاه‌ها و محکمه‌ها و حق محاکمه‌ی عادلانه»، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۲، بندهای ۲۹ و ۴۹؛ (۱۲۹۴۵/۸۷) *Hadjianastassiou v. Greece*، دادگاه حقوق بشر اروپا (۱۹۹۲)، بند ۳۳. *Apitz Barbera et al v. Venezuela*، دادگاه قاره‌ی آمریکا (۲۰۰۸)، بند ۷۸.

پیرو دستوراتی است که رئیس قوه قضائیه در تیر ۱۳۹۸ صادر کرده و اجازه می‌دهد بازبینی احکام به صورت کتبی و بدون برگزاری نشست حضوری انجام شود. رئیس قوه قضائیه در اردیبهشت ۱۳۹۸، چند ماه پیش از وقوع اعتراضات، گفته بود:

«ما معتقدیم در تحقیقات و رسیدگی‌ها در بخش‌های انتظامی و امنیتی، دادرسی و دادگاه‌ها، همکاران باید به گونه‌ای عمل کنند که گویی تجدید نظری در کار نیست و همین یک مرحله رسیدگی وجود دارد. باید آن قدر دادگاه بدوی دقیق و متقن رأی بدهد که دادگاه تجدید نظر در واقع دادگاه تأیید نظر باشد.»^{۷۵}

به همین منوال، در تیر ۱۳۹۹، رئیس پژوهشگاه قوه قضائیه در اظهاراتی بی‌اعتنایی دستگاه قضایی به حقوق متهمان برای دسترسی به وکیل و امکان فرجام‌خواهی مؤثر را به وضوح به نمایش گذاشته و گفته بود:

«یکی از عوامل کش پیدا کردن رسیدگی به پرونده‌های قضایی وکلا هستند، چون سود وکلا در طولانی شدن روند رسیدگی است. مثلاً وکلا دوست دارند اگر پرونده‌ای بدوی شد، این پرونده برود تجدید نظر، یا برود دیوان عالی؛ با این که خود وکیل هم مطلع هست آخر ماجرا چه خواهد شد.»^{۷۶}

همین خط مشی در نحوه برخورد دادگاه‌های تجدید نظر با پرونده‌های بازداشت‌شدگان در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ پی گرفته شده است. در بسیاری از مواردی که عفو بین‌الملل مستندات آن‌ها را ثبت کرده، بازداشت‌شدگان بعد از تجدید نظرخواهی، به شکل غیرمترقبه و در کمال تعجب، از طریق مسئولان زندان باخبر شده‌اند که محکومیت و مجازات آنان بدون برگزاری هیچ جلسه‌ای در مرحله‌ی تجدید نظر تأیید شده است. رأی دادگاه تجدید نظر نیز به ندرت در اختیار این افراد قرار گرفته است.

^{۷۵} خبرگزاری جمهوری اسلامی، «رئیس قوه قضائیه: اصلاحات روند دادرسی بزودی به نتیجه می‌رسد»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸.
^{۷۶} خبرگزاری فارس، ۴ جولای ۲۰۲۰، https://twitter.com/FarsNews_Agency/status/1279352881053929472

۷. بحران مصونیت از مجازات

«از نیروهای امنیتی و نیروهای انتظامی تشکر می‌کنیم که با پشتوانه‌ی مردم و ولایت، این قائله را مدیریت کردند و فتنه به این بزرگی ۴۸ ساعته خاموش شد.»

محمدحسین مختاری، نماینده رهبر کشور و امام جمعه بیرجند، در استان خراسان جنوبی، ۲۲ آذر ۱۳۹۸.

ایران سال‌هاست که دچار بحرانی عمیق در زمینه مصونیت ناقضان حقوق بشر از مجازات است. مقام‌های ایرانی، به روال سابق، از انجام هرگونه تحقیق و تفحص کامل، مستقل و بی‌طرفانه در مورد رویه‌های نقض گسترده حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و متعاقب آن خودداری کرده و هیچ گامی در راستای حساب‌رسی از مسئولان این اقدامات برنداشته‌اند.

همچون بسیاری از جنایات صورت گرفته در گذشته، دامنه‌های بحران مصونیت از مجازات، این بار هم، از قصور در انجام تحقیقات و پاسخگو کردن مسئولان فراتر رفته است. همزمان با آغاز اعتراضات، مقام‌ها و مسئولان حکومتی کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای به راه انداختند تا چهره‌ای مخوف از معترضان آسیب‌دیده به عنوان «اشرار» ترسیم نمایند و واقعیت‌های نقض شدید حقوق بشر در جریان اعتراضات و متعاقب آن را تحریف و «توجیه» نمایند. به دنبال سرکوب خونین اعتراضات، کارزارهای حکومتی برای تخریب چهره قربانیان، با اظهارات رسمی از سوی مقامات همراه شد که عملاً از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به دلیل خاتمه دادن سریع به ناآرامی‌ها تجلیل می‌کردند.

۷.۱ عدم تحقیق و پاسخگویی

اواسط آذر ۱۳۹۸، حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور، اعلام کرد که کمیته‌ای مرکب از معاون حقوقی رئیس‌جمهور و وزرای کشور و دادگستری را برای «تحقیق در مورد وضعیت کسانی که در حوادث اخیر آسیب دیده‌اند و جدا کردن [پرونده‌های] کسانی که قصد اغتشاش نداشته‌اند از کسانی که ارباب و هراس ایجاد کردند» منصوب کرده است. در عین حال که در اظهارات روحانی دامنه‌ی

^{۷۷} باشگاه خبرنگاران جوان، «خاموشی فتنه‌ی آبان ۹۸، نشانه‌ی اقتدار نظام و مردم»، ۲۲ آذر ۱۳۹۸.

تحقیق و تفحص مشخص نمی‌شود، با توجه به زمینه طرح این اظهارات، به نظر می‌رسد عبارت «آسیب دیدن» اصولاً به کسانی اشاره دارد که در جریان اعتراضات عزیزان‌شان کشته شده‌اند، نه کسانی که دستگیر و بازداشت شده‌اند.

به علاوه، ترکیب اعضای این کمیته مطابق با الزامات بی‌طرفی و استقلالی نیست که قوانین و موازین بین‌المللی مقرر می‌کند، به ویژه با این توجه به این که وزیر کشور ریاست «شورای امنیت ملی» را بر عهده دارد و این تشکیلاتی است که مسئول تصمیم‌گیری و نظارت بر نحوه برخورد نیروهای امنیتی با اعتراضات به شمار می‌آورد.

این کمیته به لحاظ شفافیت و کارآیی نیز مطابق با موازین نیست. مشخص نیست که تحقیقات این کمیته در چه چارچوبی انجام می‌شود و روال‌های تحقیق و تفحص نیز مشخص نشده است. این کمیته نمی‌تواند در معرض ارزیابی انتقادی عموم مردم قرار بگیرد و تضمینی در خصوص حمایت از آسیب‌دیدگان نقض حقوق بشر و اعضای خانواده‌هایشان و مشارکت آنان در تحقیقات نمی‌دهد. تا آن‌جا که عفو بین‌الملل اطلاع دارد، مقام‌های مسئول موظف به انتشار علنی یافته‌ها و نتایج تحقیقات خود، و همچنین انتشار اساس حقوقی و شواهد و مستندات مربوط به آن‌ها، نشده‌اند.

۱۲ خرداد ۱۳۹۹، مجتبی ذوالنور، نماینده مجلس و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در زمان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، اعلام کرد: «هیچ گزارشی نداریم که کسی در بازجویی شکنجه و جان باخته باشد.»^{۷۸} او این ادعا را در جریان اظهاراتی خطاب به رسانه‌ها بعد از برگزاری نشستی در وزارت کشور در مورد شیوع ویروس کرونا مطرح کرده بود. او برای نخستین بار آمار رسمی جان‌باختگان (۲۳۰ نفر) در جریان اعتراضات را اعلام کرده، و در اظهارات خود به طور مشروح به تعداد بانک‌ها، پمپ‌بنزین‌ها و دیگر ساختمان‌های دولتی و خصوصی، و همچنین تعداد خودروها، موتورسیکلت‌ها، و آمبولانس‌هایی اشاره کرده بود که، به گفته‌ی مقام‌ها و مسئولان، در جریان اعتراضات به آتش کشیده شده یا آسیب خورده بودند.

۷.۲ تخریب چهره معترضان

در جریان اعتراضات و متعاقب آن، مقام‌ها و مسئولان اقدام به ساخت و پرداخت روایت‌هایی کردند که ادعا می‌کرد اعتراضات را «عوامل ضدانقلاب» و «دشمنان خارجی» به راه انداخته و هدایت می‌کنند. مقام‌ها و مسئولان اعتراضات را «غیرقانونی» و معترضان را به عنوان «اغتشاشگران» و «اشرار» معرفی می‌کردند، و به مردم هشدار می‌دادند که خودشان را از تجمعات کنار نگه دارند.

در اقدامی هماهنگ شده برای بی‌اعتبار کردن اعتراضات به حق معترضان، مسئولان در اظهارات‌شان معترضان را متهم می‌کردند که به دنبال ایجاد آشوب‌اند و از سوی حرکت‌های «ضدانقلاب»، از جمله سلطنت‌طلبان و «منافقین» هدایت می‌شوند؛ «منافقین» تعبیر تحقیرآمیزی است که مقام‌ها و مسئولان از دهه‌ی ۱۳۶۰ در اشاره به اعضا و حامیان «سازمان مجاهدین خلق ایران» به کار می‌برند،

^{۷۸} خبرگزاری تسنیم، «روایت ذوالنور از آمار جان‌باختگان آبان ماه ۹۸»، ۱۲ خرداد ۱۳۹۹.

سازمانی که از گروه‌های مخالف حکومت و مستقر در خارج کشور است و از براندازی نظام جمهوری اسلامی حمایت می‌کند. مسئولان ایرانی همچنین دولت‌های خارجی را به هدایت کردن اعتراضات متهم می‌کردند.

رهبر جمهوری اسلامی ایران، علی خامنه‌ای، در سخنانی در ۲۶ آبان ۱۳۹۸، معترضان را «اشراری» خواند که به تحریک عوامل «ضدانقلاب» و «دشمنان خارجی» جمهوری اسلامی دست به خشونت می‌زنند. او گفته بود:

«در یک چنین حوادثی معمولاً اشرار، کینه‌ورزان، انسان‌های ناباب وارد میدان می‌شوند ... شما ملاحظه کنید در این دو روز تقریباً یعنی دو شب و یک روزی که از این قضایا گذشته همه‌ی مراکز شرارت دنیا علیه ما این کارها را تشویق کردند، از خانواده منحوس خبیث خاندان پهلوی تا مجموعه خبیث و جنایتکار منافقین، این‌ها دارند مرتباً در فضای مجازی و در جاهای دیگر دارند تشویق می‌کنند، ترغیب می‌کنند که این شرارت‌ها انجام بگیرد.»

او در ادامه به نیروهای امنیتی دستور داده بود تا در برخورد با معترضان «به وظایف خود عمل کنند»، و به این ترتیب عملاً مجوز ادامه دادن به سرکوب‌های بی‌رحمانه را صادر کرده بود.^{۷۹}

در همان روز، دبیر شورای عالی امنیت ملی، علی شمخانی، نیز «عوامل ضدانقلاب» و سازمان مجاهدین خلق را مسئول ناآرامی‌ها معرفی کرده بود. او در ملاقات با نمایندگان مجلس گفته بود: «تعدادی از افراد که اقدام به تحریک مردم در خیابان‌ها می‌کردند، شناسایی شدند. مشخص شد که آنان با سازمان منافقین در ارتباط هستند. آنان برخی از افراد شرور منطقه بودند ... پول گرفتند تا ایجاد آشوب کنند.»^{۸۰}

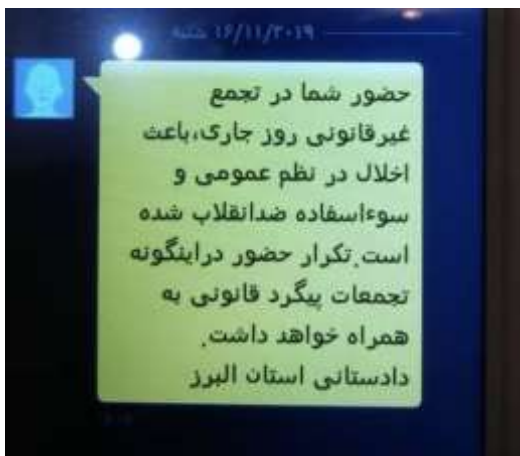
همچنین در همان روز ۲۶ آبان ۱۳۹۸، وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای هشدار داده بود که «لیدرهای اصلی اغتشاش‌ها» شناسایی شده‌اند و «تدابیر مناسب» برای مقابله با معترضان اتخاذ شده است. بلافاصله، در ۲۷ آبان ۱۳۹۸، در حالی که اعتراضات همچنان جریان داشت، رسانه‌های حکومتی به انتشار گزارش‌هایی مبنی بر این پرداختند که بازداشت‌شدگان «اعتراف» کرده‌اند که در استخدام عوامل آموزش‌دیده در داخل و خارج کشور بوده‌اند و با دریافت مبالغی اقدام به آتش زدن مراکز دولتی و عمومی کرده‌اند.^{۸۱}

در جریان اعتراضات و متعاقب آن، مقام‌ها و مسئولان دادستانی در چندین استان پیامک‌های تهدیدکننده‌ی مشابهی به تلفن‌های همراه انبوهی از مردم ارسال کردند، از جمله کسانی که در هیچ‌یک از اعتراضات شرکت نکرده بودند؛ در این پیامک‌ها به افراد هشدار داده شده بود که از حضور در تجمعات اعتراضی خودداری کنند، وگرنه با پی‌گرد قانونی مواجه می‌شوند. مشابهات محتوای این پیامک‌ها از آن حکایت دارد که مقام‌ها و مسئولان استانی بر اساس دستورات سراسری عمل می‌کردند.

^{۷۹} خبرگزاری میزان، «تخریب و آتش زدن کار مردم نیست، کار اشرار است / تصمیم سران قوا باید اجرا شود»، ۲۶ آبان ۱۳۹۸.

^{۸۰} خبرگزاری کار ایران، «برخی معترضان شناسایی شده با سازمان منافقین در ارتباط هستند / پول گرفتند تا آشوب ایجاد کنند»، ۲۶ آذر ۱۳۹۸.

^{۸۱} خبرگزاری دانشجویان ایران، «دستگیری ۱۵۰ لیدر مغل امنیت در استان البرز»، ۲۷ آبان ۱۳۹۸.



تصویر پیامکی که دادستانی استان البرز در ۲۵ آبان ۱۳۹۸ به تلفن‌های همراه فرستاده است.

برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی تصاویر پیامک‌هایی را که دریافت کرده بودند به اشتراک گذاشتند. در یکی از این پیامک‌ها که دادستانی استان البرز در ۲۵ آبان ۱۳۹۸ به تلفن‌های همراه کاربران ارسال کرده، نوشته شده بود: «حضور شما در تجمع غیرقانونی روز جاری باعث اختلال در نظم عمومی و سوءاستفاده ضدانقلاب شده است. تکرار حضور در این‌گونه تجمعات پی‌گرد قانونی به همراه خواهد داشت. دادستانی استان البرز.»

تا هفته‌ها پس از برپایی اعتراضات، سایت‌های خبری وابسته به حکومت و صداوسیما جمهوری اسلامی به پخش ده‌ها ویدئوهای تبلیغاتی اقدام می‌کردند که حاوی اطلاعات خلاف واقع درباره اعتراضات بوده و هدفشان پشتیبانی از روایت رسمی مسئولان و متهم کردن معترضان

به ارتکاب خشونت و خدمت به «دشمنان» جمهوری اسلامی بود. این ویدئوها، علاوه بر نمایش دادن صحنه‌های خشونت‌ورزی برخی از معترضان و «اعترافات» افرادی که مسئولیت انجام این اقدامات را بر عهده گرفته بودند، معترضان مرد و زنی را نشان می‌دادند که رفتارهای مسالمت‌آمیز داشتند و خطاب به جمعیت سخن می‌گفتند، اما در این ویدئوها به عنوان «لیدرهای اغتشاشگران» معرفی و متهم می‌شدند.^{۸۲} در این ویدئوها همچنین افرادی در حال «اعتراف» به اقدامات مسالمت‌آمیزی نظیر شرکت در اعتراضات، فرستادن عکس‌ها و ویدئوهای اعتراضات برای خانواده و دوستان خود یا برای رسانه‌های خارج کشور، و تشویق مردم به شرکت کردن در اعتراضات دیده می‌شدند. این‌گونه ویدئوهای تبلیغاتی گواه دیگری بر آن است که مقام‌ها و مسئولان ایرانی بهره‌گیری مشروع از حقوق بشر را به عنوان «تخلف» و قانون‌شکنی در نظر گرفته و در پی آن بودند که معترضانی را که رفتار مسالمت‌آمیز داشته‌اند به عنوان «اغتشاشگر» معرفی کنند.

سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی سابقه طولانی در همکاری با تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی ایران و تولید و پخش اظهارات اجباری و «اعترافات» دارد که از آسیب‌دیدگان نقض حقوق بشر و خانواده‌های‌شان بر اثر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اخذ شده است؛ این سازمان اظهارات این افراد را در ویدئوهای تبلیغاتی‌ای می‌گنجاند که هدف‌شان تحریف واقعیت نقض حقوق بشر از سوی مقام‌ها و مسئولان و یا «توجیه» چنین اقداماتی است.^{۸۳}

^{۸۲} ده‌ها ویدئوی تبلیغاتی و حاوی «اعترافات» بازداشت‌شدگان در اینترنت قبیل دسترسی است. برای نمونه، نگاه کنید به خبرگزاری میزان، سایت خبری قوه قضائیه، که صفحه‌ای را به بدنام کردن معترضان زن اختصاص داده و «اعترافات» یکی از زنان بازداشت‌شده را منتشر کرده است که چند روز پس از دستگیری او صورت گرفته بود: «اعترافات» فاطمه کاراته" به نقش ضدانقلاب در خرابکاری‌های اخیر»، ۳۰ آبان ۱۳۹۸.

^{۸۳} عفو بین‌الملل، «ایران: پخش رسانه‌ای بی‌عدالتی، افتخار کردن به کشتار گسترده: بررسی پرونده‌ی اعدام ۲۵ سنی‌مذهب در مرداد ۱۳۹۵ در ایران»، ۲۷ آبان ۱۳۹۵ ([Index: MDE ۱۳/۵۰۷۹/۲۰۱۶](https://www.mde.ir/0079/2016)); همچنین نگاه کنید به: جنبش جهانی حقوق بشر و عدالت برای ایران، «دولت اورولی: رسانه‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سلاح سرکوب جمعی»، ۵ تیر ۱۳۹۹.

۷.۳ تجلیل از آمران و عاملان جرایم

مسئولان ارشد کشور عملاً در اظهارات خود از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به دلیل خاتمه دادن سریع به ناآرامی‌ها تجلیل کرده و سرکوبگری‌های بی‌رحمانه آنان را به عنوان «پیروزی قاطع» علیه «توطئه‌ای عمیق، وسیع و بسیار خطرناک» شایسته تقدیر دانسته‌اند.^{۸۴}

۲۹ آبان ۱۳۹۸، علی خامنه‌ای، رهبر کشور، با اشاره به سرکوب معترضان گفته بود:

«کارهای این چند روز کارهای مردمی نبود، امنیتی بود ... ما در عرصه‌ی جنگ نظامی و سیاسی و امنیتی دشمن را عقب زدیم.»^{۸۵}
در روزها و هفته‌های پس از اعتراضات، رسانه‌های حکومتی مملو از اظهارات مسئولان و مطالبی بود که به تجلیل از «اقدامات شجاعانه» نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کشور برای سرکوب اعتراضات می‌پرداختند، اعتراضاتی که مقام‌ها و مسئولان آن را یک «فتنه بزرگ» و یک «جنگ» تمام‌عیار از جانب «دشمنان» جمهوری اسلامی ایران می‌دانستند. اظهارات دیگری نیز در تجلیل از این سرکوبگری به عنوان یک «دستاورد» بزرگ و به منظور تقدیر از «آمادگی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی» مطرح شده بود.^{۸۶}

۴ آذر ۱۳۹۸، حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران، خطاب به نیروهای تحت امر خود گفته بود:

«جنگی که در این روزها در خیابان‌های ما آغاز شد، سناریوی کامل جهانی بود. این جنگ تمام شد. شما دقیق عمل کردید. اسلام سرافزار و ایران عزتمند شد و دشمن از شکوه حضور شما ناامید شد. تیر خلاص به او زده شد.»^{۸۷}

۷ آذر ۱۳۹۸، حسین زحمتکش، نماینده‌ی رهبر در سپاه پاسداران در استان خراسان شمالی، از نیروهای امنیتی به دلیل اقدام مؤثر برای «مدیریت کردن اوضاع» و برقرار کردن «امنیت و آرامش در کشور» تجلیل کرده و گفته بود:

«با وجود تلاش دشمنان و بدخواهان، حضور در صحنه‌ی مردم و متولیان بساط فتنه را جمع کرد... به فضل الهی، توان مدیریت امنیتی کشور ما خیلی بالا بود و متولیان امر توانستند اوضاع را مدیریت کرده و کشور را به امنیت و آرامش برسانند.»^{۸۸}

^{۸۴} نگاه کنید به سخنان علی خامنه‌ای، رهبر کشور، در ملاقات با بسیجیان، در هفته‌ی بسیج، ۶ آذر ۱۳۹۸؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی، «روحانی: ملت اجازه نداد آب به آسیاب دشمن ریخته شود»، ۲۹ آبان ۱۳۹۸.

^{۸۵} خبرگزاری میزان، «ما در عرصه‌ی جنگ نظامی و سیاسی و امنیتی دشمن را عقب زدیم؛ همین کارهای این چند روز کارهای امنیتی بود، مردمی که نبود»، ۳۰ آبان ۱۳۹۸.

^{۸۶} خبرگزاری جمهوری اسلامی، «اغتشاشات اخیر فتنه‌ی برنامه‌ریزی‌شده‌ی دشمنان نظام بود»، ۸ آذر ۱۳۹۸؛ خبرگزاری تسنیم، «پلیس: پایان دادن به اغتشاشات اخیر نمونه‌ای از رشادت‌های بسیجیان است»، ۴ آذر ۱۳۹۸؛ خبرگزاری تسنیم، «معاون نیروی زمینی سپاه: دشمن در اغتشاشات اخیر نیروهای تربیت‌شده را به میدان فرستاد / اشرار حتی به زندگی مردم رحم نکردند»، ۴ آذر ۱۳۹۸؛ خبرگزاری تسنیم، «بررسی اغتشاشات اخیر با حضور مسئولان اطلاعاتی و انتظامی در کمیسیون امنیت مجلس»، ۴ آذر ۱۳۹۸؛ سیاست روز، «آیا فتنه‌ی آبان ماه فاز دوم هم دارد؟»، ۱۶ آذر ۱۳۹۸.

^{۸۷} خبرگزاری جمهوری اسلامی، «سردار سلامی: فتنه‌ی اخیر حاصل شکست‌های دشمن در ۴۰ سال گذشته بود»، ۴ آذر ۱۳۹۸.

^{۸۸} خبرگزاری رسمی حوزه، «هدف دشمنان از آشوب‌های اخیر براندازی نظام و انقلاب بود»، ۷ آذر ۱۳۹۸.

به همین منوال، ۲۲ آذر ۱۳۹۸، محمدحسین مختاری، نماینده‌ی رهبر و امام جمعه بیرجند، در استان خراسان جنوبی، اعلام کرده بود:

«دشمن قصد دارد تا عموم مردم را عصبی کند، اما ملت ما هوشیار بوده و پس از اتفاقات آبان ماه سال جاری و به سرعت بعد از ۴۸ ساعت این فتنه را خاموش کردند... از نیروهای امنیتی و نیروهای انتظامی تشکر می‌کنیم که با پشتوانه مردم و ولایت، این قائله را مدیریت کردند و فتنه‌ی به این بزرگی ۴۸ ساعته خاموش شد.»^{۸۹}

حتی یک نفر از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به اتهام آمریت یا ارتکاب یا مشارکت در جرایمی از قبیل شکنجه و ناپدیدسازی قهری و دیگر موارد نقض شدید حقوق بشر علیه انبوه مردان، زنان، و کودکان بازداشت‌شده در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ و متعاقب آن مورد تحقیق و تعقیب قرار نگرفته است.

عفو بین‌الملل به علاوه از این بابت ابراز نگرانی می‌کند که قضاتی که ریاست محاکمات متهم‌شدگان در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ را بر عهده دارند، با توجه به امتناع مستمرشان از صدور دستور تحقیق و تفحص در مورد ادعای وقوع شکنجه و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر، و همچنین صدور احکام بر اساس «اعترافات» اجباری و بی‌اعتنایی به موارد جدی نقض موازین دادرسی عادلانه، هم‌دستی و مشارکت آشکاری در تحکیم روال مصونیت آمران و عاملان جرایم از مجازات دارند.

^{۸۹} باشگاه خبرنگاران جوان، «خاموشی فتنه‌ی آبان ۹۸، نشانه‌ی اقتدار نظام و مردم»، ۲۲ آذر ۱۳۹۸.

۸. قوانین و موازین بین‌المللی

ایران رسماً به معاهدات بین‌المللی متعددی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده است که اعمال شکنجه، ناپدیدسازی قهری و سلب خودسرانه‌ی آزادی شخصی را ممنوع کرده و از حق برخورداری از محاکمه‌ی عادلانه، آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند.

با این حال، ایران از الحاق رسمی به برخی دیگر از معاهدات مهم و بین‌المللی حقوق بشر خودداری کرده است، معاهداتی که موازین محاکمه عادلانه را تصریح و اصول اساسی حقوق بشر (مانند حق حیات، حق آزادی و ممنوعیت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و همچنین ناپدیدسازی قهری) را مقرر می‌کنند. از جمله آن‌ها «کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی»، «کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری» و «پروتکل دوم اختیاری مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با هدف لغو مجازات اعدام» است.

۸.۱ آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز

حق آزادی عقیده و بیان در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است. کشورها باید رعایت حق آزادی بیان، از جمله حق درخواست، دریافت و انتقال هر نوعی از اطلاعات و افکار، فارغ از مرزها و محدوده‌ها، به شکل شفاهی یا مکتوب یا چاپ‌شده، در قالب هنر یا هر رسانه دیگری به انتخاب خود اشخاص، را ضمانت کنند. این حق همچنین شامل بحث‌های سیاسی، اظهار نظر در مورد مسائل حوزه عمومی، روزنامه‌نگاری، تولیدات فرهنگی و مضامین حقوق بشری می‌شود.^{۹۰} آزادی عقیده و آزادی بیان دو شرط ضروری برای تحقق کامل رشد شخصیت افراد بوده و برای تمام جوامع حیاتی محسوب می‌شوند.^{۹۱} آزادی بیان شرط لازم برای تحقق اصول شفافیت و مسئولیت‌پذیری است، اصولی که برای ترویج و حمایت از حقوق بشر اهمیت اساسی دارند.^{۹۲} آزادی بیان زمینه بهره‌مندی کامل از طیف وسیعی از سایر حقوق انسانی را فراهم می‌کند و دولت‌ها تنها در صورتی می‌توانند به محدود کردن آن اقدام کنند که برای رعایت حقوق دیگران، یا برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی، یا سلامت عمومی و اخلاقیات،

^{۹۰} . کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۴ (ماده‌ی ۱۹: آزادی عقیده و آزادی بیان)، بند ۱۱.

^{۹۱} . کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۴ (ماده‌ی ۱۹: آزادی عقیده و آزادی بیان)، بند ۲.

^{۹۲} . کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۴ (ماده‌ی ۱۹: آزادی عقیده و آزادی بیان)، بند ۳.

ضرورت داشته باشد،^{۹۳} اما در این صورت نیز محدودیت‌های وضع‌شده باید با از معیارهای سخت‌گیرانه ضرورت و تناسب پیروی کنند.^{۹۴}

حقوق مربوط به آزادی شکل و تجمع مسالمت‌آمیز در ماده ۲۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ماده‌های ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است. هیچ محدودیتی نباید برای این حقوق وضع شود، مگر محدودیت‌هایی که قانون تجویز می‌کند و برای حفظ امنیت ملی، یا سلامت عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت یا اخلاقیات عمومی، یا حفاظت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت دارند.^{۹۵}

کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل اعلام تصریح کرده است که بر اساس حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز «افراد محقند تا خود را به شکل جمعی بیان کنند و در شکل‌دهی به جوامع خود مشارکت کنند.» اعمال هرگونه محدودیت در استفاده از این حق غیرمجاز است، مگر در مواردی که در قانون مقرر شده و در متن جامعه‌ای مبتنی بر دموکراسی، حاکمیت قانون، کثرت‌گرایی سیاسی و حقوق بشر در راستای حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از بهداشت یا اخلاق عمومی و یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری و متناسب باشد. کشورهای عضو مجاز نیستند که برای توجیه اعمال محدودیت‌های گسترده بر حق تجمعات مسالمت‌آمیز متوسل به تعاریفی مبهم و موسع از مفاهیم «نظم عمومی» و «امنیت ملی» شوند. بنا به اظهارات کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، ««منافع امنیت ملی» تنها در صورتی می‌تواند به عنوان دلیلی برای اعمال محدودیت به کار گرفته شود که اعمال چنین محدودیت‌هایی برای ظرفیت دولت در حفاظت از موجودیت کشور، تمامیت ارضی آن یا استقلال سیاسی در برابر یک تهدید معتبر یا استفاده از زور ضروری باشد.» این کمیته خاطر نشان می‌سازد که این شرایط صرفاً در مواردی استثنایی تحقق می‌یابد و می‌افزاید: «علاوه بر این، در وضعیت‌هایی که دلیل رو به زوال بودن امنیت ملی سرکوب حقوق بشر است، این موضوع نمی‌تواند برای توجیه اعمال محدودیت‌های بیشتر، از جمله در رابطه با حق برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز استفاده شود.»

ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز به صورت موردی توسط برخی از شرکت‌کنندگان نباید به‌خودی خود به دیگران، برگزارکنندگان یا به تمام تجمع نسبت داده شود.

کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد همچنین تذکر داده است که الزام به احترام به و حفاظت از حق تجمعات مسالمت‌آمیز به این معنی است که کشورهای عضو نباید در ارتباط با تجمعات مسالمت‌آمیز اتصال به اینترنت را قطع کرده یا در آن اختلال ایجاد کنند و باید اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های ارائه‌دهندگان و واسطه‌گرهای خدمات اینترنتی منجر به ایجاد محدودیت‌های ناروا برای تجمعات یا حریم خصوصی شرکت‌کنندگان در آن‌ها نمی‌شود. هرگونه اعمال محدودیت در عملکرد سیستم‌های انتشار اطلاعات باید از استانداردها و موازین حاکم بر اعمال محدودیت بر آزادی بیان پیروی کند.

^{۹۳} . «معاهده‌ی بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده‌ی (۳) ۱۹.

^{۹۴} . کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۴ (ماده‌ی ۱۹: آزادی عقیده و آزادی بیان)، بند ۲۲.

^{۹۵} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده‌ی ۲۱ و ماده‌ی ۲۲.

دولت‌ها موظف و مکلف‌اند که برخورداری و حراست از این حقوق را تضمین کنند،^{۹۶} و این به معنی آن است که باید ضمانت کنند همگان بدون هر تبعیضی از این حقوق برخوردار می‌شوند.^{۹۷} نقض حق تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز می‌تواند مانع از برخورداری اشخاص از سایر حقوق انسانی، از جمله حق حریم خصوصی و حق آزادی عقیده و بیان و همچنین حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شود.

۸.۲ بازداشت خودسرانه

قوانین بین‌المللی حقوق بشر سلب خودسرانه آزادی شخصی، از جمله از طریق دستگیری، بازداشت، یا حبس را ممنوع می‌کند. ماده ۹(۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌کند که «هیچ‌کس نباید در معرض دستگیری یا بازداشت خودسرانه قرار گیرد.» «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» تصریح کرده است که دستگیری یا بازداشت به عنوان مجازات اشخاص به دلیل بهره‌گیری به حق از حقوق تضمین‌شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، از جمله حق آزادی بیان (ماده ۱۹) و تجمع مسالمت‌آمیز (ماده ۲۱) و تشکل (ماده ۲۲)، اقدام خودسرانه به شمار می‌رود.^{۹۸} این کمیته همچنین مقرر کرده است که ناپدیدسازی قهری شکل حاد بازداشت خودسرانه بوده و تهدید شدیدی علیه جان اشخاص به شمار می‌رود،^{۹۹} و حبس کردن اشخاص بر مبنای محاکمه علناً ناعادلانه نیز اقدام خودسرانه محسوب می‌شود.^{۱۰۰}

به همین نحو، «کارگروه سازمان ملل در زمینه بازداشت خودسرانه»، یک تشکیلات تخصصی که توسط «شورای حقوق بشر سازمان ملل» برای تحقیق درباره سلب خودسرانه آزادی شخصی تشکیل شده، موارد متعددی را معرفی کرده است که بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، بازداشت خودسرانه به شمار می‌روند. دو مورد از آن موارد به این شرح است: هنگامی که سلب آزادی شخصی به دلیل بهره‌گیری اشخاص از حقوق یا آزادی‌های خود انجام شده باشد، حقوق یا آزادی‌هایی که در قالب اصول کلیدی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ضمانت شده و از جمله شامل آزادی بیان و تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز می‌شود؛ و هنگامی که بی‌اعتنایی کامل یا نسبی به هنجارهای بین‌المللی در خصوص حق برخورداری از محاکمه عادلانه چنان شدید بوده باشد که سلب آزادی شخصی عملاً اقدامی خودسرانه محسوب شود.

ممنوعیت بازداشت خودسرانه از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است. کشورهای عضو معاهدات بین‌المللی مجاز نیستند که با استناد به حق شرط این قاعده حقوق بین‌الملل عرفی را نقض کنند و باید در همه حال، از جمله در زمان جنگ یا سایر وضعیت‌های اضطراری،

^{۹۶} شورای حقوق بشر سازمان ملل، «گزارش گزارشگر ویژه درباره‌ی تروییج و حفاظت از حق آزادی عقیده و بیان»، ۱۶ می ۲۰۱۱، A/HRC/IV/TV، بند ۶۶.

^{۹۷} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده ۲(۱).

^{۹۸} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۵، ماده‌ی ۹ (آزادی و امنیت شخص)، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۵، بند ۱۷.

^{۹۹} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۶، ماده‌ی ۶ (حق حیات)، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۶، بند ۵۸.

^{۱۰۰} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۵، ماده‌ی ۹ (آزادی و امنیت شخص)، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۵، بند ۱۷.

آن را رعایت نمایند. «کارگروه سازمان ملل در زمینه بازداشت خودسرانه» تصریح کرده است که این ممنوعیت از جمله قواعد آمره در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود.^{۱۰۱}

به علاوه، هرکسی که از آزادی شخصی محروم شده حق دارد قانونی بودن بازداشت خود را در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف به چالش بکشد. این حق حافظ حقوق افراد برای برخورداری از آزادی و امنیت شخصی بوده، و از شخص در برابر نقض حقوق بشر، از جمله شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، بازداشت خودسرانه، و ناپدیدشدگی قهری، محافظت می‌کند. تمام افرادی که به هر دلیل و هر نحوی از انحصار آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند از این حق برخوردارند. این حق در اختیار بازداشت‌شدگان یا نمایندگان آنان بوده و حتی نیست که مقام‌ها و مسئولان اعطا کنند. هنگامی که یک فرد به شکل مخفیانه یا اذعان‌نشده بازداشت شده باشد، به وسیله این حق می‌شود خواهان افشای محل نگهداری و سلامت او و همچنین شناسایی مقام‌های مسئول بازداشت او شد، و اساساً از او در برابر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها حفاظت کرد.

افرادی که در حبس بدون ارتباط با دنیای بیرون یا در حبس انفرادی به سر می‌برند باید از این امکان برخوردار باشند که هم قانونی بودن بازداشت خود و هم حبس شدن‌شان در وضعیت قطع ارتباط با دنیای بیرون یا در سلول انفرادی را در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف به چالش بکشند. نگه داشتن افراد در حبس بدون ارتباط با دنیای بیرون و در وضعیت ناپدیدشدگی قهری و بدون حق به چالش کشیدن قانونی بودن بازداشت‌شان، نه فقط ناقض حق آنان برای برخورداری از آزادی شخصی بوده بلکه ناقض حقوق دیگرشان، از جمله حق به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون است. حق به چالش کشیدن قانونی بودن بازداشت باید همواره، حتی در زمان وضعیت اضطراری، رعایت شود.

کشورها موظف و مکلف‌اند خسارات ناشی از نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر را جبران کنند. این اصل مقرر می‌کند که تمام کسانی که خودسرانه از آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند باید بی‌درنگ و بدون قیدوشرط آزاد شده و از تسهیلات جبرانی مناسب، شامل غرامت، اعاده به وضع سابق، اعاده حیثیت، تأمین رضایت و ضمانت عدم تکرار برخوردار شوند.

۸.۳ ناپدیدسازی قهری

در چارچوب قوانین بین‌المللی، ناپدیدسازی قهری جرمی است که در صورت دستگیری یا بازداشت یا ربوده شدن یک شخص به دست مأموران حکومت یا افرادی که با مجوز یا حمایت یا رضایت آنان عمل می‌کنند، رخ می‌دهد چنانچه که آمران و عاملان متعاقباً از اذعان به این سلب آزادی خودداری کرده یا سرنوشت یا محل نگهداری فرد ناپدیدشده را مخفی نگه دارند و بدین ترتیب فرد را

^{۱۰۱} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۲۴، تبصره‌ی ۸، «مسائل مربوط به ملاحظات مقرر در جریان تصویب قانونی معاهده یا ملحق شدن به آن یا پروتکل‌های اختیاری، یا در رابطه با مصوبات در چارچوب ماده‌ی ۴۱ معاهده»، UN Doc. CCPR/C/TI/Rev.I/Add.6، بند ۸؛ کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۲۹، «وضعیت‌های اضطراری (ماده‌ی ۴)»، UN Doc. CCPR/C/TI/Rev.I/Add.11، بند ۱۱؛ شورای حقوق بشر سازمان ملل، «گزارش کارگروه در زمینه‌ی بازداشت خودسرانه»، توضیح شماره‌ی ۹، UN Doc. A/HRC/TI/۴۴، بندهای ۳۷-۷۵.

خارج از حمایت قانون قرار دهند.^{۱۰۲} ناپدیدسازی قهری قانون شکنی مرکب به شمار می‌رود، چون طیف وسیعی از موارد نقض حقوق بشر را در بر می‌گیرد، از جمله حق حیات (به این دلیل که شخص ممکن است کشته شده باشد یا سرنوشت او نامعلوم باشد)، حق مصون ماندن از شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها، حق برکنار بودن از بازداشت خودسرانه، حق برخورداری از شخصیت حقوقی، حق برخورداری از محاکمه عادلانه و سایر حقوق.

افرادی که از آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند حق دارند که با دنیای بیرون در ارتباط باشند. حق بازداشت‌شدگان برای ارتباط با دنیای بیرون و ملاقات با بستگان‌شان از محافظ‌های اساسی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر، از جمله شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها و ناپدیدشدگی قهری است. «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» تأکید کرده است که کشورها باید ضمانت کنند که حق افراد بازداشت شده و منتظر محاکمه برای دسترسی به اعضای خانواده، وکیل و پزشک در قوانین‌شان تصریح و تثبیت شده است.^{۱۰۳}

هر فردی که دستگیر، بازداشت، یا زندانی شده حق دارد در حبس بودن خود و محل حبس خود را به افرادی در دنیای بیرون اطلاع دهد، یا از مقام‌های مسئول بخواهد در این باره اطلاع‌رسانی کنند. همچنین، در صورت منتقل شدن به یک بازداشتگاه دیگر، حق دارد دیگران را از این جابه‌جایی مطلع کند. «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» تصریح کرده است که قصور عامدانه مقام‌های مسئول در فاش کردن سرنوشت دستگیرشدگان به مدت طولانی عملاً آنان را از حمایت‌های قانونی محروم می‌کند.^{۱۰۴}

در مورد ناپدیدسازی قهری (هنگامی که مقام‌های مسئول از اذعان به بازداشت شخص خودداری کرده یا سرنوشت یا محل نگهداری او را پنهان نگه می‌دارند)، «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» به این نتیجه رسیده است که چنین اقدامی ناقض چندین حق، از جمله حق آزادی شخصی و حق به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون بوده و جان شخص را در معرض خطری جدی و مستمر قرار می‌دهد.^{۱۰۵}

^{۱۰۲} «کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری»، ماده ۲.

^{۱۰۳} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «ملاحظات پایانی: جمهوری آفریقای مرکزی»، UN Doc. CCPR/C/CAF/CO/7، بند ۱۴؛ سوئد، UN Doc. CCPR/C/SWE/CO/1، بند ۱۳.

^{۱۰۴} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، شکایت گریووا از الجزایر، UN Doc. CCPR/C/90/D/1327/7004، بندهای ۷.۸-۷.۹؛ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، شکایت جبرونی از الجزایر، UN Doc. CCPR/C/103/D/1871/7008، بند ۸.۹؛ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره ۱۱، «کارگروه سازمان ملل در زمینه ناپدید قهری یا غیراختیاری» درباره‌ی حق به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون، UN Doc. A/HRC/19/58/Rev.1، بند ۴۲.

^{۱۰۵} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره ۳۶، ماده ۶ (حق حیات)، UN Doc. CCPR/C/GC/36، بند ۵۸.

مادام که سرنوشت یا محل نگهداری شخص روشن نشده باشد، ناپدیدسازی قهری یک جرم جاری و مستمر محسوب می‌شود.^{۱۰۶} اگر سرنوشت یا محل نگهداری قربانی یا جنازه او شناسایی نشده باشد، جرم ناپدیدسازی قهری همچنان در حال ارتکاب به حساب می‌آید.^{۱۰۷}

در برخی شرایط، چنان که ماده (۱) ۷ اساسنامه‌ی رم مقرر کرده، اگر ناپدیدسازی قهری به عنوان بخشی از حملات گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی انجام شود معادل ارتکاب «جنایت علیه بشریت» به شمار می‌رود.^{۱۰۸}

قربانیان ناپدیدسازی قهری منحصر به اشخاص ناپدیدشده نیستند، بلکه «هرکسی که مستقیماً بر اثر ناپدیدسازی قهری آسیب دیده باشد» قربانی این جرم محسوب می‌شود. علاوه بر این، درد و رنجی که مقامات با پنهان کردن سرنوشت و محل نگهداری قربانی ناپدیدسازی قهری به اعضای خانواده‌ی وی تحمیل می‌کنند، به نوبه خود، نوعی شکنجه یا رفتار بی‌رحمانه و غیرانسانی با اعضای خانواده قربانی به شمار می‌رود.

۸.۴ شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تردیلی

ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تردیلی (بدرفتاری) به عنوان یکی از قوانین عرفی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده،^{۱۰۹} و ماده‌ی ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آن را ممنوع می‌کند.

^{۱۰۶} ماده (ب) ۸.۱ «کنوانسیون بین‌المللی برای حفاظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری» مستمر بودن این جرم را به رسمیت می‌شناسد. ماده سه «معاهده قاره‌ی آمریکا در زمینه ناپدیدسازی قهری اشخاص» مقرر می‌کند که تخلف ناپدیدسازی قهری «مادام که سرنوشت یا محل نگهداری قربانی مشخص نشده باشد، جاری یا مستمر شمرده می‌شود.» همچنین، نگاه کنید به: کارگروه سازمان ملل در زمینه‌ی ناپدیدسازی قهری یا غیراختیاری، «تفسیر کلی درباره‌ی ناپدیدسازی قهری به عنوان جرم جاری»؛ دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت ولاسکز رودریگز از هندوراس، بند ۱۵۵؛ دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت تیکونا استرادا از بولیوی، بند ۵۶؛ دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت گارسیا و اعضای خانواده‌اش گوآتمالا، بند ۹۵؛ کمیته ناپدیدسازی‌های قهری، «ملاحظات پایانی در مورد اوروگوئه»، CED/C/URY/CO/1، بند ۱۴؛ کمیته ناپدیدسازی‌های قهری، «ملاحظات پایانی در مورد پاراگوئه»، CED/C/PRY/CO/1، بند ۲۹؛ کمیته مبارزه با شکنجه، «ملاحظات پایانی در مورد السالوادور»، CAT/C/SLV/CO/1، بند ۱۴.

^{۱۰۷} دادگاه قاره آمریکا نظر داده است که، در بررسی موارد ناپدیدسازی قهری، سلب آزادی شخصی را دقیقاً باید به معنی شکل‌گیری مجموعه‌ای از قانون‌شکنی‌ها در نظر گرفت که تا روشن شدن سرنوشت و محل نگهداری فردی که گفته می‌شود قربانی ناپدیدسازی قهری شده استمرار می‌یابد. نگاه کنید به: دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت تیکونا استرادا از بولیوی، بند ۵۶؛ دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت هلیودورو پورتوگال از پاناما، بند ۱۱۲.

^{۱۰۸} «کنوانسیون بین‌المللی برای حفاظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری» و «معاهده قاره‌ی آمریکا در زمینه‌ی ناپدیدسازی قهری اشخاص» هر دو اذعان دارند که ناپدیدسازی‌های قهری می‌توانند موجب جنایت علیه بشریت به شمار روند. همچنین، «دادگاه حقوق بشر قاره‌ی آمریکا» تأکید کرده است که ناپدیدسازی‌ها اگر بخشی از یک اقدام یا روال سازمان‌یافته‌ای باشند که دولت به کار برده یا به آن مجال داده، به معنی ارتکاب «جنایت علیه بشریت» اند. برای مثال، نگاه کنید به: دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت گوئیرو و دیگران از پاراگوئه، بند ۸۲؛ دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا، شکایت تیو توخین از گوآتمالا، بند ۹۱. همچنین نگاه کنید به: «کارگروه سازمان ملل در زمینه ناپدیدسازی قهری یا غیراختیاری، «تفسیر کلی درباره ناپدیدسازی قهری به عنوان جنایت علیه بشریت».

^{۱۰۹} برای مثال، نگاه کنید به: دیوان بین‌المللی دادگستری: «مسائل مربوط به الزام تعقیب کیفری یا استرداد (شکایت بلژیک از سنگال)»، حکم ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲، بند ۹۹؛ پرونده مربوط به احمدو سادیو دیالو (شکایت جمهوری گینه از جمهوری دموکراتیک کنگو)، حکم ۳۰ نوامبر ۲۰۱۰، بند ۸۷؛ قطع‌نامه‌ی ۱۶۶/۱۵۰ اجلاس عمومی سازمان ملل، بند مقدماتی سوم؛ دادستان در برابر فوروندزیجا، ICTY (IT-90-1/1)، حکم محاکمه (۱۹۹۸)، بندهای ۱۴۶-۱۳۷.

شکنجه به معنی هرگونه عملی است که به آن وسیله درد یا رنج، چه جسمی و چه روانی، به صورت عامدانه و بنا به اهدافی از این قبیل بر یک نفر تحمیل شود: مجازات کردن او به دلیل عملی که مرتکب شده یا به ارتکاب آن متهم شده، یا مرعوب کردن خود فرد یا شخص دیگری، یا به هر دلیلی که مبتنی بر هر شکلی از تبعیض گذاری باشد.^{۱۱۰}

عفو بین الملل با اجرای مجازات اعدام در تمامی موارد مخالف است و آن را به معنی نقض ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی می‌داند.

ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین اعلام می‌کند که با تمام اشخاصی که از آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند باید «به شکل انسانی و با رعایت کرامت انسانی‌شان» رفتار شود. قصور در انجام این کار می‌تواند معادل رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی باشد.

در چارچوب قوانین و موازین بین‌المللی، تمام انواع حبس انفرادی طولانی مدت، که به معنی حبس انفرادی به مدت بیش از ۱۵ روز متوالی بوده، معادل رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی به شمار می‌روند. همچنین، در موازین بین‌المللی، «مقررات زندان‌ها در زمینه‌ی حبس انفرادی» و «شرایط حبس» دو عامل اصلی در تعیین این نکته به شمار می‌روند که آیا حبس انفرادی معادل شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها بوده است یا نه.^{۱۱۱} «قوانین نلسون ماندلا» مقرر می‌کند که «تحت هیچ شرایطی، محدودیت‌ها یا اقدامات تنبیهی نباید معادل شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی باشند»، و بر ممنوعیت حبس انفرادی نامحدود و حبس انفرادی طولانی مدت نیز صحنه می‌گذارد.^{۱۱۲}

در چارچوب قوانین بین‌المللی حقوق بشر، مجازات‌های بدنی، از جمله شلاق، مطلقاً ممنوع است و نوعی از شکنجه یا سایر مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی به شمار می‌رود. مجازات بدنی را نمی‌توان به عنوان یک اقدام انضباطی و تأدیبی به کار برد.

در چارچوب قوانین بین‌المللی حقوق بشر، تجاوز جنسی از جانب مأموران در تمام موارد به معنی اعمال شکنجه است.

کودکان و نوجوانانی که در بازداشتگاه‌ها در کنار بزرگسالان حبس می‌شوند به ویژه در خطر تجاوز و خشونت جنسی قرار می‌گیرند. بنابراین، برای حفاظت از کودکان و نوجوانان محبوس شده در مقابل تعرض و آزار جنسی، باید اقدامات حفاظتی بین‌المللی را رعایت کرده و آنان را در محیطی جدا از بزرگسالان نگهداری کرد.

^{۱۱۰} مجمع عمومی سازمان ملل، «قطع‌نامه حفاظت از تمامی اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا ترذیلی»، ۹ دسامبر ۱۹۷۵، UN Doc. A/RES/۳۰/۳۴۵۲، ماده ۱(۱).

^{۱۱۱} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره ۲۰، UN Doc. A/۴۷/۴۰، annex VI.A، ماده ۷ (ممنوعیت شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا ترذیلی)، ۱۰ مارس ۱۹۹۲.

^{۱۱۲} «مقررات حداقلی سازمان ملل در مورد رفتار با زندانیان (قوانین نلسون ماندلا)»، اصل ۴۳.

اظهاراتی که بر اثر شکنجه، بدرفتاری، یا سایر شیوه‌های اجبار و اعمال فشار اخذ شده باشد نباید به عنوان شواهد و مدارک در دادرسی‌های کیفری مورد استناد قرار گیرد، مگر در مواردی که به عنوان اسنادی علیه متهمان به ارتکاب شکنجه ارائه می‌شود. قوانین بازدارنده جزء تفکیک‌ناپذیری از ممنوعیت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها است. و همچنین ملازم حقوق متهمان است: این حق که به زور وادار به شهادت دادن علیه خود یا اعتراف به مجرمیت خود نشوند و این حق که ساکت بمانند. رعایت این حقوق ایجاب می‌کند که دادرسی پرونده بدون اتکا به شواهد اخذ شده بر اثر شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها یا اعمال زور و فشار انجام شود.^{۱۱۳} این قوانین در همه حال و از جمله در دوره‌های وضعیت اضطراری، برقرار می‌ماند چون ممنوعیت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها یک حق سلب‌ناشدنی در چارچوب قوانین حقوق بشری و از قوانین عرفی حقوق بین‌الملل است.

به افرادی که مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند باید غرامت‌های مؤثر و قابل دسترس پرداخت شود. به ویژه، دولت‌ها باید اتهامات مطرح در این باره را فوراً به شکل بی‌طرفانه و مستقل و کامل مورد تحقیق و تفحص قرار گیرد و آسیب‌دیدگان به غرامت‌های مؤثر و مناسب و مکفی دسترسی پیدا کنند، و متهمان به ارتکاب شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در دادگاه‌های عادلانه محاکمه شوند. شخصی که مورد شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته، فارغ از آن که عاملان این اقدامات شناسایی و محاکمه شده باشند یا نشده باشند، حق دارد که از تسهیلات جبرانی بهره‌مند شود. این اقدامات باید شامل پرداخت غرامت، اعاده حیثیت، از جمله از طریق مراقبت‌های درمانی و روانی و خدمات اجتماعی و حقوقی، جلب رضایت و تضمین عدم تکرار باشد. پرداخت غرامت از طرف دولت باید به گونه‌ای باشد که خسارت‌های قربانی به شکل مناسب و مکفی جبران شود؛ تسهیلات جبرانی باید متناسب با حقوق تضییع شده آسیب‌دیدگان باشد.

۸.۵ محاکمه‌های ناعادلانه

حق برخورداری از محاکمه عادلانه در ماده‌ی ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این حق به عنوان بخشی از قوانین عرفی حقوق بین‌الملل بر تمام کشورها الزام‌آور است و اصول آن در ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تشریح شده است. اگرچه تمام حقوق مربوط به محاکمه عادلانه از حقوق سلب‌ناشدنی نیستند، «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» تصریح کرده است که شمار چشمگیری از ضمانت‌های اجرایی برای برگزاری محاکمه عادلانه در همه حال، از جمله در دوره‌های وضعیت اضطراری و درگیری مسلحانه، باید برقرار باشند.^{۱۱۴}

حق برخورداری از محاکمه عادلانه موجب ضمانت‌های حداقلی است که همه دستگاه‌های قضایی باید آن‌ها را به منظور کسب اطمینان از رعایت قانون‌مداری و رعایت حق برخورداری از روال دادرسی عادلانه تأمین کنند. این روال دادرسی شامل تمام مراحل تحقیق و

^{۱۱۳} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره ۳۲، بندهای ۶، ۴۱، ۶۰؛ شکایت کاربررا-گارسیا و مونتیل فلورس از مکزیک، دادگاه قاره آمریکا (۲۰۱۰)، بند ۱۶۵؛

شکایت گافگن از آلمان (۲۲۹۷۸/۰۵)، دیوان عالی اروپا (۲۰۱۰)، بندهای ۱۶۸-۱۶۵؛ شکایت عثمان از بریتانیا (۸۱۳۹/۰۹)، دادگاه اروپا (۲۰۱۲)، بندهای ۲۶۷-۲۶۴.

^{۱۱۴} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره ۲۹ (وضعیت اضطراری)، UN Doc. CCPR/C/TI/Rev.I/Add.II، (بند ۱۱؛ کمیته حقوق بشر سازمان

ملل، تفسیر کلی، شماره ۳۲ (حق برابر بودن در دادگاه و محکمه‌ها و حق برخوردار بودن از محاکمه عادلانه)، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۲، بند ۶.

تفحص، دستگیری و بازداشت، و کل ضوابط حاکم بر دوره پیش از محاکمه، محاکمه، تجدید نظر، صدور حکم و اجرای مجازات می‌شود. موازین بین‌المللی محاکمه عادلانه به اجماع جامعه جهانی در خصوص معیارهایی منجر می‌شود که برای ارزیابی نحوه برخورد دولت‌ها با مظنونان، متهمان، و مرتکبان جرایم - از جرایم بسیار سنگین تا جرایم بسیار سبک - به کار می‌روند.

حق محاکمه عادلانه ضمانت می‌کند که با تمام اشخاص در دادگاه‌ها به شکل برابر رفتار شود. در مورد اعلام جرم کیفری علیه متهمان، این افراد حق دارند در محکمه صالح، مستقل، و بی‌طرفی که به موجب قانون تشکیل شده به شکل عادلانه و علنی مورد محاکمه حضوری قرار گیرند. رأی و حکم دادگاه در مورد پرونده‌های کیفری باید به شکل علنی منتشر شود، مگر در موارد مشخصی که به کودکان و اختلافات زناشویی مربوط می‌شود.^{۱۱۵}

هرکسی که به جرم کیفری متهم شده حق دارد در شمول «اصل برائت» قرار گیرد، تا وقتی که بنا به قانون مجرم شناخته شود و هرکسی حق دارد از برخی ضمانت‌های حداقلی برخوردار باشد، از جمله: ماهیت و دلیل ایراد اتهام فوراً به او اطلاع داده شود؛ بدون تأخیر ناموجه مورد محاکمه قرار گیرد؛ وادار به شهادت دادن علیه خود یا اعتراف کردن به مجرمیت خود نشود؛ حضوراً محاکمه شود و شخصاً یا از طریق وکیل منتخب‌اش از خود دفاع کند؛ و حق داشته باشد که محکومیت و حکم صادرشده برای او در دادگاه بالاتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

هرکسی که از آزادی شخصی خود محروم شده یا با اتهام کیفری احتمالی مواجه شده حق دارد از همیاری وکیل منتخب‌اش بهره بگیرد، تا وکیل‌اش به حفاظت از حقوق او پردازد و او را در دفاعیات خود یاری کند. اگر شخصی که دستگیر، متهم، یا بازداشت شده وکیل منتخب خود را نداشته باشد، حق دارد که هرگاه روال دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند، وکیلی برای او منصوب شود. اگر این شخص توان پرداخت هزینه را نداشته باشد، باید به طور رایگان مشاور حقوقی برای او منصوب کرد.^{۱۱۶} بازداشت‌شدگان باید از بدو دستگیری و در طول مرحله‌ی بازجویی به وکیل دسترسی داشته باشند.^{۱۱۷}

افراد باید از مهلت و امکانات کافی برای ارتباط با وکیل خود، به شکل خصوصی و محرمانه، برخوردار باشند؛ این وجه بسیار مهمی از اصل «برابری دو طرف» است که ایجاب می‌کند با دادستانی و متهم به یک شیوه برخورد شود و تضمین می‌کند که هر دو طرف از فرصت برابر برای آماده کردن و ارائه ادله خود برخوردار باشند.^{۱۱۸} این حق در تمام مراحل دادرسی، شامل دوره پیش از محاکمه، دوره محاکمه، و دوره تجدید نظر برقرار می‌ماند. این حق در صورتی مؤثر خواهد بود که فرد بازداشت شده اجازه داشته باشد با وکیل

^{۱۱۵} «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده‌ی (۱)، ۱۴.

^{۱۱۶} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۲، ماده‌ی ۱۴، «حق برابر بودن در دادگاه و محکمه‌ها و حق برخوردار بودن از محاکمه‌ی عادلانه»، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۳، بند ۱۰.

^{۱۱۷} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، «ملاحظات پایانی»، گرجستان، UN Doc. CCPR/C/V۹/Add.V۵، بند ۲۷؛ هلند، UN Doc. CCPR/C/NLD/CO/۴، بند ۱۱.

^{۱۱۸} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۲، ماده‌ی ۱۴، «حق برابر بودن در دادگاه و محکمه‌ها و حق برخوردار بودن از محاکمه‌ی عادلانه»، UN Doc. CCPR/C/GC/۳۳، بند ۳۲.

خود به شکل خصوصی و محرمانه ملاقات کند و وکیل او اجازه داشته باشد بدون محدودیت و فارغ از اعمال نفوذ و فشار یا مداخلات ناموجه مشاوره‌ی حقوقی بدهد و نمایندگی فرد بازداشت شده را بر عهده بگیرد.

۸.۶ حق حقیقت‌یابی

آسیب‌دیدگان و خانواده‌های‌شان، و همچنین دیگر اعضای جامعه، حق دارند که از حقایق مربوط به موارد نقض حقوق بشر مطلع شوند.^{۱۱۹}

بنا به اصل بیست و چهارم از «اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق دادخواهی و جبران خسارت برای قربانیان موارد نقض فاحش قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه بین‌المللی» (اصول اساسی)، «قربانیان و نمایندگان آنان باید از این حق برخوردار شوند که به دنبال کسب اطلاعات مربوط به شرایطی باشند که به قربانی شدن آنان منجر شده و همچنین اطلاعات مربوط به دلایل و شرایطی که موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه بین‌المللی را موجب شده‌اند و همچنین از این حق برخوردار شوند که از حقایق مربوط به این موارد نقض حقوق بشر مطلع شوند.»^{۱۲۰}

حق حقیقت‌یابی هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. «کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر» اذعان می‌کند که «حق کشف حقیقت یک حق جمعی است که دسترسی جامعه به اطلاعات ضروری برای کارکرد نظام‌های دموکراتیک را تضمین می‌کند؛ و این حق یک حق شخصی برای بستگان قربانیان نیز هست، تا به این وسیله به نوعی در مورد آنان جبران خسارت شود.»^{۱۲۱} حق حقیقت‌یابی، هم در سطح فردی و در سطح اجتماعی، یک حق سلب‌ناشدنی و فسخ‌ناشدنی است که استقلال خاص خود را دارد و نباید محدود شود.^{۱۲۲}

در خصوص این که دولت‌ها چگونه باید برای محقق کردن حق حقیقت‌یابی به وظایف‌شان عمل کنند، اصل پنجم از «مجموعه اصول مقابله با مصونیت از مجازات» اذعان می‌کند که «برای تأمین حق دانستن، دولت‌ها باید به اقدامات مقتضی، از جمله اتخاذ تدابیر لازم برای تضمین عملکرد مستقل و مؤثر دستگاه قضایی، مبادرت ورزند. تدابیر لازم برای تضمین این حق همچنین می‌تواند دربرگیرنده فرایندهای غیرقضایی باشد که مکمل نقش دستگاه قضایی هستند. کشورهایی که شاهد ارتکاب جرایم شنیع در ابعاد گسترده یا سازمان‌یافته بوده‌اند چه بسا بیش از کشورهای دیگر از بابت تشکیل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب یا سایر کمیسیون‌های تحقیق برای کشف حقایق مربوط به آن قانون‌شکنی‌ها بهره‌مند شوند، به گونه‌ای که امکان تعیین و تشخیص حقیقت مهیا شده و از نابودی شواهد و مدارک جلوگیری به عمل آید.»

^{۱۱۹} دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، پژوهشی درباره‌ی حق حقیقت‌یابی، ۸ فوریه‌ی ۲۰۰۶، UN Doc. E/CN.4/2006/91.

^{۱۲۰} مجمع عمومی سازمان ملل، اصول اساسی و رهنمودهایی درباره‌ی حق دریافت غرامت و جبران خسارت برای اشخاصی که قربانی موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی شده‌اند، ۲۱ مارس ۲۰۰۶، UN Doc. A/RES/۱۰/۱۴V، اصل ۲۴.

^{۱۲۱} کمیسیون حقوق بشر قاره‌ی آمریکا، گزارش شماره‌ی ۱۳۶/۹۹، پرونده‌ی ۱۰.۴۸۸، شکایت ایگناسیو الاکوریا و دیگران (السالوادور)، ۲۲ دسامبر ۱۹۹۹، بند ۲۲۴.

^{۱۲۲} دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، پژوهشی درباره‌ی حق حقیقت‌یابی، ۸ فوریه‌ی ۲۰۰۶، UN Doc. E/CN.4/2006/91، بند سی‌وهشتم و جمع‌بندی.

۸.۷ حق عدالت خواهی

بند دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کشورها را ملزم می‌کند که تحقیقات فوری، سرتاسری، مؤثر، مستقل و بی‌طرفانه‌ای درباره ادعاهای مربوط به نقض این حقوق به عمل آورده و عدالت را در مورد مسئولان این جرایم، از جمله شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی و ناپدیدسازی قهری به اجرا بگذارند.^{۱۲۳} موازین بین‌المللی بر این نکته صحنه می‌گذارد که تضمین حق عدالت خواهی آسیب‌دیدگان از مؤلفه‌های ضروری در شرح وظایف دولت‌ها برای فراهم آوردن تسهیلات جبرانی مؤثر است.^{۱۲۴}

تحقیقات مؤثر در این زمینه باید موجبات جلب توجه مقتضی به حقوق و نیازهای آسیب‌دیدگان را فراهم کند.^{۱۲۵} حقوق آسیب‌دیدگان شامل موارد زیر می‌شود:

- ثبت شکایت و تشکیل پرونده
- باخبر شدن از روند پیشرفت تحقیقات
- مشخص کردن و بازپرسی از شاهدان
- برخوردار شدن از حمایت حقوقی و روانی
- باخبر شدن از نتیجه تحقیقات
- محفوظ ماندن حریم خصوصی
- محفوظ ماندن از تهدید و اذیت و آزار
- دریافت غرامت کامل

نتایج تحقیقات همچنین باید به شکل شفاف و علنی در اختیار خانواده‌های آسیب‌دیدگان و افکار عمومی قرار گیرد.^{۱۲۶}

بند دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌های عضو معاهده را ملزم می‌کند که هرگاه تحقیقات انجام شده به افشای مواردی از نقض حقوق مصرح در میثاق منجر شود، عدالت را درباره مسئولان و مسببان این تخلفات به اجرا بگذارند. «کمیته حقوق

^{۱۲۳} کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۱، درباره‌ی «ماهیت تکالیف حقوقی عمومی که بر عهده‌ی دولت‌های امضاکننده‌ی معاهده گذاشته شده است»، ۲۶ می ۲۰۰۴، UN Doc. CCPR/C/TI/Rev.1/Add.13، بند ۱۸.

^{۱۲۴} مجمع عمومی سازمان ملل، اصول اساسی و رهنمودهایی درباره‌ی حق دریافت غرامت و جبران خسارت برای اشخاصی که قربانی موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی شده‌اند، ۲۱ مارس ۲۰۰۶، UN Doc. A/RES/۶۰/۱۴۷، اصل ۱۲؛ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مجموعه اصولی برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت از مجازات (نسخه‌ی به‌روزشده)، ۸ فوریه‌ی ۲۰۰۵، UN Doc. E/CN.۴/T.۲۰۰۵/۱۰۲/Add.۱، اصل ۳۲؛ مجمع عمومی سازمان ملل، قطع‌نامه‌ی اصول اساسی برای تحقق عدالت درباره‌ی قربانیان جرایم ناشی از سوءاستفاده از قدرت، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، A/RES/۴۰/۳۴، اصل ۵.

^{۱۲۵} مجمع عمومی سازمان ملل، قطع‌نامه‌ی اصول اساسی برای تحقق عدالت درباره‌ی قربانیان جرایم ناشی از سوءاستفاده از قدرت، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، A/RES/۴۰/۳۴.

^{۱۲۶} دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، پروتکل مینه‌سوتا درباره‌ی تحقیق و تفحص در مورد مرگ افرادی که احتمالاً به شکل غیرقانونی کشته شده‌اند، بند ۳۲.

بشر سازمان ملل» نیز تأکید دارد که «این وظایف در رابطه با آن دسته از موارد نقض حقوق بشر که در چارچوب قوانین داخلی یا بین‌المللی جرم محسوب می‌شوند (مانند شکنجه و سایر برخوردهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترحیبی؛ اعدام‌های شتابزده، خودسرانه و فراقضایی و ناپدیدسازی‌های قهری) مورد توجه ویژه قرار گیرند.»^{۱۲۷} به علاوه، همه کشورها در چارچوب قوانین بین‌المللی موظف‌اند که جرایمی را که نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شوند (از جمله ناپدیدسازی قهری^{۱۲۸} و شکنجه^{۱۲۹}) مورد تحقیق و تفحص قرار داده و در صورت وجود شواهد مکفی، مجرمان را مورد محاکمه قضایی قرار دهند.

این محاکمه‌ها باید به دنبال آن باشند که، در صورت وجود شواهد مکفی و مقبول، عدالت را در مورد تمام مسئولان و مسببان چنین جرایمی اجرا کنند.^{۱۳۰} این عده شامل این افراد نیز می‌شود: مقامات ارشدی که ارتکاب چنین جرایمی را دستور داده‌اند، به اجرای این جرایم کمک کرده‌اند، ارتکاب این جرایم را مورد تشویق قرار داده‌اند و یا به هر نحو دیگری شریک جرم بوده‌اند و همچنین مقامات ارشدی که می‌دانسته‌اند یا باید می‌دانسته‌اند که مأموران تحت امرشان مرتکب چنین جرایمی شده‌اند و یا درصدد ارتکاب این جرایم‌اند اما، در حوزه اختیارات خود، تدابیر مناسب و لازم برای پیشگیری از وقوع این جرایم یا متوقف کردن و یا مجازات کردن مرتکبان آن‌ها را اتخاذ نکرده‌اند.^{۱۳۱}

استناد به دستور مقام‌های ارشد^{۱۳۲} به عنوان دفاعی برای ارتکاب این‌گونه جرایم نابه‌جا است و نباید مد نظر قرار گیرد.

علاوه بر احقاق حقوق آسیب‌دیدگان برای دریافت تسهیلات جبرانی مؤثر، موفقیت کشورها در برقرار کردن قانون‌مداری و حفظ حقوق افراد به شدت به اجرای عدالت در مورد مرتکبان چنین جرایمی بستگی دارد.

^{۱۲۷} کمیته حقوق بشر، «تفسیر کلی، شماره ۳۱، درباره‌ی ماهیت وظایف قانونی کلی که بر عهده‌ی کشورهای عضو معاهده گذاشته شده است»، ۲۶ می ۲۰۰۴، UN Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.13، پاراگراف ۱۸.

^{۱۲۸} برای مثال، نگاه کنید به: مجمع عمومی سازمان ملل، «قطع‌نامه‌ی محافظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری»، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، UN Doc. A/RES/۴۷/۱۳۳، ماده‌ی ۱۳ و ماده‌ی ۱۴.

^{۱۲۹} برای مثال، نگاه کنید به: مجمع عمومی سازمان ملل، «قطع‌نامه‌ی محافظت از تمامی اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا ترحیبی»، ۹ دسامبر ۱۹۷۵، UN Doc. A/RES/۳۰/۳۴۵۲، ماده‌ی ۹ و ماده‌ی ۱۰.

^{۱۳۰} مجمع عمومی سازمان ملل، اصول اساسی و رهنمودهایی درباره‌ی حق دریافت غرامت و جبران خسارت برای اشخاصی که قربانی موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی شده‌اند، ۲۱ مارس ۲۰۰۶، UN Doc. A/RES/۶۰/۱۴۷، اصل ۴.

^{۱۳۱} کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مجموعه اصولی برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت از مجازات (نسخه‌ی به‌روزشده)، ۸ فوریه‌ی ۲۰۰۵، UN Doc. E/CN.۴/۲۰۰۵/۱۰۲/Add.۱، اصل ۲۷(ب).

^{۱۳۲} برای مثال، نگاه کنید به: مجموعه اصول روزآمدشده برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت، اصل بیست‌وهفتم (الف)، قابل دسترس در: undocs.org/E/CN.4/2005/102/Add.1

۸.۸ حق برخورداری از تسهیلات جبرانی

آسیب‌دیدگان موارد نقض حقوق بشر حق دارند که برای ترمیم آسیب‌هایی که دیده‌اند تسهیلات جبرانی کامل و مؤثر دریافت کنند؛ احقاق این حق متضمن اتخاذ تدابیری برای پرداخت غرامت، اعاده حیثیت، توانبخشی و تأمین رضایت است.^{۱۳۳}

تدابیر لازم برای توانبخشی باید شامل مراقبت‌های پزشکی و روانی و همچنین خدمات حقوقی و اجتماعی به منظور ترمیم آسیب‌های جسمی و ذهنی باشد که آسیب‌دیدگان متحمل شده‌اند.^{۱۳۴}

تدابیر لازم برای تأمین رضایت آسیب‌دیدگان باید، بنا به اقتضا، شامل برخی از موارد زیر یا تمامی آن‌ها باشند:

- تدابیر مؤثر به منظور خاتمه دادن به مواردی از نقض حقوق بشر که همچنان ادامه دارند؛
- کشف و تصدیق واقعیات و افشای کامل و علنی حقایق، تا جایی که این‌گونه افشای حقایق زبان بیشتری به آسیب‌دیدگان نرساند و امنیت و منافع آنان را با خطرات بیشتری مواجه نسازد و این نکته همچنین شامل حال بستگان آسیب‌دیدگان، شاهدان و یا اشخاص دیگری می‌شود که برای کمک به آسیب‌دیدگان یا جلوگیری از استمرار این قانون‌شکنی‌ها و موارد نقض حقوق بشر مداخله کرده‌اند؛
- صدور اعلامیه دولتی یا حکم قضایی برای اعاده حیثیت، شهرت و حقوق آسیب‌دیدگان و اشخاصی که از نزدیکان آسیب‌دیدگان بوده‌اند؛
- عذرخواهی رسمی، شامل اذعان به واقعیت و حقیقت امر و قبول مسئولیت؛
- اعمال مجازات‌های کیفری و اداری علیه اشخاصی که مسئول قانون‌شکنی‌ها و موارد نقض حقوق بشر شناخته شده‌اند.
- برای مجازات اشخاصی که مسئول قانون‌شکنی‌ها و موارد نقض حقوق بشر شناخته شده‌اند؛
- و بزرگداشت یاد قربانیان و ادای احترام به آنان.

^{۱۳۳} برای مثال، نگاه کنید به: مجمع عمومی سازمان ملل، قطع‌نامه‌ی اصول اساسی برای تحقق عدالت درباره‌ی قربانیان جرایم ناشی از سوءاستفاده از قدرت، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، A/RES/۴۰/۳۴، اصول ۸ تا ۱۷؛ کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر کلی، شماره‌ی ۳۱، درباره‌ی «ماهیت تکالیف حقوقی عمومی که بر عهده‌ی دولت‌های امضاکننده‌ی معاهده گذاشته شده است»، ۲۶ می ۲۰۰۴، UN Doc. CCPR/C/TI/Rev.1/Add.13، بند ۱۶؛ مجمع عمومی سازمان ملل، اصول اساسی و رهنمودهایی درباره‌ی حق دریافت غرامت و جبران خسارت برای اشخاصی که قربانی موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی شده‌اند، ۲۱ مارس ۲۰۰۶، UN Doc. A/RES/۶۰/۱۴۷، اصول ۱۸ تا ۲۳؛ کمیسیون حقوق بشر، مجموعه اصولی برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت از مجازات (نسخه‌ی به‌روزرشده)، ۸ فوریه‌ی ۲۰۰۵، UN Doc. E/CN.۴/T.۰۰۵/۱۰۲/Add.1، اصل ۳۱.

^{۱۳۴} مجمع عمومی سازمان ملل، اصول اساسی و رهنمودهایی درباره‌ی حق دریافت غرامت و جبران خسارت برای اشخاصی که قربانی موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی شده‌اند، ۲۱ مارس ۲۰۰۶، UN Doc. A/RES/۶۰/۱۴۷، اصل ۲۱.

مقام‌های مسئول باید، برای تعیین و تدوین این تدابیر، با آسیب‌دیدگان و نمایندگان آنان مشورت کنند، تا آسیب‌های واردآمده را به طور کامل برآورد کرده و مناسب‌ترین و مؤثرترین تدابیر برای رسیدگی به آن‌ها را شناسایی کنند.^{۱۳۵} در سرتاسر این روند باید با آسیب‌دیدگان برخورد انسانی کرد و عزت نفس و حقوق انسانی آنان باید رعایت شود.^{۱۳۶}

تسهیلات جبرانی می‌تواند از طریق سازوکارهای دستگاه‌های قضایی و اجرایی در اختیار آسیب‌دیدگان قرار گیرد.^{۱۳۷} در صورتی که نقض حقوق بشر در ابعاد گسترده انجام شده باشد، دولت باید یک برنامه‌ی سراسریِ دسترس‌پذیر و مؤثر برای جبران خسارت مدون کند.

^{۱۳۵} برای مثال، نگاه کنید به: کمیسیون حقوق بشر، مجموعه اصولی برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت از مجازات (نسخه‌ی به‌روزشده)، ۸ فوریه ۲۰۰۵، UN Doc. E/CN.۴/T.۲۰۰۵/۱۰۲/Add.۱، اصل ۳۱.

^{۱۳۶} برای مثال، نگاه کنید به: مجمع عمومی سازمان ملل، قطع‌نامه اصول اساسی برای تحقق عدالت درباره‌ی قربانیان جرایم ناشی از سوءاستفاده از قدرت، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، A/RES/۴۰/۳۴، اصل ۴؛ مجمع عمومی سازمان ملل، اصول اساسی و رهنمودهایی درباره‌ی حق دریافت غرامت و جبران خسارت برای اشخاصی که قربانی موارد نقض شدید قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بشردوستانه‌ی بین‌المللی شده‌اند، ۲۱ مارس ۲۰۰۶، UN Doc. A/RES/۶۰/۱۴۷، اصل ۱۰.

^{۱۳۷} برای مثال، نگاه کنید به: کمیسیون حقوق بشر، مجموعه اصولی برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت از مجازات (نسخه‌ی به‌روزشده)، ۸ فوریه ۲۰۰۵، UN Doc. E/CN.۴/T.۲۰۰۵/۱۰۲/Add.۱، اصل ۳۲.

۹. نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

۹.۱ نتیجه‌گیری

در پی اعتراضات سراسری در آبان ماه ۱۳۹۸، که به دنبال اقدام ناگهانی دولت برای افزایش بهای بنزین به راه افتاد، مقام‌ها و مسئولان ایرانی کارزاری برای سرکوب گسترده آغاز کردند که به دستگیری و بازداشت هزاران مرد، زن و کودک منجر شد. بسیاری از بازداشت‌شدگان، از جمله زندانیان عقیدتی، در حبس انفرادی طولانی‌مدت در بازداشتگاه‌های موسوم به «بازداشتگاه‌های امنیتی» یا در مکان‌های مخفی و غیررسمی زیر نظر تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی نگه داشته شدند، بعضاً در شرایطی که معادل ناپدیدسازی قهری بود. سایر بازداشت‌شدگان در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌های پر ازدحام حبس شدند.

تمام بازداشت‌شدگان در مرحله بازجویی از حق دسترسی به وکیل محروم شدند، و تعدادی از آنان تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها وادار به بیان «اعترافات» و اظهاراتی مبنی بر مجرم دانستن خود شدند. تعدادی از بازداشت‌شدگان حتی در جریان برگزاری محاکمه هم از دسترسی به وکیل و مشاوره‌ی حقوقی محروم ماندند. تا کنون، صدها نفر بر اساس اتهامات واهی یا مبهم محاکمه شده‌اند و با احکام سنگین حبس و همینطور مجازات شلاق روبه‌رو شده‌اند؛ روال قضایی در این پرونده‌ها به شدت ناعادلانه بوده و با موازین اساسی بین‌المللی در خصوص دادرسی عادلانه مطابقت نداشته است. دستکم چهار نفر نیز در معرض خطر مجازات اعدام هستند.

در چارچوب قوانین بین‌المللی، بسیاری از دستگیری‌ها و بازداشت‌های انجام‌شده در رابطه با اعتراضات، خودسرانه به شمار می‌آیند زیرا افراد صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق خود در زمینه آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز دستگیر و بازداشت شده‌اند. به علاوه، عملاً در تمام موارد، دستگیری‌ها و بازداشت‌های مرتبط با اعتراضات در مغایرت با موازین دادرسی منصفانه انجام شده و در نتیجه، دستگیری‌ها و بازداشت‌ها ماهیت خودسرانه پیدا کرده و به محاکمه‌های ناعادلانه منتهی شده‌اند.

تا ۵ شهریور ۱۳۹۹، مقام‌ها و مسئولان ایران از صدور دستور تحقیق و تفحص درباره اتهام ارتکاب جرایم سنگین و نقض جدی حقوق بشر از جانب مأموران اطلاعاتی و امنیتی، با همدستی قوه قضائیه، علیه هزاران نفری که به طور گسترده در ارتباط با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ دستگیر شدند، امتناع کرده‌اند. در عوض، مقام‌ها و مسئولان کارزاری برای سرکوب گسترده به راه انداخته‌اند تا آسیب‌دیدگان و بستگان‌شان و شاهدانی را که به دنبال دادخواهی بوده‌اند مرعوب کرده و وادار به سکوت کنند و همزمان به تجلیل علنی از عاملان سرکوب خونین آبان ماه پرداخته‌اند.

تداوم و استمرار جنایت‌های خونین در ایران از اساس به بحران ساختاری «مصونیت از مجازات» گره خورده است، مصونیتی که مقام‌ها و مسئولان همواره از آن برخوردار بوده‌اند و این وضعیت آنان را به این باور رسانده است که می‌توانند بدون هیچ‌گونه عواقبی به ارتکاب جرایم و نقض گسترده و فجیع حقوق بشر اقدام کنند.

جامعه جهانی، به ویژه شواری حقوق بشر سازمان ملل، نباید اجازه دهد که بی‌توجهی به این وضعیت به شدت نگران کننده ادامه یافته و ارتکاب جرایم و موارد نقض جدی حقوق بشر بدون مکافات بماند.

در زمانی که ایران در چنگ بحران چندجانبه‌ای گرفتار شده است که در ترکیبی از معضلات سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری ریشه دارد، برقراری عدالت و پاسخگویی، هم برای احقاق حقوق آسیب‌دیدگان و هم برای جلوگیری از تکرار موارد نقض حقوق بشر در آینده، ضرورت حیاتی دارد.^{۱۳۸}

از این رو، عفو بین‌الملل بار دیگر از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهد که یک ساز و کار تحقیقاتی مستقل ایجاد کنند تا روال‌های فراگیر و سازمان‌یافته نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ (از جمله دستگیری‌های گسترده، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و محاکمه ناعادلانه‌ی بازداشت‌شدگان و همچنین کشتار معترضان و عابران) مورد بررسی قرار گیرد و به این وسیله زمینه پاسخگو کردن مرتکبان و تضمین عدم تکرار این جرایم را فراهم آورند.

۹.۲. توصیه‌ها

عفو بین‌الملل از هر سه قوه حکومت ایران، قوای مقننه و مجریه و قضائیه، می‌خواهد که تمام تدابیر ممکن در حوزه‌ی اختیارات خود را برای محقق کردن توصیه‌های زیر به کار گیرند:

بازداشت‌های خودسرانه

- تمام افرادی که صرفاً به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق انسانی خود در زمینه آزادی بیان، تشکل، و تجمع مسالمت‌آمیز، از جمله از طریق مشارکت مسالمت‌آمیز در اعتراضات، بازداشت شده‌اند، را بی‌درنگ و بدون قیدوشرط آزاد کنید؛
- تمام اتهامات ناشی از بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حقوق بشر را بلافاصله ملغا کنید و ضمانت کنید که تمام محکومیت‌های ناشی از محاکمات به شدت ناعادلانه ابطال می‌شوند؛ از جمله اتهامات متکی بر اظهاراتی که بر اثر شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها یا بدون حضور وکیل اخذ شده است. افراد متهم به ارتکاب تخلفاتی که در عرف بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند باید با رعایت موازین دادرسی منصفانه مجدداً محاکمه شوند.
- اصل «شفافیت قانون» را رعایت کنید و ضمانت کنید که افرادی که مورد تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند منحصرأ به دلیل اقداماتی که جامعه بین‌المللی نیز آن‌ها را جرم قلمداد می‌کند محاکمه می‌شوند و این جرایم به طور روشن و شفاف و مطابق با قوانین و موازین بین‌المللی حقوق بشر در قانون تعریف شده‌اند؛

^{۱۳۸} کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مجموعه اصولی برای تأمین و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با مصونیت از مجازات (نسخه‌ی به‌روزرشده)، ۸ فوریه‌ی ۲۰۰۵، UN Doc. E/CN.۴/T.۰۰۵/۱۰۲/Add.۱، اصل ۲۷(ب).

- کسب اطمینان کنید که، هم به لحاظ قوانین و هم در عمل، تمام افرادی که از آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند از این حق برخوردار می‌شوند که قانونی بودن بازداشت‌شان و ادامه یافتن آن را در دادگاه عمومی، مستقل و بی‌طرفانه به چالش کشند که اگر بازداشت آنان را غیرقانونی تشخیص داد، اجازه داشته باشد حکم آزادی‌شان را صادر کند؛
- تمام مقررات مبهم در قانون مجازات اسلامی را که حقوق آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز را به شکل ناموجهی محدود می‌کنند، از جمله مواد ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۴، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۸ و ۶۹۸ آن را، فسخ کرده یا به شکل قابل توجهی اصلاح کنید تا با قوانین بین‌المللی مطابقت پیدا کنند؛

شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها

- جرمی تحت عنوان شکنجه در قوانین کیفری ایران، همسو با قوانین و موازین بین‌المللی، از جمله «کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی»، تعریف کنید و تضمین کنید که ممنوعیت شکنجه، برخلاف آنچه در حال حاضر در قانون اساسی کشور تجویز شده، به «اخذ اعترافات یا کسب اطلاعات» محدود نمی‌ماند و تحمیل هر نوع درد و رنج شدید جسمی یا روانی، با هدف مجازات، آزار یا ارباب یا به هر دلیل مبتنی بر تبعیض‌گذاری، نیز شکنجه شمرده می‌شود؛
- ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را رعایت کنید، و ضمانت‌های اجرایی ضروری را در این زمینه برقرار کنید، از جمله دسترسی به وکیل منتخب از بدو دستگیری و دسترسی فوری به آزمایش‌های پزشکی به وسیله‌ی پزشک مستقل به هنگام بازداشت، در جریان انتقال، و به طور ادواری در طول دوره حبس، به منظور محافظت از تمام کسانی که توسط نهادهای حکومتی بازداشت و حبس شده‌اند؛
- حبس انفرادی طولانی‌مدت را غیرقانونی اعلام کنید و به اجرای این روال پایان دهید؛
- رویه اخذ و پخش «اعترافات» اجباری را، هم در قانون و هم در عمل، ممنوع کنید و برای اعاده حرمت و حیثیت و احقاق حقوق آسیب‌دیدگان عذرخواهی رسمی منتشر کنید؛
- تضمین کنید که تمام اظهارات یا مدارکی که بر اثر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اخذ شده کاملاً از روال دادرسی کنار گذاشته می‌شود، مگر در موارد مربوط به محاکمه متهمان به ارتکاب شکنجه؛
- ضمانت کنید که افرادی که در بازداشت عوامل حکومتی به سر می‌برند از دسترسی به موقع و مناسب به خدمات بهداشتی، از جمله پیشگیری و معاینه و درمان، به صورت رایگان و بدون تبعیض‌گذاری برخوردار می‌شوند، و همچنین از خدمات درمانی برای جراحات مزمنی که بازداشت‌شدگان در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ یا بر اثر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در دوره‌ی حبس‌شان متحمل شده‌اند؛
- سازوکاری برای انجام تحقیق و تفحص در مورد اتهامات شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها به محض اطلاع یافتن از آن‌ها، ایجاد کنید و همچنین، ضمانت کنید که این تحقیق و تفحص به شکل کامل، مستقل و بی‌طرفانه و به منظور اجرای عدالت در مورد تمام آمران و عاملان انجام می‌شود؛ دامنه تحقیقات باید مقام‌ها و مسئولان ارشد را نیز در برگیرد،

مقام‌ها و مسئولانی که می‌دانسته‌اند، یا باید می‌دانسته‌اند، که مأموران رده پایین‌تر مرتکب چنین جرایمی شده‌اند و یا درصدد ارتکاب این جرایم‌اند اما، در حوزه اختیارات خود، تمام تدابیر مناسب و لازم را برای پیشگیری از وقوع این جرایم یا متوقف کردن و مجازات کردن آن‌ها اتخاذ نکرده‌اند؛

- تمام قوانین، از جمله آن بخش‌های «قانون مجازات اسلامی» را ملغا کنید که مجوز حکم شلاق و سایر مجازات‌های بدنی را صادر کرده و اصل ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را نقض می‌کنند؛
- «کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی» و پروتکل الحاقی آن را به تصویب قانونی برسانید؛

ناپدیدسازی قهری

- سرنوشت، محل نگهداری، و وضعیت حقوقی بازداشت‌شدگانی را که در حبس به سر می‌برند بی‌درنگ به اطلاع خانواده‌های‌شان برسانید و به عمل ناپدیدسازی قهری پایان دهید؛
- چنانچه قربانیان ناپدیدسازی قهری جان باخته‌اند، اجساد و بقایای آن‌ها را به اعضای خانواده‌های‌شان تحویل دهید و اجازه دهید که خانواده‌ها مطابق با سنت، مذهب یا فرهنگ خویش مراسم خاک‌سپاری و سوگواری برگزار نمایند؛
- تضمین کنید که بازداشت‌شدگان، به لحاظ قانونی و در عمل، دسترسی فوری و منظم به دنیای بیرون، و به ویژه به وکلا و خانواده‌های‌شان، دارند؛
- ضمانت کنید که تمام موارد ناپدیدسازی قهری به صورت مناسب مورد تحقیق و تفحص قرار می‌گیرند و متهمان به ارتکاب این جرم بنا به روال‌های مطابق با موازین بین‌المللی برای محاکمات عادلانه محاکمه می‌شوند و آسیب‌دیدگان تسهیلات جبرانی مؤثر دریافت می‌کنند؛ متهمان شامل کسانی می‌شوند که با امر کردن، سفارش دادن، برنامه‌ریزی، برانگیختن، نقشه‌ریزی، معاونت و معاضدت و یا سایر اقدامات به ارتکاب جرم ناپدیدسازی قهری مساعدت رسانده یا ارتکاب این جرم را تسهیل کرده‌اند و همچنین مقام‌ها و مسئولان ارشدی که می‌دانسته‌اند، یا باید می‌دانسته‌اند، که مأموران رده پایین‌تر مرتکب این جرم شده‌اند و یا درصدد ارتکاب این جرم هستند اما، در حوزه اختیارات خود، تمام تدابیر مناسب و لازم برای پیشگیری از وقوع جرم یا متوقف کردن و مجازات کردن آن را اتخاذ نکرده‌اند؛
- جرمی تحت عنوان ناپدیدسازی قهری در قوانین کیفری ایران، مطابق با قوانین بین‌المللی، تعریف کنید؛
- «کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی قهری» را به تصویب قانونی برسانید؛

بازداشتگاه‌ها

- استفاده از بازداشتگاه‌های ویژه امنیتی و همین‌طور اماکن بازداشت مخفی را در قانون ممنوع و در عمل متوقف کنید و ضمانت کنید که تمام افرادی که از آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند در بازداشتگاه‌های رسمی و شناخته شده نگهداری

می‌شوند و وضعیت‌شان در یک سامانه مرکزی ثبت می‌شود که برای وکلا و خانواده‌های بازداشت‌شدگان، در همه حال و بنا به درخواست آنان و بدون تأخیر، در دسترس خواهد بود؛

- فهرست به روز شده‌ای از تمام بازداشتگاه‌های رسمی منتشر کنید، به صورتی که وکلا و عموم مردم به آسانی به آن دسترسی داشته باشند؛
- تشکیلات مستقل، مؤثر و مجهزی برای نظارت بر تمام زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها تأسیس کنید که تمام افراد محروم‌شده از آزادی شخصی‌شان امکان دسترسی به آن را داشته باشند و قوانین و مقررات مربوط به «سازمان زندان‌ها» را به گونه‌ای اصلاح کنید که با موازین بین‌المللی مطابقت پیدا کنند؛
- امکان بازرسی‌های منظم، سرزده، مستقل، و نامحدود تشکیلات تخصصی مستقل ملی و بین‌المللی از تمام اماکنی را فراهم کنید که افراد محروم شده از آزادی شخصی‌شان در آن‌جا نگهداری می‌شوند یا احتمال دارد نگهداری شوند؛

محاكمه عادلانه

- موازین بین‌المللی ناظر بر دادرسی منصفانه را در تمام محاکمه‌ها رعایت کنید، و از جمله کسب اطمینان کنید که بازداشت‌شدگان از بدو دستگیری و در سرتاسر مراحل بازجویی، محاکمه و تجدید نظر به وکیل منتخب خود دسترسی دارند؛
- کسب اطمینان کنید که تمام افرادی که از آزادی شخصی‌شان محروم شده‌اند، از حقوق خود از جمله در رابطه با اطلاع دادن وضعیت خود به یک شخص ثالث، دسترسی به وکیل، به چالش کشیدن قانونی بودن بازداشت‌شان و سکوت اختیار کردن، فوراً مطلع و بهره‌مند می‌شود و ضمانت کنید که اظهاراتی که در نتیجه‌ی عدم اطلاع‌رسانی به بازداشت‌شدگان در مورد حقوق‌شان اخذ شده در دادگاه به عنوان مدارک مقبول مد نظر قرار نمی‌گیرد؛
- تسهیلات و امکانات مناسب برای تهیه دفاعیه را در اختیار تمام متهمان به جرایم کیفری قرار دهید، از جمله امکانات مناسب برای برقراری ارتباط خصوصی با وکیل و دسترسی به موقع به تمام اطلاعات مرتبط با اتهامات و روند دادرسی، شامل اطلاعاتی که محکمه می‌خواهد به آن‌ها اتکا کند؛
- حق تمام افراد متهم به جرایم کیفری برای برخوردار شدن از محاکمه علنی را تضمین کنید و ضمانت کنید که هرگونه استثنا در این رابطه در قوانین مشخص شده و دقیقاً تعریف می‌شود؛
- ضمانت کنید که تمام افراد متهم به تخلفات کیفری از حق محاکمه شدن در حضور خودشان برخوردار می‌شوند و در تمام روندهای محاکمه و فرجام‌خواهی این حق نشست حضوری در دادگاه رعایت می‌شود و متهمان می‌توانند در این جلسات حاضر باشند و وکیل‌شان نیز به نمایندگی از آن‌ها حضور داشته باشد و از امکان ارائه شواهد و پرسش از شاهدان برخوردار باشد؛

- تبصره ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری را ملغاً کنید، قانونی که متهمان به ارتکاب برخی جرایم، از جمله اقدام علیه امنیت ملی را از حق دسترسی به وکیل مستقل و منتخب خود محروم می‌کند و فقط به آنان اجازه می‌دهد که وکیل خود را از بین وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه انتخاب کنند؛
- ضمانت کنید که اظهارات یا اعترافات بازداشت‌شدگان جز در مواردی که در حضور یک قاضی و با مشاوره یک وکیل ابراز شده باشد، هرگز در روند دادرسی به عنوان شواهد اثبات‌کننده جرم مورد استفاده و استناد قرار نمی‌گیرد؛
- مقرراتی به اجرا بگذارید که، مطابق اصل برائت، دادستان را مکلف کند تا از ادای و اختیاری بودن اظهارات متهمان را، ورای هر گونه شک و تردید، اثبات کند؛
- دادگاه‌ها را ملزم کنید که رأی خود در مورد پرونده‌های کیفری را به صورت علنی و مستدل منتشر کنند، تا عموم مردم اجازه پیدا کنند از یافته‌های اصلی پرونده‌ها، شواهد و مدارک و استدلال‌های حقوقی که به مجرم شناخته شدن و محکومیت متهمان منجر شده باخبر شوند؛
- از استقلال قوه قضائیه کسب اطمینان کنید، و ضمانت کنید که سازوکارهای حفاظتی مؤثری برای جلوگیری از مداخله یا فشار یا اعمال نفوذ نابه‌جای تشکل‌های حکومتی، از جمله تشکیلات اطلاعاتی و نیروهای امنیتی، برقرار شده است؛
- تشکیلات دادگاه‌های ویژه در ایران، از جمله دادگاه‌های انقلاب را مورد تجدید نظر قرار داده و در راستای منحل کردن آن‌ها گام بردارید، مگر آن که ساختار و عملکرد این دادگاه‌ها از طریق تصویب و اجرای اصلاحات قانونی، با موازین بین‌المللی ناظر بر دادرسی عادلانه هماهنگ شوند؛

اقدامات انتقام‌جویانه

- از بازماندگان، بستگان آسیب‌دیدگان، و سایر افرادی که از جانب آسیب‌دیدگان نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ و متعاقب آن به دنبال روشن شدن حقیقت، اجرای عدالت و اتخاذ تسهیلات جبرانی هستند، در برابر تهدید، آزار، ارباب، دستگیری و بازداشت خودسرانه محافظت کنید، و به تمام اقدامات تلافی‌جویانه‌ی مقام‌ها و مسئولان دولتی یا سایر عاملان علیه آن‌ها خاتمه دهید؛
- تمام تدابیر لازم را برای جلوگیری و ممانعت از آزاررسانی و تلافی‌جویی علیه بستگان آسیب‌دیدگان نقض حقوق بشر و مدافعان حقوق بشر، به دلیل ارتباط و تعامل‌شان با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، اتخاذ کنید؛

مجازات اعدام

- محکومیت و مجازات اعدام تمام افرادی که در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ تحت پیگرد قرار گرفته‌اند، از جمله امیرحسین مرادی و محمد رجبی و سعید تمجیدی، را فوراً ملغاً کنید و امکان محاکمه مجدد آنان را بر اساس موازین بین‌المللی محاکمه عادلانه، و بدون توسل به مجازات اعدام فراهم آورید؛

- عنوان اتهامی که مجازات اعدام در پی دارند را از پرونده حسین ریحانی و سایر کسانی که در رابطه با اعتراضات آبان ۱۳۹۸ تحت پیگیری قرار گرفته‌اند، حذف کنید؛
- اجرای احکام اعدام را، در راستای لغو کامل این مجازات، رسماً به حال تعلیق درآورید؛
- تا زمان لغو کامل مجازات اعدام، تمام قوانین، از جمله آن بخش‌های «قانون مجازات اسلامی»، را ملغاً کنید که بر خلاف مقررات بین‌المللی، برای اعمالی که توسط جامعه جهانی جرم قلمداد نمی‌شوند مجازات اعدام را تعیین کرده است. اعمالی که در زمره «سنگین‌ترین جرایم» منتهی به قتل عام‌دانه قرار نمی‌گیرند، نیز نباید مشمول مجازات اعدام شوند و قوانین ناقض این اصل باید ملغاً شوند؛

حقیقت، عدالت و غرامت

- رسماً و علناً اذعان کنید که مردان، زنان و کودکانی در سرتاسر ایران، در پی اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، به صورت خودسرانه دستگیر و بازداشت شده و مورد ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و محاکمه‌های ناعادلانه قرار گرفته‌اند؛ تمام اطلاعات و سوابق و مدارک مربوط به تعداد کسانی را که بازداشت، محاکمه، و محکوم شده‌اند و شرایط و چگونگی نقض حقوق انسانی آنان را در دسترس عموم قرار دهید؛ و بیانیه‌ای برای عذرخواهی رسمی، حاوی اذعان به واقعیات و قبول مسئولیت از طرف حکومت، صادر کنید؛
- ضمانت کنید که تحقیقات کیفری فوری، سراسری، مستقل و بی‌طرفانه‌ای در مورد تمام ادعاهای مطرح‌شده در خصوص ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر موارد نقض حقوق بشر، در رابطه با سرکوب‌های انجام‌شده در جریان اعتراضات و متعاقب آن انجام می‌شود؛ در صورت وجود شواهد و مدارک مکفی و مقبول، افراد متهم به دست داشتن در این اقدامات مجرمانه را در دادگاه‌های غیرنظامی و بر اساس موازین بین‌المللی ناظر بر دادرسی عادلانه، محاکمه کنید. این محاکمه‌ها باید منصفانه و بدون توسل به مجازات اعدام برگزار شوند. علاوه بر عاملان و آمران، متهمان شامل مقام‌ها و مسئولان ارشدی می‌شوند که می‌دانسته‌اند، یا باید می‌دانسته‌اند، که مأموران رده‌پایین‌تر مرتکب جرم شده‌اند و یا درصد ارتکاب جرم هستند، اما در حوزه اختیارات خود، تمام تدابیر مناسب و لازم برای پیشگیری از وقوع جرم یا متوقف کردن و مجازات کردن آن را اتخاذ نکرده‌اند؛
- تشکیلات باکفایت، مستقل و بی‌طرفی به منظور جبران خسارت از آسیب‌دیدگان ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و خانواده‌های‌شان ایجاد کنید. این تشکیلات، باید مطابق با موازین بین‌المللی، به جبران آسیب‌هایی که این افراد متحمل شده‌اند بپردازد و تدابیر آن شامل اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت، اعاده حیثیت، تأمین رضایت و تضمین عدم تکرار باشد.

عفو بین‌الملل از تمام کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواهد:

- از هر فرصتی برای گفت‌وگو با مقام‌ها و مسئولان ایرانی، در بالاترین سطوح و در نشست‌های علنی، برای گوشزد کردن توصیه‌های بالا استفاده کنید؛
- از مقام‌ها و مسئولان ایرانی بخواهید که از کارشناسان و گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل، از جمله «گزارش‌گر ویژه در مورد حقوق مربوط به آزادی تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز»، «گزارش‌گر ویژه در مورد حق آزادی بیان»، «گزارش‌گر ویژه در مورد استقلال قضات و وکلا»، «گزارش‌گر ویژه در مورد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی»، «کارگروه سازمان ملل در زمینه ناپدیدسازی‌های قهری یا غیراختیاری»، «گزارش‌گر ویژه در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر»، «گزارش‌گر ویژه در مورد اعدام‌های شتابزده، خودسرانه و فراقضایی» و «گزارش‌گر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران»، دعوت کنند تا در این کشور حضور پیدا کنند و با درخواست‌های آنان برای حضور در ایران نیز موافقت کنند؛
- از تاسیس یک ساز و کار یک ساز و کار تحقیقاتی مستقل برای بررسی روال‌های فراگیر و سازمان‌یافته‌ی نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ (از جمله دستگیری‌های گسترده، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و محاکمه ناعادلانه بازداشت‌شدگان و همچنین کشتار معترضان و عابران) حمایت کنید تا به این وسیله زمینه پاسخگو کردن مرتکبان و تضمین عدم تکرار این جرایم فراهم شود.

**عفو بین الملل یک جنبش جهانی
برای احقاق حقوق بشر است.
بی عدالتی در حق یک نفر
مسأله همه ماست.**

با ما همراه شوید

تماس با ما

www.facebook.com/AmnestyGlobal



@AmnestyOnline



info@amnesty.org



+۴۴ (۰)۲۰ ۷۴۱۳ ۵۵۰۰



ویرانگران انسانیت

دستگیری‌های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان ۹۸ در ایران

در واکنش به اعتراضات سراسری در آبان ماه ۱۳۹۸، مقام‌ها و مسئولان ایرانی کارزاری برای سرکوب گسترده به راه انداختند که به دستگیری بیش از هفت هزار مرد، زن و کودک منجر شد.

در پی مستندسازی روال‌های غیرقانونی کشتار معترضان و عابران در جریان اعتراضات، عفو بین‌الملل برخوردهای مقام‌ها و مسئولان ایرانی با دستگیرشدگان در رابطه با اعتراضات را مورد تحقیق قرار داده و به این نتیجه رسیده است که این مقام‌ها و مسئولان به طور گسترده و سازمان‌یافته به نقض شدید حقوق بشر، از جمله از طریق بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و نقض آشکار حق برخورداری از محاکمه عادلانه، اقدام کرده‌اند. علاوه بر افرادی که، در بسیاری از موارد به صورت مسالمت‌آمیز، در تجمعات اعتراضی شرکت کرده بودند، فعالان رسانه‌ای که حوادث مربوط به اعتراضات را پوشش می‌دادند، مدافعان حقوق بشر، از جمله فعالان حقوق اقلیت‌ها و همینطور شرکت‌کنندگان در مراسم یادبود جان‌باختگان اعتراضات، هدف حمله مقامات گرفتند.

سازمان عفو بین‌الملل با ۷۶ نفر از آسیب دیدگان و سایر افراد مطلع مصاحبه‌های عمیق انجام داده، صدها پیامک دریافتی از داخل ایران را بررسی کرده و مجموعه‌ای از اسناد و مدارک قضایی و ویدئوهای تاییدشده از اعتراضات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

با توجه به شدت و وخامت موارد نقض حقوق بشر و مصونیت مستمر مسئولان از مجازات، عفو بین‌الملل بار دیگر از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهد که یک ساز و کار تحقیقاتی مستقل ایجاد کنند تا روال‌های فراگیر و سازمان‌یافته‌ی نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گیرد و بدین ترتیب زمینه‌های پاسخگو کردن مرتکبان و تضمین عدم تکرار چنین تخلفات و جرایمی فراهم شود.



شماره ایندکس: MDE 13/2891/2

شهریور ۱۳۹۹

زبان متن اصلی: انگلیسی

amnesty.org